

قسم از ترقیات دنیویه و اخرویہ نیستند اهل حکمت
عقلیه و علمای اخلاق فرموده‌اند که صاحب جریزه
(یعنی کسیکه فکرش را استقلال و استقراری نیست)
قابل ترقیات عقلیه نباشد

بادشاهان مظاهر شاهی - حق
مالسان مرآت آگاهی حق
علم و قدرت چون هم‌گشتند یار
کار شه با ملک گردد استوار

(ساخته) چون گفتم که سرکار را با علم و علم باید
سر و کار باشد و وزیران دربار ملان طالبندار باقی دارد

جغرافیای ایران

(از شماره ۱۹)

سفیدرود - در ورسان دریای مازندران از بزرگترین
نهرهای ایرانست و از دو تابع بزرگ شرق و غرب
نهرهای شاهرود و غزل اوزن تشکیل می‌یابد و تابهای
مزبور را در جوار قصبه منجیل اخذ و از آنجا تا
مصب او که بدریا داخل میشود صد کیلومتر که قریب
پانزده فرسنگ بوده باشد سفید رود نامیده میشود
شاهرود از دامنه جنوبی کوههای خمسه که
در شمال قزوین واقع است نبعان و از شرق بطرف
غرب جریان و در منجیل بغزل اوزن ملحق میشود
تابع غزل اوزن یکی رود شاهرودست که از
قصبه ترکمانجان میگذرد و دیگری (غارافو) که از
شمال خرابه‌های قائم که بنام قلعه فحاک خوانده میشود
میگذرد و سومی (ای ووغش) نام که از خانان آباد
گذشته و هر سه در قصبه (میان دو آب) بی‌یکدیگر
ملحق و از آنجا قندی که گذشتند آب را که از شهر
زنجان میگذرد اخذ پس از آن بنام غزل اوزن بنام
تسمیه و در نهایت جنوبی (آق‌داغ) گردش نموده
و بسوی شرق برگشته مدتی جریان پس از آن در
منجیل با تابع خود و شاهرود یکی شده و نام سفید رود
را اخذ و بطرف شمال جریان و بدریای مازندران میریزد
رود سر - از دامنه شمالی رشته کوههای موسوم
بخت سلیمان نبعان کرده رو بشمال روان و لنکرود را
بسوی یسار خود رها نموده اندکی رویشرق پس از آن
دوباره رو بشمال جریان نموده و بدریای مازندران میریزد

وزرای دربار ملان بزرگوار باشند کسی را حق
تقدم از هیچ جبهه بر ایشان نباشد حتی از جبهه علم و
عدالت و رجوع و التجای کافه انام از خواص و عوام
بسوی ایشان باشد و تمام احکام دینی و دنیوی مردم
موافق یا زبان و نشان ایشان جاری گردد و چون
ایشان ملان آگاه باشند و اهل صلاح و سداد نمایند
عامه ناس بقیاب و حواس بسوی ایشان گرایند و در
اجرای اوصی و انکار نواهی ایشان بجان ، مال و حال
و مقال بذل جهد نمایند بخلاف اینکه مجمل و ظلم و
فسوق و هوا پرستی و تن آساق نامبردار باشند عموم
رعیت از ایشان بگریزند و جز بنفاق در خدمتشان
قدم نزنند اگر بحسب ظاهر تی چند با ایشان هم‌دست
و هم‌زبان است اگر چه از هم‌رازان و نیازان ایشان است
وقت صرفه خود از اشد دشمنان است جان گران و
سگان از هم جداست و اگر نه کافه مردم الطبع با
آنها مخالفند و اگر بحسب ظاهر هم بواسطه خوف
یا رجا تی چند همراه کنند حرکتی است موقت و
منافقانه که بعضی قدرت در مخالفت تمام توانان حاضر
است و این خود ظاهر است که فاق سرمایه همه
خرابها است دوم اینکه چون ایشان عمده اسباب
صدور احکام قضا انتظام شاهانه اند چون از روی
علم و دانش و ملاحظه آغاز و انجام بسبب دانستن
احکام شرعی و عقلیه و تاریخ ایام و وقایع دهور و
اعوام رای دهند و نگذارند که پروانه شاهی که نمونه
قضای الهی است بی ملاحظات علم و حکمت صادر
گردد حدود احکام حضرت که نشان استقرار عزت
و سلطنت است برقرار ماند زیرا که چون حکم حاکم
بیعلم و خبر مورد ابرادات اهل نظر و موجب انواع
شر و ضرر گردید اگر تبدیل نشود مخالف عقل و
حکمت و گاهی عورت زوال سلطنت است و اگر
بعضی التفات و اطلاع بر مفیده حکم را تبدیل و نسخ
نمودند بحکم ضرورت سبب تزلزل و انهدام بنای اهدت
و عظمت شاهانه است خسروان را حکم محکم باید و
رای رزین چون احکام شاهانه قابل تفات و
تبدلات گردید و تعارض و تضاد در احکام بهمرسید
شخص ملک و دولت و هیئت اجتماعی ملت اشخاص
مردم خیال متولذالزاج را مانع شود که قایل هیچ

ساحل رود خانه را بطول چند صد کیلومتر دیوار
متین کشیده بوده‌اند که آن دیوار را سد یا جوج
و مأجوج و ترکانان (قزل آلان) نام می‌کردند
جبهه آن این سد بنا شده بود که اهالی آصفحات ایران
از ترس دائمی قبائل وحشی شمالی محفوظ بماند و
آثار خرابه‌های سد مزبور هنوز نمایان و در برخی
مواقع منظور نظر طبرین می‌گردد

رودخانه اترک - این نهر از جوار شهر (خوشان -
فوجان) و از دامنه غربی کوه‌های غولستان نیمان
نموده و از شرق رو بغرب شمالی جریان و تابع خود
نهر (سومبار) را که از طرف شمال جاری است از
جانب بین اخذ و از ملتقای سومبار اعتباراً قسمی از
حدود شمالی خاک ترکان را با خاک دولت علیه ایران
تشکیل و در جریان بطرف غرب جنوبی دوام و در
آخر برشته‌های متعدد انقسام یافته و از چند دهه به
(کورنز) حستقلی که در ساحل شرق جنوبی دریای
مازندران واقع است مصب می‌گردد

نهر اترک تا آنجا که نهر سویار داخل اومیشود با
آنکه همشکست بسیار کم است چون ساحلش بسیار انحطاط
دارد از دو طرف نهری زارهای بسیار و (باطلاق
و جن زارهای خدا آفرین بوجود آمده و در این
حوالی شکار فراوانست این نهر با آنکه سنگ است از
همه جا جبهه طبرین گذار میدهد

نهر سومبار که تابع نهر اترک است از تابشهای
بسیار متشکل و بخودی خود بمثابة يك نهری است از
تابع های او یکی آب (جامیر) است که مانند سایر
تابشهای او از دامنه های غربی و جنوبی کوه‌های
(قویت) که در خاک ترکان واقع است نیمان مینماید

نهرهای ایران که داخل دریای مازندران میشود
هیچ يك قابل سیر سفارش نیست

۲۲ - مائه خلیج فارس است با مائه دریای عمان
که عبارت از (۳۵۰۰۰۰) کیلومتر مربع است اینباریکه
داخل این و رسات قسمی از آن نواح دجه است
که از داخل خاک ایران نیمان و مدنی در خاک ایران
جریان پس از آن از حدود ایران سکنش و بدجه
ملحق میشود و بسیاری از آنها يك سر بخلیج فارس
مصب می‌کنند (باقی دارد)

رود (سه هزار رود) - از دامنه شمالی کوه‌های
مازندران نیمان و در سمت شمال قصبه حرم آباد بدریای
مازندران میریزد

رود چلوس - از دامنه شمالی کوه شمیران نیمان
مدنی بطرف شرق و بعدها بطرف شمال برگشته و
در طرف غربی محمود آباد بدریای مازندران میریزد
رود هزار - از دامنه کوه دماوند که کوه آتش
فشان بوده نیمان و در جوار قصبه چلوس تابع خود
رود خانه (نور) را اخذ و کسب جهامت نموده قصبه
(باروز) و شهر (آمل) را بسمت بسار خود ترک و
در سمت شمال بدریای مازندران میریزد

رود بلول - از طرف جنوب نیمان و بطرف
شمال جریان و از جانب غربی شهر بار فروش گذشته
در جوار مشهد سر دو رشته شده و از دو جا بدریای
مازندران مصب می‌گردد

رود تالار - از دامنه دشت خاک نیمان قصبه‌های
(عباس آباد) و (سرخ آباد) را در طرف بسار
ترک از میان دو کوه که گذشت قصبه های (شیرگاه)
و (علی آباد) را باز در سمت بین خود رها نموده
و به سمت بسار بار فروش گذشته در طرف شرقی
مشهد سر بدریای مازندران مصب می‌گردد

تجن رود - از دامنه کوه‌های طبرستان نیمان و
در طرف شرقی (فرخ آباد بدریای مازندران مصب
می‌گردد

رود خانه شاور - از کوه‌های طبرستان نیمان
و از وسط قصبه (بلنیکو) گذشته و در سمت شمالی
وزیر آباد بدریای مازندران میریزد

خوردغان رود - نهر گوردگان و یا آبکون از
منبع تا مصب این نهر (۱۶۵) کیلومتر است اساساً از
کوه‌های خراسان نیمان پس از آنکه در جوار قصبه
(قورد - گرد) نام تابع خود را که از شهر استرآباد
میگذرد اخذ نموده به (کورنز) استرآباد مصب
می‌گردد

در ازمته قدیم این نهر اراضی اطراف شهر
(میرکاسبو پولیس) نامرا آبیاری مینموده لذا از سه
کیلومتر بشهر مزبور مانده گذشت و نمیگذارد. اند
بشهر برود حتی در زمان اتوشچوان طرف راست

شوشتر

(علاج واقف قبل از وقوع باید کرد)

بمقدار اساله در شوشتر و سایر بلاد مرهستان باران بسیار بموسم و وقت آمده و مالکین و زارعین مسرور و معزوقند و در کمال خاطر جهی و توکل و امیدواری مشغول زراعت شتوی میباشند

و چون بمدلول آیه شریفه و جئنا من السماء کل شیء حی بقاء تمام اشیاء از آب است خاصه زراعت خداوند الشاهه نومی فرماید که مثل سنوات سابقه در اواخر سال بارندگی کم شود و زارعین بیچاره را کار از دست نرود و زراع قاریبی که زراعت آبی دارند دست اشخاص بیروت متعدی مبتلاء نکرند گذشته از اینکه آب بایشان نچرسد آبروی ایغان ریخته نشود و چون اخطاب ابتداء بساکن شده لازم است چند کله از حال و سلوک ملاک و زارعین میاناب شوشتر عرض شود - میاناب که خارج از دروازه شوشتر است الی چهار فرسخ تماماً قاریب بوده و بالاتر از پل قیصر ساخته قاتی است که آب در میاناب مبرود و از زمانی که بل خراب و غادروان را آب برد آب در میاناب نچرود و چون بعضی سنوات باران کم شود زراع و مالکان آنجا در دو سال بتدریج نهر داریان که در زمان سلطنت دارین دارا سفر شده تنقیه نموده و سد خاکی را مرمت و تعمیر کردند حیث که حیف و میل زیاد شد اشخاصیکه شرکت در مخارج نکرده و حق بر آن آب ندارند مانع میشوند از اینکه اشخاصیکه مخارج داده آب ببرند و غصب علیه تمام آب را بناحق میبرند و بیچارگان که مخارج داده زرع آنها میسوزد امیدواریم با اینکه اساله محتاج به دعا نخواهد شد - و اگر محتاج بشود از جانب ائمه ائمه حکومت مأمور و میراب متدین بپیر - که با احدی آشنائی نداشته باشد معین فرمایند که دست مدبان کویا و احقاق حق بحق شود

(و - ز - ی - ر)

ماریت سنیه دولت علیه در ویانه

روزنامهجات ویانه مینویسند که مدسفرای ایران هیچ يك مانند -تاب (منضم لدوله) از وضع و سلوک عموم

مجالس رسمی و غیره رسمی اروپا واقف نبودند - از روزیکه سفارت این شهر شهر سکه چهار سنی فرنگس باید گشت آمده بلدازه از رؤسای هر طبقه جلب قلب نموده سکه میتوان جوهر دانش و محبتش خلوات - خصوصاً يك گونه تألیف قلوب خانواده سلطنتی اطربش را زرده جالب مراسم و الطاف بیسابقه گزیده ازها دالالت بر حسن سلوک و تربیت و آداب دانی ایرانیان تربیت شده - جناب منضم لدوله در مهانی خاص (ارشیدوشس یزابلا) به نهار مدعو بودند و این خود بهترین دلیل حسن سلوک و ماده جذب قلبیست که درین وجود بودیت نهاده شده

حبل المتین

خدای را شکر که امروزه مأمورین دولت علیه ایران که بدربار دول عظام فرستاده می شوند بواسطه حسن سلوک و کمالات خود در مجالس رسمی و غیره رسمی خیلی جلوه مینمایند - امیدواریم که عما قریب جلوهای - می نیز که عبارت از دانششان در ملاحظات سیاسی و فوائد مایه و مایه و دولتی است از ایشان خیلی بمنصه شهود آید انشاء الله آنوقت نزدیک رسیده که افراد ملت ما نیز بوجود رجال دولت خود مانند سایر ملل اقتضار نمایند

وزارت نظمیة طهران

(از شماره ۱۹)

امروز برخی وقایع مشامده میکنیم و بعضی اخبار میشنوم که بگوش ما عجب میآید و تصورش قدری اولاً مشکل میگردد و شاید قراء محترم نیز تعجب کنند و ما را هدف سهام طعن و قدح نمایند ولی از عموم آقایان و مشرکین معظم استدعا میکنیم که در عرایض ما بچشم انصاف و صروت ننگرند و بدو آ حدت و شدت ننمایند و قدری تفحص و نجسس کنند و نیز بدانند که قدح و مدح چون در مورد خود واقع شد پسندیده و سزاوار است آنکس که مرتکب اعمال شنیعه و افعال فییحه سکه ارزش نباهی يك قومی یا تخرش - نم بر يك نفر بود - این چنین کس در این کار و حکم داریش مورد هزاران ملامت و لعنت است خواه مرده باشد یا زنده در این قرن

حاضر باشد یا صد قرن پیش - بالاخره حاکم مجسم هم قبیح و مدح و ذم عقل است و در نظر نکته بینی عقل مرده را با زنده فرقی نباشد و اگر خدمت از کردار گذشتگان صحیح نباشد بآن واسطه که مرده اند هر آینه تمجید و تحسین نیز روا نباشد. آیا مسلمانان حکم کرده که لعنت بر شهاد و نمرد و فرعون و فریض بر نصر و یزید و ولید چون مرده اند روا نباشد. همانا مسلک جاهل قال و قیل است و مذهب دانا پند و دایل و بر طالبان حق و سالکان طریق راستی است که هر سخن را بمیاز عقل و خرد بسنجند بهر جاهل شربر و عاصی نکیر نگروند. و ما نیز شیوه دیرینه را از دست نداده هر چه روی فروش را طرف قرار ندیم و محاکمه مرسته را بوجدان دامایان که وجود دارند یا بدها قدم بر مرسته کیتی نهد و انذار میکنیم و بطور یقین میدانیم که در یک دو قرن دیگر کتابهای برخی مبتدعین مذاهب باطله را بجزیه میکروب طاعون و وباء لازم الاجتناب دانند و اوراق حبل المتین را در کتابخانههای ماقی در مقدمه اولین اوراق نافه چینند بر طاعت که قدر مرصعت را بشناسیم و کفران بنسایم و کفران نعمت هوا پرست را که عبود و مسجود شان در اهم نجس است با درد خود وا گذاریم (قل ما ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون - الی قوله تعالی - انکم دینکم ولی دن) خلاصه این دو امر که سرمایه ترقی و تقدم است بعد از آنکه ساها در وطن ما فپایین متصدیان امور جمهور منقود بود بتازکی آشکار گشته و بسا بر طبقات نیز سرایت نموده است مقصود از آنستکه یک دفعه طوایف و اخلاق هموم برگشته است چه طفره محال است و خوی بد در طبیعتی که نشست بزودی خارج نشود و مهربانکه روزگاران بدل جای گیر شده حز روزگاران بیرون نتوان کرد - بلکه فرس آستیکه تفاوت در احوال طبقات امام ظاهر میشود و این تفاوت اگرچه جزئی است ولی چون حرکت بجانب ترقی است میتوان امید وار شد که تا چند سال اثرات کلی بخشد -

امروز ملاحظه میکنیم شخص اول دولت حکه یکطرف از خانواده سلطنت است و از طرف دیگر صدر اعظم مملکت روزانه بیجده ساعت مشغول رحمت

و مشقت و رسیدگی بامور ملکی و ملی است - تنها در هر روز و شب شش ساعت را مخصوص خواب و خوابگاه مقرر داشته و ز ارمین تحمل مشقت و صبر در کار است که در مدتی اندک بمقاصد طالبه کامیاب و موفق گردید با اینکه سابقین اگر اتفاقاً روزی بیسعادت بمشاغل رسیدگی می نمودند آرزوی دولت و ملت را از خاک برگرفته و منت بر سر ایرانیان می نهادند - دیگر مسئله خود غرضی واستبداد و لجباعت تا یک درجه منسوخ گشته چنانکه هر عمل را که نیک باشد بپذیرند و متابعت با که تسبیح نایان او را فریضه ذمت حقوق شناسی و انصافیت خود شایند چنانکه از عنوان ذیل که از طرف وزارت جلیله نظامیه طهران رسیده معلوم میشود که جناب سعیدالسلطنه و دربر نظمیة همین شیوه شیوا که موجب رضای خداوند و مسرت خاطر خطیر میبونی و آسایش رعایات رفتار میکنند و امیدواریم سایر وزراء و امراء نیز بمجناب معظم متابعت و پیروی نمایند شاید آب رت بجوی باز آید و آثار صحت و سلامت در ناصیه ملک آشکار گردد

و پیش از نقل صورت مزبوره که راجع برخت شوی خواهیست لازم میباشد معزی الیه را بدو که مختصر معرفی کنیم تا اشخاص خارج از طهران و تبریز این وجود خیر خواه را بشناسند و بدانند که لطفه پاک باید تا قابل فیض شود -

جناب سعیدالسلطنه فرزند ارجمند جناب مستطاب خلائق افتخار آقایی نظام العالیاء تبریزی دامت افاضت حکه شرح منساخته و معالی و مآثر آلهام فرید و خدمات بیانیاتش را بعالم علوم خصوص تون ادبیه و دبیه را دفتری نخبیم لازم است و الحاق مجمع صفات فاضله و اخلاق کریمه و علو نفس و حسن فطرت و طوبیت است - و ازوی این صفات عجب نباشد چه از شجره طیبه نبوت و رسالت است - و در تمامی حالات و صفات اقتدا باجداد طاهرینش که اصل خیر و بنیان سعادت و عات آفرینش اند کرده باعق اهل طبره و درایت امروز یگانه آفاق و وحید زمان است البته چنین پدری چنان پسری باید (ان هذا الشبل من ذک الاسف) - هر چه در خدمت عهده دولتی بوده هر

مستشار سفارت سنیه که فرزند ارچند ایشانند و الحق از جوانان تربیت یافته لایق قابل این عصر فرخنده بشمارند در غیاب والد ماجدشان بسمت ژانودفری بنیکوترین اسلوبی امور سفارت سنیه را اداره نموده و میبایند

از جانب دولت علیه بجناب آقا میرزا حسین خان فرزند ارچند بستگان آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه که از جوانان لایق با تربیت آمد و مدتیست که ریاست کابینه وزارت خارجه بایمان محول شده و نیکو از همه بر آمده بود. در سه خدمت سابقه به لقب (مؤمن الملك) و حمایل سزبانان درجه اول شیر و خورشید مفتخر و مباحی آمدند

- جبل المتین -

الحق تربیات مقتضیه و متقنه را که جناب (مشیر الملك) در وزارت جلیه امور خارجه گذاشته وجود انقضی مثل جناب مؤمن الملل را میخواهد که بطریق حسن اجرای آن مقاصد عالی را به نماید. اعضای اداره جبل المتین بستگان آقای مشیرالدوله را بوجود این فرزندان با شرف و سعادت لایق قابل تهنیت میگویند و ار خداوند مسئلت می نمایند که امثال این گونه جوانان با صفت و شرف را در ملک و ملت ما زیاد فرماید. تا تکمیل نواقص ملی و دولتی ما را با نیکو ترین وجهی به نمایند

و آبهای جریک را بجزایش میبرزند که از آن بجاها ریخته شود و حوض سرانزم در وسط میسازند که ریختارها بعد از يك شدن از حوض آب بکشند و معلوم است تمام ملاحظات لازمه در بنای ریخت شویخانه ما خواهد شد فی الجمله جای امتنان کلی است که این کار بکفایت و کاردانی جناب سعید السلطنه وزیر نظیه پرداخته شود و ریخت شویخانه ساخته و نصف بیشتر ظایفه رفع و آنها بالنسبه يك گردد

امیدواریم توانگران و طالبان خیر درین خیرات جاریه کمک کنند و کاری باین خوبی و پر متعقی را بهترین حسنات و با قیاس الصالحات دانند و بخاطر داشته باشند که آبهای کثیف با قفسهای محکم در تابستان گذشته چه کرد و هر يك با اندازه قدرت و استطاعت از همراهی و مدد مضایقت نمایند

- طهران -

جناب علامه السلطنه سفیر دولت علیه در دربار انگلیس در دار الخلافه با همراه و بیض حضور مبارک اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی نائل آمده زاید الوصف مورد مرام ملوکانه گردیدند. تا عید نوروز در دار الخلافه رونق افروز و سپس بجناب لندن که سرگرم امور پستخان است رهسپار خواهند گردید. آقای معین الوزاره

- تاریخ حرب ژاپون -

(از شماره ۱۷)

- مخارج بحری -

جبهه دستهای کشتی جنگی سصد و بیجاه میلیون فرنگ	...
جبهه تسلیحات از قبیل توپ و غیره صد و شصت میلیون فرنگ	...
جبهه سر بازخانه بحری و مباحی دیگر بیجاه میلیون فرنگ	...

نصد و بیست میلیون فرنگ که از چین تضمینات حرب گرفتند تماماً را بمصارفیکه باید مخارج عسکره است از بری و بحری و راه آهن تخصیص نمودند

تا سال (۱۸۹۴) عساکر دائمی دولت ژاپون تقریباً عبارت از بیجاه هزار بود اما پس از محاربه با چین حسب الضروره مقدار عساکر موجوده را به سه مثل آن ابلاغ و يك اردوی دائمی که عبارت از صد بیجاه هزار کس بوده باشد تشکیل نمودند

- اصول اخذ عسکر و عساکر دائمه -

عساکر دائمه جزائر جزیمة (بنو) و (نیبون) و (کیوسبو) و (سبوك) که اراضی اصلی سلطنت ژاپون است جبهه جمع و جلب دوازده فرقه عساکر دائمه بر دوازده مائزه و منطقه تقسیم شده است جبهه فرقه سیزدهم عساکر مستحفظه که در حالات استثنایه به تحت سلاح دعوت میشوند از آئوده (نورمن) و جزائر جتتمه (جوسیا) که این جزایر طایین آده (کیوسبو) و شبه جزیره کوره واقع است نظامات و قوانین

شماره ۱۰ (۱۳۰۰) ۱ ذی الحجه (۱۳۲۲) - سال دوازدهم - ۶ فروری (۱۹۰۵) صفحه ۱۳

مخصوصه وضع و جاری است - در داخل هر يك از منطقه‌ها يك فرقه عساکر دائمی از فرقه که از منطقه مزبور تشکیل می‌یابد موجود است و منطقه هر فرقه به دو دائره (دائره لوا - ر برضاد) و هر دائره (لوا) به دو دائره (آلی) و هر دائره آلی به دائره (بانالیون) تقسیم شده

و هر دائره (آلی - رومان) عساکر پیاده مجبورست از آنک در داخل دائره که هست بموجب اصول فرقه افراد جدیدی که باید داخل سلك عسکری شوند فراهم آورده و تدارك و آماده نماید و افرادی که مخصوص تشکیلات صنوف سازماند آنان نیز بموجب تنسیقات (رزیمانهای) مختلف با مقداری که بحسب آنان اسابت می‌یابد موجود میشوند

جبهه تشکیل عساکر محافظ چه سواره و چه پیاده از اراضی امپراطوری یعنی خالص هم بلا تفریق اخذ میشود که این دائره عبارت از قطعه اراضی می باشد که در اطراف شهر (توسکیو) واقع است و جبهه آنک تدارك عساکر لازمه را کفایت نماید مقیاس این منطقه را بقدر امکان وسعت داده‌اند امر تعیین و اداره هر فرقه عساکر بعهده سگان اراضی همان منطقه تودیع شده

[يك فرقه] عبارت است از

پیاده	۴	ریمان بهر ریمان سه فوج
سواره	۱	ریمان عبارت از دست
توبچی	۱	ریمان
استحکام	۱	بانالیون

قلیه ۱ بانالیون که در آن شهر آنان مفصلاً نداشت خواهد آمد

ریمان را بتزکی آلی میگویند

و چهار ریمان سوار و شش ریمان توبچی و يك بانالیون سرباز جبهه راه آهن - ساختن و يك دست سرباز تبارک در زمانهای مخصوص از داخل دوائر فرقه‌های (۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۸ - ۹) تدارك و تشکیل می‌یابد

و بانالیون‌های توبچی قلاع از دوائر توبچی استحکامات و قلاع تشکیلش بدان دائره متعلق است تشکیل می‌یابد

در ژاپون نظامنامه اخذ عسکر را از (۲۹) قانون ثانی افرنجی مطابق سنه (۱۸۸۹) میلادی بموقع تطبیق و اجرا وضع نمودند اساس این نظامنامه همان تعدیل شده نظامنامه‌های سال (۱۸۷۵) و سال (۱۸۷۹) و سال (۱۸۸۳) میباشد

خدمت عسکری در ژاپون شخصی و جبری است که از هفده سالگی تا چهل سالگی اتمداد دارد مدت مجبوری جوانان ژاپون تا رسیدن بیست و سه سالگی است که يك قسم جبهه بیرون آمدن از زیر سلاح اكمال می‌یابند (باقی دارد)

مکتوب از طهران

(ولای عسکرتم لازیدنکم ولان کفرتم ان عنای لشدید)
انسانرا در وجود عالی است مخصوص که کتاب تکوینی و سفر الهی است هر فرقی از آن صفحه است و هر سالی سطر و ما را در آنچه قلم الهی در طبایع مقرو داشته عبرت و آیتی است که بمقتضای بسیاری از امور مکتوبه و اسرار مخفیة واقف سازد نخست که نظر خود را بطرف او معطوف سلطیم از احوال ام و ملل و شعوب و قبایل مختلفه و دوره‌های حیات بشری ما را مطلع سازد آنگاه مشاهده کنیم بعضی ملل را که ترقی نموده و بدرجات رفیعه طرز و

سو ارتقاء جست و درحو مطالی طیران نموده و چندان دور رفت و بلندی کوشیده که عقول را تصور آن مرتعد و مرتعش سازد - آنگاه از آسمان سیادت و عزت بشهر جاه مدلت تنزل نموده تا آنکه بنیادهای بزرگ رفعتش حراب و آذارش بگونه سراب کشت و رسوم آن کهنه شده و اثری از آنها جز در بطون کتب و متون تواریخ باقی نمانده و جز در روایات و اخبار نامشان مشاهده نشده سالها در صحراء کنای مطلق حرکت کرده آنگاه پای در دایره وجود نهاده و در مقام الهی مقام پیشانی وهام را یافت هم باندک مدتی چون برق بطرف وادی عدم حرکت میکنند و برخی اقوام

را ملاحظه کنیم که از بدو زمان تا امروز همواره لباس عزت در برداشت و همیشه با بجه و ملا دست در کردن بوده و در شامق هر و شرف و سیادت همیشه میکنند - و چون این حقایق در انظار اوله و حیران مردم خند بساگس که چون اشکال و غائبیل مختلفه بنظرشان آید کبھی متمجب و منبسط شود زمانی مکدر و منقبض - و از منشا ظهور این ملل و ملت انقلاب این احوال خافل و جاهل است - و چون از سبب انقلاب اسر و از گون شدن شتون این ملل از وی سوال کنند گویند سبحان الله این اسری است صجیب گاهی چنان بوده و زمانی چنین نه آن ارتفاع را خلق مین است - نه این انحطاض را دلیل برهنه ما این جمله را جز بخت و طالع باطنی نباشد که چون روی بطرف سید نهد موجب سعادت شود و چون بجانب برج نحس گراید همه مورت تفاوت و بدبختی گردد و صاحب آن طالع را شی سازد - ولی برخی را که دقت نظر و توت نگر و ذکا طبعی است بچشم بصیرت و عین حق یعنی نظر کرده واقف میشود بر اسبابیکه حضرت آفریدگار جات حکمت در صعود و هبوط امم و ملل مقرر فرموده و پیشانسد که تمام آنچه بک ملت را خیر حاصل شده از قبیل سیادت و راحت و علم و شرف و ثروت و وسائل عیش و خوشی این جمله بدست همی از امانت و اعظم مان ملت بوده است که جهد نموده اند و کوشش کرده اند و انفس و نفانس خود را در مان راه بذل کرده تا آنکه قوم خودشانرا بجهت اصیل و مقام جلیل طائر نموده اند و این گروه اند اعظم حقیق و امانت واقعی که ذکر وضع دارند و مکاتی در قلوب و صدور منبع که از آنها ستایش کنند و در نظر اخلاف و باز ماندگان بکرامت و علو قدر و تقدیس بمثالند با اینکه این فرقه در صورت و شکل و خون و گوشت مخالفی با سایرین نداشتند اند باکه امتیازشان بهمت بلند و غیرت و حجت و خیال عالی بود - چه سعادت مند کسی است که چون باورق احوال این گروه نظر کند اعمال و افعالشانرا سرمشق خود قرار دهد و پیروی و اقتداء بایشان را وظیفه خود داند و بهوس بقاء ذکر نیک و محبت و ثناء چیل و مکرمت بهمان راه مستقیم - ملت شود - و اثر اقدامشان از نظر دور نناید و چون در سلوک این مسلك بموانع مصادف شود املنا نماید و هرچه در زیر نظر و اقدام خود ابدان مقطوعه و سرهای بریده و ابدان متلاشیه و اعضاء مقطعه مشاهده کند و مقارن شهداء راه حق را فرسنگها بیند و در مقابلش دره های هولناک و جنگلهای وحشه خودتائی کند که از میان آنها غرش شیر و نمره پلنگ و هیولای بیر و فیل و کرگدن ظاهر شوند گرتی همگی را در راه او طلسم بند کرده مدت خوان در جلوش بسته اند تاچار باید اوهم را خرق نماید - بی طالب - قی را چنین مطالب مدعته موحشه کشف میشود که محاطیه ادنای آنها و موت شریف اعلاهی آنها است -

بسانوس که از مشاهده این اوضاع رعبه بر اعضایش فند و امتعش سست شود و بر خویش بلرزد و عقب نشیند و با بدترین احوال برگردد و در اسوء احوال بماند تا بتمام لاین خویش که عدم است واصل شود - و همی اشخاصی که مالم لای و توفیق دینی قبضش وحی شود که هر شخصی درخاصه خود و امم دره ات نوجه و نوع انسان در حالت مجموعه بر حسب حلقه الهی و صورت ابداع مفلور و ذمه اش

مشغول است با اعمال شریفه و فضائل حسنه که باید بدن را در سعی به آن مشقت افکند و نفس را وادار کرد بر آنچه حایل نیست با همه احوال و هر فائله را طالب شود و قوای طایفه و حواس سامیه که در طبیعت انسانی ودیعت دست موجد کل است او را بهترین کمک و قویترین مساعدت در انجام مقاصد مهمه که ناشی از محنت و عزیمت آدمی است -

بلی آنکس را که خداوند بحیات انسانیت اختصاص دهد هرچه مصائب و متاع بر وی حمله کند جز بر حرص او در مقهور نمودن مصائب نیفزاید و بالعکس بسیار از کسانی که بشکل انسانند حیات شان را چون هیات حیوان بسر میبرند و در زندگی خود چندان از شقاوت و سختی معاینه میکنند که دیگران در ابراز مزایای انسانی حاصل میشوند هیچ امتی از امم گذشته و حاضره نرسیده بمرتبه از مراتب طایفه و مقامات محوده حواء در علوم و معارف یا آداب و فضائل یا قوانین و ناموسهای عالیله و قوت عسکریه و جلالت از شتون اداریه و منلیه خود - مگر بواسطه آنکه برخاسته از آن قوم جمعی که توجه نموده اند بسوی این معرکه عظمی که نفوس از وی خشیت دارند و قلوب از آن در مهیات اند و مساکت مستقیمه را گرفته با تمام قوای خود در خصوم خدمت بنوع کوشش کرده اند و امت خود را باخصائت محنت خود و اعتماد بنیابت از ایة الیه باقصی درجات منصوره کمال رسانیدند -

آیا این جمع در خدمت امم و نوع انسان چه فائده منظور که حیات و عیش خود را اتفاق میکنند ؟ و چه نتیجه را در مقابل ابصار خود ملاحظه میکنند که خواب و خورد را بر خود حرام کرده آسایش را ناجایز می شمارند ؟ مگر نه از برای هر چیز خداوند سببی عادی مقرر کرده ؟ مگر نه آنستکه انسان در هر عمل ملاحظه بهره و نصیب خود را میکند که از این اقدام بذات او چه فائده میرسد ؟ مگر نه چنین است که تا عطش نشود از سود خود بطرف عمل میل و شروع در کار نمیکند ؟ خوب نمره این همه اهتمامات او چیست ؟ اگر عمر است که از اثر این زحمات و احساس این متاع باخر میرسد - اگر بدداست گذاخته میگردد - اگر عیش است که تلغ میشود در تحمل الهای روح - پس در این اعمال قصد و غرض کدام است ؟ و اگر بعضی هموطنان او و اصحاب ملتش هستند کسانی که مساعدت میکنند حوادث ظالم را بر ضد وی - و عیانت مینمایند از مقاصد و خیالات بلندش - و باز میدارند او را از سعی و کوشش در طلب خیرش راجع بخود مدارشین است - و زخم و جراحت ملامت و شحاتت و تسلیم و سرزنش و نکوهش - پس ازجد و جهد چه طلب میکنند نه لذتی است که مکیف و نه راحتی است که ساعی آورده شود و نه از الهی فراغت حاصل کند پس چه است این باعث که او را بر عمل او دار مینماید که بر موس قلبه میکند و هیچ بلائی او را ضعیف نمیسازد

بلی امانت و ودیعت نهاده است خداوند در وجود انسانی میلی که از هر میل قوی تر است و از الهی خواصی است که انسان را از سایر حیوانات جدا میسازد و آن مهارت است از عبودیت محنت و فقه که نامش پلیدی غلغله است و همگان او را بسبب اعمال صحیحه ستایش کنند و سپاس گذار کردند و قدر زحماتش را بداند بلکه مجسمه اش را بیادگار بزرگواریدار

نصب کنند و با او را مکتبی در قلوب و شانی در صدور پیدا
هوزه که اصطلاح آنرا حب فطاری و طلب مجد گویند - همانا
تخصیل این مقام سکه ارض از هر مقام است آدمی را مجبور
باین افعال میباشد

و این معنی است که غذاء روح و نگاه دارنده نفس است
و هر چه شخص بکمالات انسانی نزدیک تر گردد شهوات
دنیه در نظرش پست و بی اعتبار شود و لذات جسمانی و
تکلیفات حبه او را لذتی ندهد و میلش متصل در طلب مجد
مؤصل و محبت بانه زیاده شود و آنچه در وسع و طافت
اوست در جلالت اعمال بکوشد - مگر خود را بآن نقطه منوره
رساند که لایق تشکر عموم و قابل ثواب خونی نامه خلق گردد -
بلی صاحب فضیلت نفسانی سکه همش صرف تحصیل نام
و تنگ است از برای خود دو اجل برینند - یکی کوتاه و مختصر
که از بدو ولادت تا زبان ختم عمر مقدر و دیگری طولانی
و مفصل که ابتداء آن زمانی است که از عمل خود اثر
منفعتی بدلت و ملت خود یا همه نوع انسانی ظاهر سازد و
آخر این عمر وقتی است که با مش و کردارش از لوحه خواطر
سرد شده گردد و از صفحات تزئین عمو و نابود شود و روح
این شخص را دو وجود است - یکی آنکه در بدن مخصوص
خود اوست در زمانی اندک - و دوم آنکه در جمیع بدنها
است که گویا روح او قطعه از کرامت و تجلیل شده و در
ابدان همه کس سرایت کرده - کیست که چنین وجود طولانی را
بر این وجود ترجیح ندهد و ادانی را باطنی نرودند -

خلاصه سخن آنکه خداوند بیکه بر نوع و جنس مایه کمال
را بخشیده و آب رحمت را جبهش فراهم آورده در طبیعت
بهری میلی - فطرت بشکر و ستایش نیکوکاران و مذمت بد
کرداران مقرر فرموده - و بدانها الهام کرده که حق شکر
را در ماده مستحقش ادا نمایند - مگر کسی بپسندد که در هر
قوم و ملت زبانها جاری است بدح و ثناء آنکسی که خدمت
بمقتضی کرده و سبب رحمت و بجز آنها را فراهم آورده یا
از ذات و عبودیت نجات داده و یا در افتادگی دست گیری
سکرده یا کلمه قوم را جمع نموده یا بر قوت آنها افزوده یا
تکدیل فضیلت را باعث شده یا موجب تقدم قوم در علم و
صنعت گشته که در رتس را در لوحه خاطرها رسم کنند و
مدتس را در بدن تواریخ ثبت و ضبط آیند و هیات کل
در مجسمه از بند بند و نام نیک او را حفظ کرده بران
از پدران و پدران از اجدادش کنند حتی آنکه مقررش
شوند و مقررش شود عالم -

و چون امتی منکر شوند حق عادل حیر را و در تشکر
و استن از افعال حسنه اش قصور نماید قهراً همتش ضعیف
شود و همیشه در مصاحبت نامه تقلیل یابد و دست نگاه
درد و شتون امت را حفظ نماید تا آنکه آن ملت بهبوط نموده
متفرق و مضاعف شوند - خلق دو جهان هر امر را مقرون
بسببی فرموده که چون سبب مرتفع گردد سبب نیز قهراً
عمو و معدوم شود - سبب میل بزهت نوعیه همان تشکر و مدحت
عمومی است - پس چون در نظر ملت حسن و قبح مساوی
شود طیب و خبیث را فرق نباید بیند و در لذات هم عیان
شوند و مصلح و مفسد از هم ممتاز نشوند و ملت را قوه
میزه نباشد و قدر هر عمل را بر اوجی ادا نکنند معروف
و منکر در برابرشان یکسان باشد امانت و خیانت را یک
چشم ملاحظه کنند آدمی را هوس منالی و رفت و خدمت

بشکر و ملت و تحمل مشاق و مصائب در سر نماند
پس باید گفت که سکنه این حق شناسی بر نوع براتب از ظلم
ظالمان و ستم سنگاران زیاده است - و از جور متظلمین صدمه اش
بیشتر چرا که ظلم ظالم و سطوت ظالم دوام نکند اگر عموم امت
قدرت بیکی را بدانند و امدان بشکر و خدمت را بسپارند
مقابله نمایند چه ممکن است یافت شود کسیکه خریدار این
متاع باشد و امت را نظر بسپاس گذاری و قدر دانی از شر
ظالمان خلاص کند ولی چون این حسن شریف در ملت نباشد
پس شبیه شوند به پیری که از عقبر جز سرگ و هلاک
نباشد - چگونه بدح و محبت نعمت بزرگ نباشد نفوس
انسانی را که بزدانهاک بر پیشه بر خود منت مینهد که (ورضنا
لك ذكرك اندکی در احوال و تواریخ هم معظمه و غیر معظمه
دقت کنید بر همان قلمی خواهد یافت بر اینکه ترقی و ارتفاع
شئون امم و شوب و قائل را هلت بزرگ و سبب عمده
قدر دانی و حق شناسی و سپاس گذاری اهالی بوده چه
بدیسی است عاشقیدن هر چه شیفته و فرخته روانه و حیران
جال محبوب و عشوه مشوق بوده باشد تا از طرف دلبر
اشارتی نشود و عشوه در کلا و زود همه سی و کوشش
اش هدر و بی حاصل است چه خوب گفته -

(که از جانب معشوقه نباشد کاشمی)

(سکوشش عاشق بیچاره بجائی نرسد)

و هم در مقابل اضلال و انهدام شئون و سیادت ملت
را باطنی جز قدر شناسی و گزرا ن نعمت و پایداری نمودن
ترق انسانی نبوده چه وجود کفران حرارت باطن هر
خیر خواه سرد گردد و اعصاب و عضلاتش را قوت و سستی
حادث شود و منبأ منزجر و اضرده و از عمل منزل شود
مولوی بفرماید -

(شکر نعمت نعمت افزون کند)

(کفر نعمت از کفایت بیرون کند)

و این شعر مفاد همان آیه شریحه است که در اول عنوان
نمودیم و چون این مقدمه ثابت و محقق شد شروع اصل
مطلب و مقصد نمائیم -

در ترجمه دهم روزنامه مقدسه مکتوبی بنام مکتوب بیفرضانه
اشاعت یافته سکه مفاد آن واضح بود بتکذیب مطالبیکه
اینک یکسال است اغلب جرائد فارسیه و در مقدمه همه نامه
مقدس مذاکره مینمایند از حیالات طایفه صدارت عظمی و
اصلاحات جدید و اصرار نموده اند که فرق تاکنون آشکار
نشده مطالب همان است که بوده وضع با وضع سابق فرق
نگرده و و : آخر . . .

اگرچه بنده نگارنده را در آن گونه امور مدخلیتی نیست
و باور مای و ملی چندان مربوط و آشنا نیباشم که در
دوائر دولتی مستخدم و نه در نظر امیان ملت مشهور - قهری
گوشه نشین و ضعیفی بی با و دست و تا کفون خدای عالم
بر سر و نهال شاهداست که حضور صدارت عظمی رسیده
و نه بآن آستان طبعی دارد موجود کائنات گواه است که
جز حق گوئی و حق نویسی و شکر نعمت منم حظی که
فرموده (و اما بنعمه ربك محدث) فرضی ندارم اگر
دیگران از مکتوبات خاطر من مسبوق نیستند تو که مؤبدالاسلامی
نیکی واقعی و مقصد و مقصودم را آگاه و بصیر سکه در
هیچ گاه بافراض نفسانی و حیالات شخصی سخن نرسم
و غیر از اجتماع شئون ملت و اصلاح امور دولت فائده منظور

نظر نگرفته و آنچه مینگارم نیز سخنی خالی از برهان نیست که توان جل بر پرستش هوای نفس خبیث نمود - لذا از جیب قراه نامه مقدس دو کمال عجز و آنکسار مستدی میشود که در بیان نام بنظر حق بینی و انصاف نظر فرموده و در بطون آنها بچشم دقت بنگزند - اگر همگی پسندیده و مقبول است سرا بقلم اطاعت کنند و راضی نشوند حق باعمال شود و باطل علیه باید و هرگاه با وجدان خود که حاکم حکمت الهیه است مخالف بایند هم از تکذیب آن ترجم و از انکار افسرده نگردم - چه بدبخت ترین نفس کسی است که بخواهد نفس دون اخلاق خویش فاسد نماید و در لجاج و عناد گوید و استبداد و خود پسند را پیشه خود سازد که در فلسفه ثابت شده که اصل فساد و منشا و هبده هر خرابی مایه استبداد میشود است خصوص اگر در مطالب نامه و شئون همومیه و امور قومیه بوده باشد

از مدر نامه مقدسهم ترجمه که چرا چنین مکتوبی درج فرموده زیرا از وظیفه خود خارج نگشته و جریده در نشر هر مکتوب آزاد است و نیز هر مسئله تا در تحت نظر و بحث داخل نشود قیفاً آن از پس برده شبهه ظاهر نگردد و هم از صاحب مکتوب شکایت نکنم که چهواه نفس سخن رانده و حق را در ... نوده چه از مطاوی کلماتش مفهوم است که حسود ... ض و عاری از هر قسم سرش است - قصدش ... ت ولی متممجم که چگونه تحقیق ناکرده و مطالب ... در پی اطلاع صحیح بر نیامده و از چند ... ده اقطاع در چنین مسرعه نموده و یا کند ... کرده و از کمال مستحیر انداخته - ... کسیرا که مقام و مرتبه خوبصرا برون ه نهه - شما میدانید بکت ایران آنست که هر کس ت میداند و در هر قسم اشخاص دو شئون و وظائف ... نوبهی میشود و نوبهی فرد قبه تجارت میکند و کاسب خوان بلیک دان و مشیا وند از اینرو اصل هر مطلب را ن بحث میکنند شما انصاف سری انجام گیرد و کسی اقدام کسیکه از همه مراتب پختبر است قلم در دست گیرد - اولاً بدیهی است که سلطنتی و اداره را ترقی نگشته و این خرقی طادات بیج عمارت خرابی در یک خشک گشته ؟ آیا مسافری بیده اما درد بیدرمان تنک است بیامی کمان میکنیم که ات یا شخص اول درصدد شب چون صبح شد باید ات انکسار - طیب ایرانی بو دلگسه در همان شب تمام ناردان کردند - همگی خیر خواه مخالف طینت صاحب ... س جمیده و اوصاف قاضیه

خوبه و هرچه راهست کلیه در یک روز و نه آهن شود - و در هر دکان چراغ الکهربیکه مشتمل گردد - قانون خود بخود اجرا شود - خواته بکند مسور - قورخانه و ذخیره مالا مال - سر تیب ایرانی جنرال ناپلیون خود - و هر سر بازی مارشال او را این محالات که حتماً صورت وقوع نمییابد - ما هم که صبر و حوصله نداریم متانت و پری منزه که وجود ندارد فریاد میکنیم که این اصلاحات جدید - حکمجات خیالات طالبه اوضاع فرق نکرده - جاری امور چنان است که بوده - پس چرا ژاپون بر روس غلبه کرد - ما بر انکسار نظر نیاقیم پاریس برج (اغل) دارد چرا ما نداریم - حکام و مامورین مانند که سابق بودند - اقا جان قدری از جوش فرود آید و دقت و تأمل را اوردست ندهید - ژاپون قریب چهل سال است که شب و روز تمام ملت بیک اتفاق در جاده تمدن و ترقی قدم میزنند امروز اشخاص آندوره که صاحب وزائل اخلاق بودند مدوم شدند و سائکین حاله از طفولیت بدین نقطه تربیت شده تدویرجا امور مایه و سیاسیه و عطیه و ادایه شان رونق گرفت - ملت فرانس سیصد سال است که حال میکنند زحمت میکنند نه طفل یکشنبه اند که از او توقع کنند راه یکساله را بیاید - خداوند آندک بصیرت کرامت کند و چشم انصاف ما را بنور معرفت منور نماید چه قدر نکوهیده است که امروز طفل بکتب بیاریم و فردا مؤاخذه کنیم که چرا دسکارت و این سینا نگشته - چه بدبخت قومیکه بدست خود بنیان تازه خوبصرا هنوز صورت نوبیه نگرفته خراب میکنیم و بقول نامه پای بر زیر بخت خود میزنیم و در ازاء شکر و سیاس کفران نعمت و تشنیم و ملامت را روا میداریم فرض کنید این یک نفر هم از عمل کاره کرد و دوباره همان گرگان سابق زمام امور تازا در دست گرفت و قائد شما شد بیابان هولناکی که مهاندار آن غول و دیو آذغوار و خدایش زقوم و آتش جحیم و غساق است - آثار طبیعه هرگز تغییر نپذیرد و اسباب حکونیه از مسبب مختلف پذیرد (واقه الکرم و ا لقم عظیم) کفران نعمت موجب حدوث قحمت و ضراب شدید است - از قوم صالح باد آورده و نفاقه را ختر نخائید که آتش قهر آلهی همه را فرو گیرد و لا اقل خاطر این یک نفر را که راحت سی چهل کرور نفوس را بر ذمه است خود گرفته نیازارد امین الدوله مرحوم را اگر تا امروز صدمه ... ده بر دید امروز باین همه موانع و مزاحم مصادف نبودید دولتتان مقروض نبود کمرکات بگرو زفته صد ها امتیاز همسایگان از شما ها نیکتر کنند از این سختیا که عین غضب آلهی بود متنبه نشدید و بهمان طادات جاهلان باقی ماندید -

- (ای که پنجاه رفت و در خوابی)
- (مگر این پنج روزه بشتابی)
- (خواب نوشین و بامداد رحیل)
- (باز دارد پیاده را ز سیل)

همه کس میداند که مخرب مستمرات و نشتت مجتمعات چندان صورت و اشکال ندارد و بالعکس خراب را آباد کردن و فاسد را اصلاح نمودن و متفرقات را یکجا جمع کردن کاری است معطل که هر کس از عهد آن بر نیاید و بزودی انجام نپذیرد چون میاد که بهرحله داند و با هر تدبیر که در خاطر نهفته است دامی گشود و مدتها زحمت کند و دانه فغانه تا سرعان در حوالی دام گردد آیند و زدیله شود که

شاید مراد رخ نماید باز بجز آنکه صدای بیوفای آید یا طفلی
تداوت دستی افشاند طیور ریمده و نجها هدر و زحمتها بی نور
خاند - چه خوب گفته است شاعر تازیان

اری الف بان لا یقوم بهادم

تکلیف بیان خلفه الف هادم

یعنی هزار تن بنام کننده نتوانند از هدمه یک نفر مخرب
بیرون آید - پس ولی بر وقتی که یک بان در عقب هزار
خراب کننده باشد - واسی این مصداق حال ما است سالها
سردم هموماً و مأمورین دولت خصوصاً باخلاق رذیله و
تقلب و تذویر و تکری و مکر و حیانت متاد گفته و به بی قانونی
پرورش یافته اند و بواسطه جهالت منصفیان مهام رشته انظام
قلیه امور از هم گسسته و شیرازه ترتیبات متلاشی گسسته
بعلاوه سی سال تمام بسده نه سهو در تخریب اساس و اختلال
اوضاع و پریشانی کارها کوشیده اند - مگر این نه همان ملک
و ملت است که عقلاء با سیاست حکم قطعی در ماده او
داده بودند که این مرض را علاجی نیست و این بیمار را شفا
از محالات است ؟ در این صورت آیا کسی میتواند حکم
کند که این همه خرابی بایستی باصله چند ماه اصلاح شود ؟
قطماً هیچ دانا چنین فتوی ندهد و هر که متصدی آن گردد
تاچار طالب و خاطر باز گردد و جز ندامت سودی بدو عاید
نگردد - پس چگونه شاهزاده صدر اعظم که امروز وفور
ذکاوت و نظانت و کمال کاردانی و خردمندی و متانت و
قوت نفس و وسعت صدر و حسن تدبیرش را غالب مردم
حتی دشمنان و بدخواهان معترف و مصدقند ممکن است در
آن واحد بحمیم رشتها دست بزند و از وخامت ناکامی و
بیعاقبتی اندیشه نکند - بهرک سلسله موجودات قسم میدهم
صاحب مکتوب را که اغماض نماید - آیا در سال گذشته اوضاع
مالیه بجه درجه درهم و مفتشوش و پریشان بود - بروات دولتی
نیود که خروارها در دست مردم مانده و وجبهش وصول
نگشته بود - و اهدا اعتباری در سندات دولتی باقی نمانده بود
اقلب بچهل و آنچه نیز محل داشت وزیر خزانه و دیگران
حیف و میل کرده مردم را ساها مظل میگردند و بالاخره
اگر مجبور میشدند نومانای یک قران الی سه قران براتدار
داده براترا گرفته ضرورت با در هوا میدادند پول دولت
مصرفت و آرویش هم میریخت اعتبار کاسته میشد و فائده
عاید چند نفر مخصوص میگردد

هنوز بروات سالهای گذشته در دست مردم مانده است
و از مال هدمه البته بر حسب القاطیکه معین شده قسط بقسط
بدرباب حقوق رسیده چگونه بود که بروات سابق را هیچ
صرافی در نومانای سه قران نمیخرد و از امسال را بمنشأ
اسکناس بانک میشاوند که اگر نومانای صد دینار کسر کنند
خورا وجه نقد میدهند - ای صاحبان خدایشناس از شما انصاف
میطلبم هر ساله وقت بایستی در عقب مستوفی و عذب
دفتر وقیره بیفتید و چه قدر از بروات را عذب دفترها
حیف و میل میکردند و میفروختند آیا چه قدر بایستی مستوفی
و وزیر و عذب دفتر و حکام و وزیر خزانه و در کمرک مایه
بگذارند ؟ آیا در امسال هیچ زحمتی را متحمل شده اند ؟
آیا باسامی مختلفه بولهای ریخته از آنها گرفته اند ؟ مگر نومانای
یکریال سکه ده هلالی حق تیر و پازده هلالی حق ایصال
حرک است

دیگر صاحب مکتوب گوید - اگر این وجوه بمصرف
دولت برسد خوب است - عیبها هنوز این معنی را ندانسته
اند که این پول بمصرف دولت میرسد ؟ خوب از حواجب
و مرسوم احدی کسر نشده و بر مالیات نیز افزوده نگشته
و مالیه دولت هم اصلاح شده در حالیکه مبالغی زیاد خرج
از دخل غزون بود - پس این تفاوت از کجا حاصل شده آیا از
آسنان پولی فائده یا از بطن ارض خارج شده - واقفاً آدمیرا
حیثت تارض میشود از مشاهده این اوضاع که شخص تاین
درجه بی اطلاع بوده تصرف در معقولات نماید آنهم در
روزنامه که بحمیم انحاء عالم منتشر میگردد و صد هزار نفر
قرات میکنند و لااقل از زر دقت هزار نفر ضلله دانشور -
مگر نه روزنامه رسمی دولت در دو ماه قبیل صرفاً خبر
داد که جمع و خرج دولت بهمت والای شاهزاده صدر اعظم
اصلاح شد و آب رفته بجوی باز آمد و کتابخانه آن بحضور
همیون شاهنشاهی عرضه گشته بسی تحسین و تمجید فرمودند
و اگر صاحب مکتوب مدعی است که چرا باید این یک
ریال کسر شود ؟ در جواب عرض میکنم این نیز ناشی از
عدم اطلاع است چه بالبداهه اگر اندکی در امر مالیه و
انظام آن آماح روا میداشتند اوضاع زمانه تهدیدات مخوفه
بر استقلال درات و مدت مینمود که هیچ کوشی ناب شنیدن
آرا ندارد و هیچ زبانی را قوت تقرر آن نیست و لا محاله
خود صاحب مکتوب و دیگران شنیده اند که دولت در صدور
قرضه حدید بود و نتیجه این فرض چه میشد و کار بکجا
منتهی میگشت دو نزد عقلاء محتاج به شرح و بیان نیست و
بلاشبهه در خصوص تبدیل جمع و خرج زیاده از دو شق
متصور نیست یا باید بر دخل افزود یا از خرج کاست اگر
بر دخل بیفزایند و دیناری سرکش ما از نمایند فریادها
بلند شود ناها با آسمان رسد که سامه کر و بیان را بستوه
آورد و گوش اهل جهان را کر نماید و بعاتت درین و
صفات رذیله رجوع کرده دین و مذهب را سپر وقایه خود
قرار دهد - در دولت بریتانی مات اصرار مینماید که البته
دولت باید الرطلان چیز حقوق خود را دریافت کند و رفوای
بری و بحری بیفزاید - ما هم بمحمدالله آتندر عالم و واقفیم
که اگر دشمن صدای نحواسته از هر طرف بر ملک و وطنمان
هجوم آورد دیناری راضی نمیشوم در راه حفظ وطن از
حیب صرف کنیم و بانواع سخنان بیمز که هر طاقل میفهمد
مخس بهانه و عین عذر است متسک میشوم - گهی حوالت
با آسنان و دفاع دشمن را وطنه کسر و بیان گویم گاهی
بقضا و قدر جنگ زده زمانی همیظ دین و دولت را بدعای
سحر چاره میجویم هنگامی مگر وطنیت و استقلال میشوم
و میگویم بحال ما چه تفاوت ا در حالیکه وجدان خودمان
مارا تکذیب بلکه لعنت و ظرین میکند -

و اگر در مقام علاج درد خرج را کم کنند باین معنی
که بسیار شیادان را که باواع حین ودسیسه و هزاران نهنگ
و حیل مال دولت را که فی الحقیقه بیست سال مسلمانان است و
باید در مصارف عامه و حفظ حقوق نوبه و ضبط حدود
و فنور و نگاهداری بیضه اسلام و ترقی ملک و مات صرف
شود ظلام و عدوانا در حق خود مقرر نموده باسامی مختلفه
و حواله بلاد عدیده و در ادارات متعده بمنابین متکثره
مالیه دولت را بدون هیچ لیسانه قانونی یا خدمت وطنی

شب پره گر وصل آفتاب نخواهد

رونی بازار آفتاب نکاهد

نه غلط گفتم يك نتيجه ديگر نيز بر آن مترتب است كه زوال نعمت و مدونت نعمت و غضب الهی بوده باشد چه بیشك بر حسب آنچه در مقدمه گفتیم فكر و سیاس گداری مزید نعمت را سبب و كثرانش مورت سلب نم و هجوم بلاه و اضلال قومیت است - با سكندام آیین و شریعت این فتوی صحیح است و رعایتیدن خاطر آزادگان جایز خصوص آزاده سردی غیورمند و وطن پرستی او چند سكه در میل آسایش عامه خواب و خورد را بر خود حرام نموده راحت و فراغت را جایز نشموده شب و روز بنابه چرخ الكتريك مشغول است و دی از كار دست نميكشد و از زحمت طفره نمیزند در تمام شبانه روز فقط هشت ساعت را بجهت جمع لوازم بهره از قبیل خوردن و خوابیدن وعیره مقرر داشته پس چه بی ادب انسانی است كه قدر شناسد و طغیان آفازد بی ادب تنها خود را كرد بد

بلكه آتش در همه فتن زد

(ربنا لا تؤاخذنا ان سبنا او اخطانا - رشا ولا نحمل

علينا مالا طاقة لنا انك انت الوهاب)

مسئله ديگر آنكه صاحب مکتوب از ظلم حكام شكایت کرده . . . ما بر تاجه درجه این اسرا را قبول داریم ولی از وجدان هر منصب شهادت میخواهیم كه انواع حكام را در این ابام با سالیهای سابقه مقایسه کرده از روی حقانیت حكم كنده كجاست آن ظلمهای بیابان كه شهرهای مسوره را در عرسه يكسال غالباً سافلها مینمودند ؟ اگر ملاحظه شتون بعضی نبود شمه از ستمهای حكام گذشته را عرسه می داشتیم تا بدانند ظلم حكام چگونه ایالات مسوره را خراب نموده است در هشتاد سال قبل سیاحتان اروپ ایالت فارس را هشت جهان گفته اند و اینکه (لورد كرزون كه در بیست سال قبل سفر با محمدود کرده شهر شیراز را غروریه میبویسد - از زینه ظلم همین حكام بود كه بسیاری از بنادر و جزایر معتبره حلیج فارس از تحت تصرف دولت علیه خارج شد - سالی نبود كه چندین هزار بزرگ از صنفه آذربایجان و كردستان بحاك عثمانیه و روسیه هجرت نمیکردند و هزارها زردشانیان بیوزا از آتش شراره ستم حكام با هزاران حسرت از خاك نیافان پاكستان کوچ کرده از بزد و گرمان بطرف هندوستان رهسپار میشدند و از وطن چندین هزار ساله چشم میبوشیدند اگر باور ندارید رساله مجدی كه حاوی شرح احوال حكام آن صراست - معنی مطالعه کنید و دیده عبرت بین بکشائید و دفت نمائید در وضاهبكه ارشیدین آنها روی بریدن انسان واجب میشود

اگر مدعی است كه وضع حاکم در اروپا چگونه نیست باید این مسئله حكومات را اصلاح كلی نمود و بر شكل حكومات موده دستوری مقرر کرد - مرض می ستم این معنی صحیح و درخایت متانت است - ولی چنان ممکن شود تا دواثر دولتی را در يك دفعه اصلاح نمود و کدام دانا دو عدوانه يك دست برداشته است آیا در ششماه زیاده از اسر بودجه مایه میتوان اصلاح نمود بجا ! كه صلاح عمل مالیات سال گذشته بحال بود امسال سكه بسر انگشت تدبیر این مرض غیور بوجه آكل واحسن صورت پذیرفته توقعات ماسردم زیاد شده است سلنا كه ما را غای خیال بر مرض این مقال وادار كند سرد خردمند هنر پشه را كه بصری تجربه حاصل شده است كجا بحرهای منخرف

یا قابلیت ذاتی حیف و میل کرده در ازاء خدمت و اداء حقوق ولینمت كفران را روا داشته هر قسم بتوانند در خرابی احوال ملك و ملت كوفای نمیکند - اگر مرسوم و موجب آنها كه برخلاف جمیع قوانین عقیه و شرعیه است قطع میگردند - ما میدانیم كه طاقبت آن بكجا منتهی میشد این حزب اشرا تا آخری قطعه قوت خویش ایستاده در هتك آبروی دولت و تحریك ملت و دامن زدن نیران بناوت ابلیس را ز عمر كناره میگردند - چه اسرود قنودكته این حزب از سار مردم بیشتر است وسالهاست كه بیول دولت در ظل حایت سابقین سر كرده این گروه بودند بر اهالی حكم رانی و بزرگی كرده اند و صاحب كته بافنده كشته - مثلا ملاحظه و رعایتید هنوز دولت دیناری از حقوق امدی كسر نكرده مستوفیان و دیگران در السنه و افواه منتشر میكنند سكه ستم میبوهد حقوق فقراء و ضعفاء را قطع كند و يك مشت كفن بیچاره را سپر مدافعه خویش قرار میدهند كو مدرك و شمول يكاست قوه میزه و متفكره - كه در كخطر بطون این خیالات - كشف كند - كو اخلاق فاضله و اوصاف موده - كه انصاف پشه - و بسخن حق قانع شود - آخر درجه مذهب رواست میرزا ملا علی قاری بصوان همه الامراء النظام مصطفی خان سرتیب توبخانه مباركه قلم داده شده هفتصد تومان از محل توبخانه بگیرد

(با كه گویم در همه ده رنده كوه - سوی آب زندگی پوشیده كوه) فكر همیق و اندیشه متین و خرد خورین حضرت سداوت عظمی كه خداوند همواره ش در خدعات ملك و ملت كالیاب فرماید بعد از تأمل زیاد بمصاحبت چنان زدك دانست كه نصف بلكه ثلث آنچه را از باب دتر و خزانه وغیره از ارباب حقوق بدون اذرنیت میگیرند و عامه را اغفال ، حقوقشان را با این مبه زرد بنم دولت در تحت عنوان تبر و صندوق گرفته در عوض اداره صحیحه تشكيل داده ارب حقوق را از شر مستوفیان و ابداء اهل - زانه و تعدیات حكام نجات دهد - و در موقع حقوق اهالی پرداخته شود و ضمناً بودجه مایه هم تبدیل شده روتنی در ملك و سلطنت ظاهر گردد پس بتأیید خداوندی و كلك دست غیبی و حسن تدابیر این عمل را بر وجهی مرتب و منظم نمودند كه تام دانایان انگشت عبرت بدان گرفته متعیر و متعجبند نه يك نفر را عزل كردند و نه کسی را اخراج نه اداره را برهم زدند تا بحال سخن پیدا شود - مستوفی همان است كه بود و وزیر دفتر و خزانه و سر رشته دار وغیره كلا بر قرارند ولی دست همی از هر عمل كرنه و امور بحرایی خاصی بافته كه همه نفع دولت و ارباب حقوق است و مفت خواران را سر بچیپ تنكر كه این چه خارق طادت و تحقیقت كرامت است كه وقع شده - اگر در ابتداء این مرحله را بنظر می آوردند هزاران گریه میرقصدند كه دولت دچار زحمت و مشقت میشد بكدفه ملتفت شدند در از كار گذشته و آب از سر بدر وقت - اینها همه صحیح است و خردمدن بی غرض تصدیق میكنند مگر آنكه بسایفه حباب صاحب مکتوب مطابق مواضع نمی آید آنهم دردن است كه خدا با بد عاج كند از عهده بنده و امثال من خارج است ولی پاوه گویان بدانند كه از اظهار این بیانات كه سستی هنصر وضعف خیال را دلیل روشن است نتیجه جز تمسخر ارباب هوش و دانش و وضعك دو نظر اهل فطانت و بینش حاصل نشود

در حق شاهزاده صدر اعظم نگاشته بنامه شهود میرسد شاهد بر این مقال همان استغاثه تلگرافی است که تجار محترم بواسطه عدم موجودگی آقای منجم السلطان وزیر مقیم در بمبئی و رونق افروزیشان در کلکته و فوری بودن امر مستقیماً بخاکبای مبارک هابونی نمودند و نقل آن را هفته گذشته برای درج در نامه مقدسه فرستادم البته درج فرموده اند - چیزی ازین واقعه نگذشت که جواب تلگراف از طرف قریب الشرف شاهزاده صدر اعظم بدین عنوان رسید

جواب تلگراف تجار بمبئی

(از جانب سفیر الجوانب شاهزاده صدرت عظمی)
 محوم تجار ایرانی - عرضة تلگرافی شما بشرف عرض خاکبای مبارک ارواحنا فداء رسید مخصوصاً (آجدان حضور) در استرداد اموال مسروقه و (سالار احمد) بجهت گرفتاری اشرار امور شد. البته عنقریب ضمانت اموال اخذ و استرداد و اشرار دستگیر خواهند شد آورده باشید (سلطان عبدالمجید)

عید خواجہ شویان

انجمن مبارک مظفری سبب روابط اتحاد جمع ایرانیان مقیمین کلکتہ از مسلمان و ارمنه و غیره شده اینک در اعیاد ملی یکدیگر با کمال میل و رغبت شرکت مینمایند در عید خواجہ شویان ارمنه کنونزدهم جنوری بود جناب منجم السلطان وزیر مقیم در کلیسای ارمنه رفته در مسرت آنان شرکت نمود منصرف انجمن مبارک مظفری نیز از طرف اعضای انجمن در کلیسا شرکت کرد کثیش بزرگ پس از ختم ادعیه خیریه شرحی از آزادی و آسایش ارمنه ایران بیان کرده ذات اقدس شاهانه را بادعیه خیریه یاد نموده گفت اگر چه اینک مادر هندوستان و تحت حکومت دولت انگلیس هستیم ولی هرگز مراسم شاهانه و آزادی و آسایش که دولت علیه ایران با و به برادران ما داده فراموش نخواهیم کرد شاهنشاه ما زنده و دولت ایران پاینده باد

حالا کسانیکه از وضع سابق ایران مطلع اند و اینگونه اقدامات بجهت این وجود محترم را در آسایش ملت و امنیت مملکت و خوشنای دولت ملاحظه کرده

گوش میدهد و پشت و روی کار را ندیده اقدام میکنند همین قدر است که دست نهدی حکام را تا یک درجه کوتاه کرده و در مؤاخذه و مجازات چنان سخت گرفته تا آنچه من اطلاع دارم چند تن از حکام را محض آنکه ستم بر رعیت کرده بودند سیاست شدید فرموده رسماً محبوس کردند - در چند روز قبل در مجلس دیوار علناً فرمودند (امسال سال امتحان حکام و مأمورین است هر کدام بوظایف خود قیام نمودند بر مراتبشان افزوده خواهد شد - و هر یک که مسلك سابق را از دست نداد رسماً از دوائر دولتی اخراج شده علاوه برای عبرت دیگران سیاست و توبه سخت خواهند شد)

دیگر صاحب مکتوب میگوید سابقاً حکام پیشکشی گرفته میشد امروز نیز گرفته میشود - جواب عرض میکنم سلطنت که چنین است آخرتدایات سابق هم اکنون وجود دارد؟ آیا حکام باز هم مالک و رب ملت هستند یا نه؟ آیا در کشتی و بخت و سوزائیدن و خراب کردن و کشتل هم مختار و خود سراند؟ آیا هنوز هم سلطنت - استقله و حکومت مطلقه بر نفوس و دماء و املاک رعایا هم دارند؟ و هم صاحب مکتوب در مقام اصلاح رأی داده که در هر ولایت یک نفر منقش بکاراید -

آقا جان - شما از کجا دانستید که حضرت صدرت عظمی منقش غیرستند آیا باید منقش خود را آشکار سازد تا راه اطلاع او را خائشان سد میکنند با زور پول با خود منقش سازند مگر نه بود که بندگان اعلی حضرت قدر قدرت هابونی باسان مبارک تصریح فرمودند که هر بلد را منقش مخصوص لازم است - من بنده خود بیک مناسبی چند نفر را سراغ دارم که بولایات عهده بجهت انجام همین مهم مأمور شده است - آیا هیچ طفلی قبول میکند که بندگان اعلی حضرت شاهنشاهی و حضرت صدرت پناهی مکرر رسماً و من غیر رسم تصریح فرموده اند که منقش در هر اداره لازم است مع هذا اقدام نفرمایید؟

(من از معصل این جمله نکتہ گفتم)
 (تو خود حدیث مفصل بخوان ازین محل)

مکتوب از بمبئی

(آج - ماقول بیند اندر خشت خام)
 (می نیند جاهل اندر آینه)

جناب مؤید الاسلام مصداق این شعر مقالات سیاست آیات مالک آرای حل المتین است که از یوم جلوس حضرت اشرف شاهزاده صدر اعظم بمسند صدرت عظمی همه هفته عنوانی نگاشته و هرروزه مات را به بشر بشارتی نازه و هموطنان گرامی را بامیدوارپای گونه گونه ترقیبات وطن عزیز امیدوار ساخته است

برخی از کم خبرتان مانند بنده نگارنده چنان تصور میکردند که مقالات نامه مقدس در حق شاهزاده صدرت عظمی (لالحب علی) و مبنی بر اغراق و غلو است شهادت روز بروز زیاده بر آنچه نامه مقدسه

شماره (۲۰) ۱ ذی الحجه (۱۳۲۲) - سال دوازدهم - ۶ فروری (۱۹۰۵) صفحه (۲۰)

چنان تصور می‌کنند که این واقعات را در خواب می‌بینند - چرا که تصور چنین اقدامات فوری در رجال دولت خود ایداً نمی‌نمودند حال آنکه رفته رفته مردم پی می‌برند به حقیقت نگارشات نامه، مقدس و تصدیق می‌کنند عناوین صادقانه او را نتیجه اقدامات آجدان حضور و سالار احمد آخچه شد من بعد برای درج در نامه مقدسه عرض خواهد نمود (خبر خواه ملت)

حبل المتین

چون ملت ایرانیه کفر تصادف شده اند بر رجال خبر خواه ملت نواز دولت پرست بی‌غرض مقالات صادقانه حبل المتین را حمل بر (بعض . . .) نموده یا اغراق تصور می‌یابند بحمدالله روز بروز زیاده بر آنچه ما نگاشته ایم ازین وجود محترم سیاست و درایت و خیر خواهی ملت و دولت بروز مینماید - بارها گفته بازم می‌گوئیم که اگر ده - ل این شاهزاده بسیار کدر درایت را بحال خود گذارده متصدی امور سدارت ایران باشد دولت ایران تالی ژاپور خواهد گردید - آن روز نزدیک رسیده که دوست و دشمن مخالف و مآلف نگارشات نامه مقدس را در حق این شاهزاده آزاده تصدیق نموده بلکه ملوا سرزنش کنند که حق تعجید را ازین وجود با سیاست و کیاست و عیت نواز ملک آرا نه نموده است

چون مراتب لیاقت و شایستگی مترب الحاقان حاج میرزا شجاعت علی خان بهادر مقيم گلکته بمرض حضور مرحمت دستور همیون شاهنشاهی رسیده بود لهذا مهارالیه را بسمت قونسول گلکته مفتخر و منصوب فرموده و مقرر می‌فرمائیم که از قرار دستور العمل و نزال لولسل ایندولت مأمور هندوستان در ترویج تجارت دولت علیه ایران در آنجا لازمه اهتمام را بعمل آورده در عهده شناسد شهر محرم الحرام سنه (۱۳۲۲)

پس از قرائت فرمان خان بهادر حاج مولوی میرزا شجاعت علی برای خاسته بدین عنوان تقریر نمود

جناب وزیر مقيم من تشکرات صمیمی خود را در مقابل مراحم ملوکانه و عنایات شاهانه دولت علیتین و فرمانفرمی هند و حکومت بنگال و سایر رجالی که مرا قبول نمودند بدین عهده منبع جلیل نمیتوانم و نمود - و هیچ لفظی در مقابل این همه مراحم بزرگ نمیتوانم پیدا کرد که حق شکر را بتوان ادا نماید

آقای وزیر مقيم - همان قسم زبان من قاصر است از تشکر جنابعالی که مرا بدین عهده و منزلت سزاوار دانت انتخاب فرموده و تا پیشگاه جلالت اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی نام این گنام را تقدیم نموده اید -

متحیرم که با این همه لطف و مرحمت بازمانم لکن چگونه ابراز تشکر نمایم - ولی در تشکر از جنابعالی بهین قدر اکتفا نمایم و اطمینان کامل میدهم و از خداوند توفیق میخواهم که خدمتی که بمن رجوع نموده اید تا جائیکه مقدرت دارم به نیکوترین اسلوبی انجام دهم و همه قسم در جان نثاری دولت علیه ایران سامی و جامد باشم،

پست و ششم جنوری در عمارت عبر ۶ (الزم رو) که از عمارت عالی و متمساز است بحسب دعوت نامه جناب منضم السلطان وزیر مقيم برای قرائت فرمان قونسول گلکته که از جانب دولت علیه بخان بهادر حاج مولوی میرزا شجاعت علی خان مرحمت شده بود مجلس عالی بسیار پر شکوهی منعقد گردید - جمیع همایند و بزرگان شهر از هر طبقه حاضر بودند مهاراجه دوربنگه و قونسلات و جنرل قونسلهای خارجه و همایند ارمنه و ایرانیان همه رونق افروز بودند - الحق کثر مجلسی بدین شکوه منعقد شده بود پس از آنیکه از هر جهت مجلس آراسته گردید جناب منضم السلطان وزیر مقيم از جای مرتفع مخصوصی که برای ایشان معین شده بود برخاست بدین کلمات تقریر نمود

قونسول گری گلکته

دولت علیه متبوعه من خان بهادر حاج مولوی میرزا شجاعت خانرا بحسب تجویز من قونسول اقتضاری

امیدوارم در ترقیات تجارتي و امور دیگر که
وظیفه من است هیچگونه کوتاهی نه نمایم و در روابط
اتحاد دولتين علین همراه ساهی و جاهد باشم - و نیز
از ساژنایندگان دول و بزرگان که قدم رنجبه فرموده
رونق افروز شدهاند منتهای امتنان و تشکر را عرضه
میدارم

جناب وزیرمقیم - من بدانم که وظائف این عهده
بسیار اهم و بزرگ است چرا که نگاهداری روابط
ملی و دولتی و حفظ حقوق رعایای ایران و بسیار از
امور مهمه دیگر راجع باین عهده است
اتحاد بین دولتين ایران و انگلیس همراه بوده و
به همین سبب روابط تجارتي این دو دولت نیز بسیار
است و از تدابیر و عقل و درایت جناب وزیرمقیم
درین جزء زبان روابط اتحاد این دو دولت بیش شده
و امیدوارم ازین و بعد من نیز موفق گردم بر اینکه
تأیید کنم جناب وزیرمقیم را درین مقاصد عالیه

مکتوب از کرمان

نتیجه علم

از آنجا که هر طایفه از اعالی وطن محترم ما ترقی
نمایند جای شکر گذاری است - طایفه نذر برای عموم
امالی وطن علم است - متوججا اهل يك خانه که
ملاحظه نمایند برادران آنها ترقی نمایند آنها
نیز مایل به تحصیل علوم معاشیه شده البته از یکدیگر
افتقار میبرند - طایفه زردشقی کرمان نهمین دوهزار و
پانصد نفر میباشند و در میان آنها سابقا معدودی حرفه
تجارت داشتند بهرجهت پست نفر نمی شدند ابتداء (ما
تکلی صاحب) در ایام سلطنت شاه شهید بکرمان آمده
از جانب ملت زردشقیه بمبئی افتتاح انجمن نمود و
خود بطهران رفته ساکن شد میرزا افلاطون نام بنای
تعلیم اطفال زردشقیه را نهاده چون خودش در دالستن
انسته خاوجه خاصه انگلیسی کامل بود چندان پیشرفتی
برای آنها حاصل نشد - متوججا بعضی از زردشقیها که
از اهل یزد در هندوستان ولندن تربیت شده دارای علوم
حالیه گفته بایران آمده اتحاد انجمن و بنای معلم خانه
نهادند از زردشقی های ایران و هندوستان برای
ترقی و تعلیم ابتداء ملت خود جمع نموده تا اینکه میرزا

کیخسرو نام که در مدرسه امریکائی طهران تحصیل
زبان نموده بود پس از آن بقوه دانستن زبان انگلیسی
در بمبئی رفته زبان خود را تکمیل نموده دوازده
سیزده سال قبل بکرمان آمد و از جانب انجمن بنای
تعلیم اطفال را گذارد - میتوان گفت در این زمان قلیل
بواسطه تحصیل و آموختن اطفال فارسی و انگریزی
را کتر کسی است در میان این طایفه که بشغل تجارتي
مشغول نشده خاصه در این امتحان آخر که شاگردهای
مدرسه که عدد آنها قریب بعد پسر و جمعی دختر
میباشند اغلب شاگرد فارسی و انگلیس را در نهایت
فصاحت از عهده برآمده در تاریخ و جغرافیا و نقشه
کشی و هندسه ترقی نموده اند - لهذا از جانب
دولت ابد مدت و وزارت جلیله خارجه ایران بواسطه
جناب اکرام الملک کارگذار مهمام خارجه به یک قطعه نشان
مدال طلا مفتخر آمد حضرت والا ایالت کبری رکن الدوله
نیز خلعت مشارالیه با فرمان مهر لمان بدو مرحمت
داشتند چون نطق و خطبه فارسی و انگلیسی را خوب
ادا نمود یک قطعه نشان درجه دوم نیز بواسطه
قونسول انگلیس مشارالیه مرحمت شد هر دو را زین
بیکر خود نموده طایفه افتخار طایفه مزبور را خاصه مشارالیه
گردید الحق میرزا کیخسرو در مدت قلیل با وجود
تنهائی خوب از عهده تعلیم و ترقی اطفال برآمده بمقدار
پاداش نیک یافته امید است پیش از پیش در ترقی و تعلیم
اطفال جاهد باشد

قابل توجه غیرتمندان

چون بعضی اشخاص هنوز معنی علم را نفهمیده
و از ثمرات و فوائد آن که حلوائ تن تنائی تا بخوری
نماند است خیلی اوسهای با فهم نیز همیشه اطلاق علم
را منحصر بفردا کمال نموده تصور میکنند که علم
منحصر بحکمت یا فقهت یا اصول فقه میباشد
البته اشرف علوم و احسن بلکه حقیقت علم علم معاد
و فقهت و در هر مذهبی تقدم و واجب تر از همه
چیز دانستن او از اصول عقاید است بقیده آتقوم لکن
هرگاه بنا باشد تمام افراد فن خود را منحصر بمحصول
علوم معادیه نمایند و از بدو شباب تا اقصای عمر
تحصیل این علوم صرف پردازند دیگر برای تحصیل

معاش کسی باقی نخواهد ماند لهذا شارع مقدس لزوم این علوم را بقدر کفایت مقرر فرموده و داخل شدن در دایره تقلید را برای متدین کافی قرار داده است و از برای وصول بحقیقت علوم حق معاصیه شئونات و فروطات و دانستن علوم زیاد از قبیل علم رجال و انساب و اصول و معانی و بیان و صرف و نحو و غیره و غیره حق بقدر مقدور علم هیئت و برخی از ریاضی و حساب شرط قرار داده شده با همه اینها باید دارای قوه قدسیه و قوی و عدالت هم باشد این همه برای این است که یکفر نا اهل دعوی این مقام را ننماید و دزدیهای شریعت بلباس علم در تاراج و غارت بیچاره مخلوق با متقابلان همدست نشده خون ابناء وطن را نه بکند ممدودی از خلق ممکن است بر این مقامات عالی ارتقاء جویند - اگر چه درین جزء زنان بعضی نا اهلان پایه بی مبالاتی و بی باکی را بجان نهاده اند که شاید از اول خلقت نوع بشر تا کنون بدین پایه شربالیهود دیده شده است بالاخره حاصل عرض این است که علم اطلاق بر عامه علوم معاشیه نیز میشود و اینکه امروز وطن پرستان و بزرگان دولت و ملت و هوا خواهان عالم المسابقت دکان که بی چشم حقیقت بین چیده دانسته اند که هرگاه قومی مانند اهالی افریقا و امریکا بر جهالت باقی مانند و بقوه علم خود را از احتیاج بیرون نیاروند بآب و رنگ شیشه های براق و پارچه های شفاف فریب خورده صنایع و بدایع مملکت خود را ترقی نداده بمنسوجات و ملزومات و لوازم ماشینی وطن خود قناعت نه نمایند از قند و چای و شکر و چلوار و متقال و ماشور و سوزن و غیره حق عموم جزئیات و کلیات محتاج باشند و خانه و وطن خود را از جور و ظلم خالی و بی کس نمایند و شالوده خانه خود را محکم نه نمایند عما قریب مانند سیاهان افریقا آسیا نام برده خواهند شد [سفیدهای وحشی] بمحافظه تاریخ انکشاف افریقا توجه شده همه کس میتواند مطالعه نماید شما را بحد اندکی مقایسه نماید حالت خود را با آنها با اعتقاد اهالی آسیا اهالی افریقا دارای اعدل امرجه میباشد زیرا که در تحت خط استوا واقع شده اند و بواسطه نهرهای بزرگ و استحكامات سرك و جبال شامخ و جنگلهای طبیعی و اراضی حاصل خیز و شدت

گرمی و مواد زمینی هزار درجه قوائی جهان و تهور آنها زیاد تر از اهالی آسیا میباشد لهذا بواسطه حرکات زشت و تراج و قتل و برد و فروشی و بی علمی و جهالت و نفاق طوائف مختلفه لا تمد و لا تحصی و عدم صنایع و فرط احتیاج و عدم اطلاع از اوضاع عالم و غفلت امرای و آقایان و قناعت نمودن بفارت کردن و اسیر آوردن زیاد از سی و چهل سال نیست که هر قطعه از افریقا را قومی تصاحب نمودند و سیاحان اروپا سرمشق و راه تازی کردند و با خود اقوام مملکت آنرا بر باد دادند امرای آنها را بدوا فریب داده سپس معدوم ساختند کسانی که درد وطن پرستی ندارند همیشه دیده شده میگویند البته از اوضاع حالیه بهتر خواهد شد چه خواهد شد و چه خواهد شد - یا این امر فی الحقیقه از عدم اطلاع است یا از عدم غیرت که از شرف و افتخار قومیت واقف نمی باشند و هنوز بجای نرسیده است که حر را داغ نمایند - این مسئله را نشنیده اند که ناموس و شرف و افتخار و عزت و قومیت همه بر باد خواهد رفت و هرگاه ما بخواهیم این مسئله را بسط داده کشف سازیم گویا تا اندازه جایز نباشد - بلید از همه بی غیرتان پرسید آیا راضی میشوید که دخترتان بحسب قانون خدای ناخواسته طایل شد که در بازار برای فحشاء حاضر باشد کسی قوه منع او را ندانته باشد صد هزار ازین امور در کار است همین يك نکت اکتفا نمودیم بالاخره سخن در این بود که بقانون شرع مطاع امروز واجب است تحصیل آن علوم و صنایع که دین و آئین و مذهب و وطن و شرف و دولت و ملت را نگاه دارد هزار دلیل عقلی و نقلی میتوان اقامه کرد امروز دانستن زبان خارجه اهم از روسی و انگلیسی فرانسه برای توجه کردن کتابهای صنعتی و واقف شدن بخبالات و پوائیکهای آنها واجب است در عناوین قبل عرض کردم که در موقع مناسب درین جور مواد سخن گفته خواهد شد شما را بخدا قدری تأمل نماید چه قدر پول ایران بموض شیشه های چین و ژاپون و اروپا از ملک خارج میشود درست است ما نمیتوانیم چرخ و طشین بیساریم بجهت میتوانم عرض کنم بواسطه اوزانی عمده و کار در ایران ممکن است کار دست از کار چرخ ترکستان لوزان و

تمام آنچه در این خصوص فرموده شد، به جهت ماخوذ از این مصوبه، تا آنجا که در این باره به نوبه رسیدیم که هر چیزی که در ایران امکان دارد، حریفه نماید، فوراً به آن با ما خواهد رسید. لهذا ممکن است که اگر بزرگان جنس خود را بهتر از آن بسازند، بجزار محاسبت و بزرگان دولت اهل حرفه را طلب نمایند، هر چیزی که مشوق شوند، ضرورت دارند قیمت را با آنها تمام کرده، همان قیمت که داده می شود، گویا تعلیم صنایع نمایند و اهل حرفه را به نصاب سودمند وطن برستی آماده نکند، نکات مطلب را حالی نمایند، بخدا قسم خیرت آنها زیادت از بعضی بزرگان است، بخواهد قلیل قناعت میکنند و ملت را به نصاب و مواضع آنها و صاحبان درایت و ادار می توان نمود، صحنه در صنعت از وطن چینی، یعنی تولید پاپوش، خبر عاید صنعت بوده و هست آیا رواست که نه، موش گیری ما هم از فرنگستان بیاید، افسوس از بی غیرتی و بی اطلاعی و بی علمی و جهالت و بی دینی (بی دارد)

حکایت کابل

از سیلحان روسی احدی این وقت در کابل نیست، حکایتی که در این باره گفته شدن، يك اسر روس مشهور شده بود، صحت ندارد.

تحقیقات مجلس حکمیت حادثه

بحر شمال

عناوینی که در مجلس حکمیت بحر شمالی دربار پش شده و موضوع بحث واقع گردیده، بموجب ذیل است:

(۱) جہازات امیرالبحر (روزهد و نیکی) با نظام بحری حرکت میکرد یا فقط برای طی طریق در حرکت بودند. در هر يك ازین دو صورت آیا موافق قواعد بحری جرافهای لازم را دارا بودند یا نه؟

(۲) آیا جہازات ماهی گیران (هل) آقدر نزدیک جہازات بالتیک رسیده بودند که راه حرکت آنان دشوار شود. و موجودگی آنان باعث خطر جہازات جنگی باشد یا نه؟

(۳) آیا جہازات موشک از خارجه در آنها یا جہاز دیگر صکه مغنیه موشک شود در مسان جہازات ماهی گیران بود یا نه؟

(۴) در صورت موجودگی جہاز موشک مال

زاین بود یا از خود روسیان؟

(۵) آیا حقیقتاً بر جہازات روسی امر مشتبہ شده و شلیک شان بجهت این بود که جہازات خود را از حمله محفوظ دارند و دفاع بر آنها واجب بود یا نه؟ دولت روس بیان می کند که يك جہاز موشک که (دوبامر) ساخته بودند از دست جہازات (روزهد و نیکی) غرق شد و برای آنها تحقیقات لازمه خواهد شد.

مسافرت اعلیحضرت شاهنشاهی

روزنامهجات انگلیسی مینویسند با اینکه دولت علیه ایران راه آهن را چندان اهمیت نمیدهد، باز هم در برابر روسیه فرار شده که اعلیحضرت شاهنشاهی را ترغیب بلیغ برای راه آهن بدهند، آغاز بهار با راه آهن (ارنبرگ) و (تاشقند) که تازه ساخته شده، راه سر (استند) تشریف خواهد برد، از همینکه این راه برای مسافرت باز شود، اعلیحضرت شاهانه مشهد مقدس به عشق آباد رفته و از آنجا سوار کالک راه آهن شده، از ارنبرگ و تاشقند گذشته، یکر داخل مسکو خواهند شد، روزنامه (طمس) بمبئی می نویسد صکه در این سفر بذات شاهانه خیلی خوش خواهد گذشت، زیرا که دولت روس میخواند بر اعلیحضرت شاهنشاهی حالی کند که در تعمیر راه آهن چه قدر آسانی دست میدهد و چه قدر منفعت و سرمایه حکومت از آن زیاد می شود، روزنامه مزبور را عقیده این است صکه اعلیحضرت شاهنشاهی در لندن نیز رونق افروز خواهند شد، ولی این مسافرت سمت رحمت پیدا نکرده است و دور نیست این خبر عنقریب رسمی شود.

جبل التین

تا کنون این خبر را متواتر اخبارات انگلیسی و غیره نوشته و قایع نگاران ایران ما هم بدین امر اشاره کرده اند، ولی گمان نمی رود که با انقلاب امروزی فرنگ که همه در معاملات سیاسی اقصای شرقی و نتیجه آرزو جنگ طواغفقواره محور مات اند، اعلیحضرت شاهانه عزیمت چنین سفری فرمایند.

نواب بهاولپور

نواب بهاولپور به معیت پانده سیاسی حکومت هند روز پنجم فروردی وارد کلکتہ شدند.

رحلت رحلت

روزنامه (بهار هرگد) بانگی پر مینویسد که [بابو کیش راه بنساره] دبیر اول اخبار مذکور از طاعون رحلت نمود

متوفی همان شخص است که از مساعی جیله او در تمام دقار ملکی بهار زبان هندی رائج گردید

افغانستان

میرزا ذکریا خان که سابق خزانه دار امپراطور از افغانستان به پشاور آمده - گویا اظهار داشته که کیسیون افغانستان بخت و یکم فروری مراجعت هندوستان خواهد نمود امیر حکم نموده که اسباب آیش سفر و تهیه لوازم استراحت اعضای کیسیون را بنوع کامل فراهم نمایند

روس و افغانستان

روزنامه (استیتسمن) می نگارد که جماعتی از ارباب لشکری روس برای سیر و سیاحت به کابل آمده بکر از آنان را تبوی رسیده هلاک شد و قاتل او مرار سکورد - سردار این جماعت وقوع این حادثه را به اهل حضرت امپراطوری خبر داده است

باز دید فرمانفرمای هند

از مهاراجه گوالیار

صبح یکم فروری [لارڈ کرزن] فرمانفرمای هند برای باز دید مهاراجه [گوالیار] به معیت وزیر خارجه و وزیر جنگ وغیره تشریف بردند - مهاراجه موصوف در محارت (هستنگس) مقیم هستند

رفع قرطینه زوار کربلای معلی

از طرف وزیر بحری حکومت هند خطی بداره رسیده که برای آگاهی زوار کربلا بنویسیم مراسله که به وزیر خارجه حکومت هند از مأمور سیاسی بغداد رسیده ظاهر مبدارده سکه برای زوار هندی نملا هیچ گونه مسائق نیست و قرطینه مرتفع شده است

دیوک و دچز آف کنات

دیوک آف کنات و زوجة محترمة شان سکه برای سیاحت مصر رفته بودند دولق امروز خرطوم گردیدند

مجلس ایشیاٹک سوسائٹی بنگالہ

در شب چهار شنبه در مجلس سالانہ ایشیاٹک سوسائٹی [لارڈ کرزن] فرمانفرمای هند لائق بلیفی داده دربارہ تحقیق حالات قدیمہ هندوستان از زمان (وارن هستنگس) الی الآن اشاء نمود و اسباب فادرة متعلق سیاحت و تواریخ که مجلس مذکور برای آیش محارت یادگار (وکتوریا) طاریت داده با الفاظ شیرین معرفی کردند - در همان شب حکومت بنگال برای سال آینده صدر مجلس مقرر شد

شفاخانه زنانہ

از قراریکه افواه است شفاخانه زنانہ باسم وکتوریا در دہلی عنقریب افتتاح خواهد شد

قطعة شمس

مدیر رسدخانه (نخوت سنگی) پونه مینویسد که قطعه سیاحتی در حوضه شمالی آفتاب بتازگی نمودار شده و آن قطعه بذریعہ شبشه سیاه دیده میشود - قبل از ساعت نه صبح خراب میتوان دید - چار هزار ملیون فرسخ مربع دورہ آن خال سیاه تخمین شده و تاکنون در تریاید است

عزیمت و قوت

چنانچه اداره جلیله جریده مقدسه و خاطر محترم مطالعه کنندگان آگاهی دارد جناب اعتلامشوقه کارگذار کل عربستان و شطالعرب با کثقی مبارکه دولتی پرس پلیس موقتاً بمأموریت فوق العاده بلوچستان به بوشهر ورود سکردند و چند روز برای ترتیب کارهای مأموریت توقف و با کثقی مزبور بجا چهار عزیمت نمودند - از آنجا که اولیای دولت علیه اهمیت حدود بلوچستان را کابلیق تقدیر و جناب معزی الیه را باین خدمت معتنا تعیین فرموده اند امید کلی است که در انجام خدمات دولت و ملت مقضی المرام باشند از قرار معلوم در ایام اقامت ایشان در بوشهر انجمن خیریه جمع و خرج سه سالہ مدرسه سعادت مظفری بوشهر را از لحاظ معزی الیه گذرانیده و مبلغ سی تومان و دو قران که مدرسه اضافتہ خرج و جا خللی داشته با کمال معذرت بذل و اتصاف و هیئت انجمن و مدرسه از این مردمی و قوت ایشان تشکر نمودند که باین مناسبت هم ذکر جمیل این شخص جلیل نفس تشویق دیگران شایسته و شایان است

جبل‌الذین کلکته

مدیرکل کالج استریت نمبر ۴

کلیه امور اداره با

مدیرکل مزیدالاسلام است

منتظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۱۵ قی الحجه ۱۳۲۲

مصادف با

از هر کس و هر جا بلا استثناء ابواب اخبار

(مقدم گرفته میشود)

روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

سالانه — شش ماهه

هفتاد — و پانزده

۱۲ روپه — ۷ روپه

ایران — افغانستان

۲۰ قران — ۵ قران

عثمانی — و مصر

۵ عییدی — ۳ عییدی

اروپا — و چین

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

روس — و ترکستان

۲۰ فروری میلادی ۱۹۰۵ (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

ذمالتین

سنه ۱۳۲۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

دربان حربده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

مراسلات عام المنفعه منبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندوجات

- تکرافات • مرآت زشت و زیبا • جغرافیای ایران • قابل توجه غیرمندان • مکتوب یکی از دانایان • تاریخ حرب ژاپون • حادثه روز رستخیز یا سیل اهرم و خائیز • مکتوب از کربلای معلی • مکتوب از موشر • عراق حرب • نشان علمی دارالفنون • طلیقه جناب درباب یکی امیر تومان • سند نامه وزارت جلیله علوم • مکتوب از مشهد مقدس • مکتوب از بنیاد • یکی از دانشمندان روسیه برای توجه ما میفریسد • مکتوب یکی از فضلی جلیل • رویداد سال اول انجمن مظفری کلکته • مکتوب از رشت • سواد فرمان امپراطوری در اعطای نشان عقاب سفید • بقیه تکرافات • اخبارات متفرقه • پادشاه سویدن • حیدرآباد دکن • یادگار سرجان و ودبرن • سنط • جبل‌الذین • دزدی دلبرانه • حریق

تکرافات

(۲۵ ذالقمده - ۴ فروری)

مارشال ایما (سپهسالار اعظم ژاپون) خبر میدهد که در مپسره (لن تاکو) بین قشون ما و روس جنگ مختصری پیش آمده پس از آنکه روسیان مقصد فر قشان دیده عقب نشستند

(۲۶ ذالقمده - ۵ فروری)

(جنرال کرویانکن) سپهسالار اعظم روس خبر میدهد

که بتاریخ دوم و سوم جنگ سختی پیش نیامده - بموجب رپورتیجک رسیده (میدر جنول دوبروسی) در جنگ (سنتن شتم) مجروح شده است

عبر (روتز) از پترسبرگ خبر میدهد که اعلیحضرت امپراطور روس (مسیمبروف) را که یکی از اعضای شورای قوانین ملکیه است رئیس هیئت مقرر فرموده که برای اصلاح قوانین جدید مقرر شده اند (که بتاریخ سوم بدان هیئت و قوانین اشاره شده است) امپراطور خیلی مشتاقند که نتیجه انتظامات و اصلاحات قانون هیئت مزبوره را زود ملاحظه فرمایند

نزدگان و امراء (مسکو) متفق شده اند که دو مرضداشت بحسور امپراطوری تقدم نمایند - یکی از طرف طامه اهالی و دیگر از جانب جماعت آزادی طلبان - در مرضداشتیک از طرف طامه اهالی است درج خواهد بود که طارایقین است درین موقع صلح جز ذات نتیجه برای دولت روس نه بخشد - شك نیست اگر دولت روس جنگ را تا آخر رساند مقضی للرام و مظفر و منصور خواهد گردید - اینکه انتظامات ملکی موکول شده است به بعد از ختم جنگ اظهار عدم رضا کرده اند - در هرینه دوم که از جانب آزادی طلبان است با کمال ادب و عایت فروتنی توجه اعلیحضرت امپراطوری را

بطرف اصلاحات ملکی و رفع شکایات عامه مبدول
داشتند

(۳۰ ذقعد - ۶ فروردی)

§ افواه بود که جنرل (کرویاتکن) از عهده خود
مستغنی شده - ولی این خبر بیرون از اصلیت است
(جنرل کریین برگ) سپهسالار اردوی دوم روس از
عهده خود استعفا نموده و استعفاش هم قبول شد
برخی را در نام اشتباه شده جنرل (کرویاتکن) تصور
کرده بودند

§ دیروز در قبرستان (لاز) وقتی که اهالی مقتولین
خود را دفن می نمودند بجوش و خروش آمده با قندون
برخاش نموده زد و خورد سختی واقع شد پانزده نفر
از بلوآنیان مجروح و دو نفر مقتول گردید این حادثه
بیشتر مورث قنوت اهالی از دولت روس گردید

§ امروز در فرقه ذغال فروشان (بلژیک) شورش
شده همدمی و همراهی خود را با اهالی آلمان ظاهر
میدارند - درحین شورش پیش از دوازده نفر در
کارخانجات ذغالی اشتغال بکار نداشتند

§ تقریری که امیرالبحر (لی) در (استلی) نموده
شورش ضریبی در آلمان انداخته جواب خطوط رسمی
خود را با کمال تشدد از دولت خواسته در برخی
نوشتجات اصرار شده که دولت را لازم است که قوای
بحری خود را با منتهای سرعت زیاد نماید - امیرالبحر
(لی) اظهار داشته که اخبارات تقریری وی را بدانسته
بفظ برخی انتشارات داده اند - خلاصه تقریر این بوده
است که میتوان قوای بحریه دول سازه را مخالف خود
تصور نمود از دید قوای بحری آنان را در دریای
مدیترانه و اتلانتک و دریای شمالی باید به نظر عمیق
نگریست چه قوای آن در کمال نشو و نما و غایت ترقی
است

§ وقایع نگار (استدرود) از (برلن) مینویسد
که افواه است هرگاه لارود (لندون) وزیر خارجه
انگلستان نطق امیرالبحر (لی) را رد نمیکرد و توضیح
نمی نمود دولت آلمان از دولت انگلیس جواب طلب
می نمود

§ خبر (روز) با یکی از اعضای کمیسیون حکمیه حادثه
دریای شمالی ملاقی شده ضمناً برخی مطالب اخذ نموده

من جهه آنکه کمیسیون را گن قوی است حرکات جہازات
روس مبنی بر حبله و تزویر نبوده ولی درین باب آنان
را درجه تبیین حاصل نبود - امیرالبحر روس را گن
این است که کمیسیون ثالثی قسمی تصفیه طواعت نمود
که روسها یا کالمر افزای ازین معرکه خارج خواهند شد
§ ماقبت تصفیه قرضه جدید روس در پاریس شد
این قرض بسود صد پنج فیصل یافت و همان اشخاصیکه
سابق نذاریک قرضه روس را نموده بودند حال نیز بهین
شرایط اولیه خواهند نمود

§ خبر (روتر) که در اردوی جنرل (کروکی)
است خبر میدهد که جنرل (ان هلمتن) برای ملاقات
(لارو کچن) بطریق انگلستان روانه شده است جنرل
(کروکی) مهمانی شایان از ایشان نموده لطقی که مبنی بر
دوستی و اتحاد دولتی انگلیس و ژاپون بود ایراد شد
(خرة ذی الحجه - ۷ فروردی)

§ در ادارجات رسمی پاریس شهرت دارد که
اعلیحضرت پادشاه یونان اظهار داشته اند که وقتی من
از (دنمارک) به پاریس می آمدم جهازات بالٹیک در
بین راه با بر خورده بدون لحاظ و تحقیق برما شلیک
نمودند بعد از آنیکه کشتیهای طارا جهازات موشک
لحسم تصور نمایند ممکن است که کشتیهای دیگران را
نیز بدین نظر دیده باشند - در بین تحقیقات کمیسیون
افشای این مسئله گل تازه بود که شکفته است

§ امرا و بزرگان پترسبرگ انجمن شده این امر را
موضوع بحث قرار داده و اقرار نموده اند که عرض
داشت مرتب نموده از اعلیحضرت امپراطوری استرحام
شود که مخصوصین از امنای ملت را طلب فرمایند -
یکصد و پنجاه و هشت نفر بر این امر موافق و بیست
نفر مخالف شدند

§ اغتشاشات روسیه هنوز آرام نهد است در
(ورسا) و (لاز) آثار امنیت هویداست ولی هنوز
مردم بکار مشغول نشده و دکاکین باز نگردیده بسته
جست اتفاقات نا گوار پیش می آید

§ در (قلیس) و (رادم) شورش شده در شوارع
عام قلیس بین بلوآنیان و پلیس و سواره زدو خورد
شده است - اهالی در حوالی راه آهن (قالی) سرکشی
آغاز سکردن قطاریکه قندون به با طوم می برد

کهاره ۲۱۳ ۱۵ ذی الحجه (۱۳۲۷) - سال دوازدهم - ۲۰ فروری (۱۹۰۵) ضمیمه ۳

از خط زام آهن بیرون افکنده و راه را قطع کرده اند
 § مردم زیادی از تعدی سپاهیان در (وارسا)
 بتل رسیده اند جماعتی که دو آسیاهای (لاز) کار
 میکردند نمانده خایف شده اند که نزدیک است دست
 از کار بکشند قطع دیروز مشتاد و چهار نفر مجروح
 و گشته شده اند - شورش زیادی در (وادم) و حوالی
 شهر (استرگرا) شده است

§ اعلیحضرت امپراطور روس اصلاحات را که وزیر
 در ماده قوانین مطبوعات پیش نموده بودند همه را منظور
 فرموده و هیئت را برای ترتیب قوانین مطبوعات و
 اصلاحات لازمه ملکی منتخب نموده اند

§ (مسیوتروف) ناظم تعالیم عمومی رسماً اطلاع
 داده که فوراً هنگامه شاگردان مدارس را رفع نماید
 هرگاه شاگردان با اطمینان خاطر و آرامی تمام در
 تعلیم گاه حاضر نشوند استخراج بلد خواهند شد و هرگاه
 معلمین با ایشان همراهی نمایند بحد فسخ تعالیم در
 پیترسبرگ موقوف خواهد گردید

§ اعلیحضرت امپراطور روس (مسیویکو) که یکی
 از وکلای دولت است رئیس هیئت مقرر فرموده که
 برای اصلاح قوانین مطبوعات منتخب شده اند
 (۲ ذی الحجه - ۸ فروری)

§ اعلیحضرت امپراطور روس اصلاحات مفیده را که
 وزیر مالیه پیش نموده است منظور فرموده اند که در
 مجلس وزرا برای ترتیب قوانین لازمه رجوع شود -
 اصلاحات لازمه برای عهد عملیات و اوقات کار آنها
 نیز پیش شده است - اما صدماتیکه درین بلا بر آنها
 وارد شده تلافی نخواهد شد چه بواسطه نبرد آنها
 از حکومت مبتلای بدین صدمات شده اند

§ جنرال (کرین برگ) سپهسالار اردوی دوم روس
 در منچوریا اِمصاحبین خود در (ارکتس) رسیده
 افواها معلوم می شود جنرال موصوف طازم (پیترسبرگ)
 است که نسبت بجنرال (گروباکن) در حضور اعلیحضرت
 امپراطوری شکایت نماید که او را در جنگ تنها و
 بریشان حال گذارد

امیرالبحر ژاپون (توگو) در مقام (سکر)
 رسیده است

§ بین سفرائی آلمان و فرانس در اسلامبول مناقشه

روی داده چه دولت عثمانی را ترغیب میداد که
 قرضه جدیدی را که بنک عثمانی خواستگار است بگیرد
 و حصه از آن را در کارخانه کرب آلمان اسلحه لازمه
 خرید شود اعلیحضرت سلطان نیز این معنی را قبول
 نمودند (مستر کنتنس) باب عالی را اطلاع داده که
 برای قرضه جدید در بازار پاریس موانع پیش آمده
 ازین رو بنک عثمانی دست از کار کشیده است بنک
 (روس) باسالی را برای همراهی و اعانه اطلاع داده
 است

§ جبهاز انگلیس (استرگ) که محل ذغال برای
 (ولادپوستک) داشت در (هوکاید) گرفتار جنگ
 ژاپونیان شد

§ امیرالبحر (لی) در (است لی) اشاره به نقل
 اولیه خود نموده که مورث آشوب گردید مشارالیه
 اظهار داشته که غرض او ازین تقریر همانا تنبه وزارت
 بحریه بود و بدون قصد و غرض پیرایه دیگر گرفت
 در بیان من ابدان نبود که باید از دول سائره نرسید
 (۲ ذی الحجه - ۹ فروری)

§ خبریکه از ورسا رسیده ظاهر میباشد که شفاخانه
 ها از مجروحین پر شده گنجایش مجروحین دیگر را
 ندارد

§ بر خلاف اعلانات رسمی در (پیترسبرگ) اشاعت
 یافته که یوم یکشنبہ مجدداً بلوای عمومی خواهد شد
 سکاوهای راه آهن همه بند است و در عملیات
 (بتلوف) اغتشاش زیادی پیدا شده حالات آنها ابدان
 قابل اطمینان نیست

§ پادشاه (سوئیدن) بواسطه علالت مزاج و کبر سن
 انزوا گرفته سلطنت را بواجهد خود واگذار کرده است
 (۴ ذی الحجه - ۱۰ فروری)

شورش زیادی در شاگردان مدارس و مدرسین پیدا
 شده است

جنرال (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که مستر
 (نوکاشی) نایب رئیس بنک ژاپون در تلویج مقدم
 بجانب آمریکا و انگلستان رهسپار خواهند گردید در
 بین سراقان انگلستان شهرت دارد که این مسافرت مبنی
 بر قرضه میباشد که دولت ژاپون از آمریکا و انگلیس
 مجدداً خواستگار شده است

شماره (۲۱) ۵: فی الحجه، ۱۳۲۲ - سال دوازدهم - ۲۰ فروردی (۱۹۰۵) صفحه ۱۰۸

§ در باب خرید اسلحه صکه دولت عثمانی اراده داشت از آلمان بگیرد چنان تصفیه شده است که قدری از آن اسلحه ها از فرانسه ایتباع شده قیمت آن را ازین قرضه جدید داده باشند لذا رفع مناقشه شده باز بنک عثمانی طرف مغایره و مراجعه شده است

§ اعلان يك ميليون (ول) قرضه جدیدی برای دولت چین در بازار صرافان لندن و پاریس داده شده است

§ اعلیحضرت امپراطور آلمان وعده فرموده اند که قانون جدیدی برای عملیات مرتب خواهند داشت ازین رو عملیات معادن مطمئن شده از فردا بکارهای خود باز خواهند گشت

§ جهاز (کرافسان) که از کلکته معرفت با جهاز (کنگال) نام که برای هنگام ذغال حمل داشت مصادم شده جهاز (کنگال) همان آن در بندرسعید خرق گردید

(۵ ذی الحجه - ۱۱ فروردی)

§ (یدی کرزن) زوجه محترمه (لارد کرزن) فرما فرمای هند در جهاز (هریبا) امروز سوار شده بحساب هندوستان رهسپار گردیده اند

§ دیش در (ستوس) بلوای تازه رویداد سربازان روس بر بلواییانیکه مشغول خودکی حریق بودند شلیک نموده درین بین بالغ بر صد نفر مجروح و مقتول گردیدند

§ در (پتوسبرگ) پنج هزار نفر از عملیات باز آغاز سرکشی نهاده رؤساء عملیات چهار کارخانه را تخریب نموده که از کار دست کشیده شريك بلوا شوند چون قشون بجناب آنان روی آورد همه منتشر و پراکنده شدند

§ یوم چهاردهم پارلمان لندن افتتاح خواهد شد

§ در (وارسا) مجدداً بلوای عمومی شده است

§ در (واشنگتن) عهد نامه نانی ژاپون ، آمريک امضا گردید

(۶ ذی الحجه - ۱۲ فروردی)

§ از طرف عملیات کارخانه های آهنگری عرض داشت به (سیو - دی - وایت) بدین مضمون پيش شده است صکه در قوانین مرتبه آسایش مزدوران ملاحظه شود و حقوق با حقوق مالکان بلساوات منظور آید و نیز تعلیم عمومی و اجباری و اخبارات و مطالع را آزادی کامل داده شود

§ در (پتوسبرگ) شهرت دارد که در (وی برگ) همه پنج کارخانجات مستعد شورش اند و چنان اظهار داشته اند که تا وقتی که تصفیه امور آنان نشود از شورش باز نخواهند آمد صاحب کارخانجات به (پتروف) برای فرستادن قشون نوشته اند

§ وقایع نگار (دیل تلگراف) از (توکیو) اطلاع میدهد که دولت ژاپون برای امیر چهار جهاز جنگی زره پوش بدولت انگلیس فرمایش داده است و نیز برای توب بسیار که قیمت آن دو بیست و پنجاه هزار لیرا باشد

§ برخی از ارباب بصیرت را عنیده این است که بعد از شکستن سورت سرما جنرال (کیسورا) با قشون جرار خود و توبهای زیاد راه آمد و رفت روس را بجناب جنوب (ولادوستک) قطع خواهند کرد

§ یوم پنجشنبه ژاپونیان مقام مرتضی را در شمال (شنگشیه) متصرف شده و ده هزار قشون روس را عقب نشانند

§ مخبر (روتر) از بندر (لوی صریس) خبر میدهد که کسانیک از (لسی) آمده بیان می نمایند که جهازات بائیک تا کلون در آنجا متوقف اند و مناقشه بین امیرالبحر روس و کپانیهای ذقالی آلمان پیدا شده امیرالبحر میخواهد صکه جهازات ذقالی بصیبت آنان رهسپار شوند کپانیهای جهاز میگویند که کشتی های جنگی ژاپون نزد بندرسیده ازینرو طرا خوف گرفتاری درپیش است همه انکار از حرکت نموده اند

§ مخبر (روتر) از (زنکار) خبر میدهد که (هرکزن) پنج جهازات روس را صکه در آبهای آلمان متصل (دارالسلام) لکر انداخته بودند حکم نموده که فوراً حرکت نمایند افسران روس نیز عاجلاً تمیل حکم کردند

سرآت زشت و زیبا

قلم یکی از علماء طهران

(شماره ۲)

باری سخن در اصلاح عمل مایه و عائدین وضع حالیه بود. پس از آنکه از حسن اقدامات کافیه و مآهدهات وافیة و نیات مقدسه اهلحضرت هاپوز و شاهزاده صدر اعظم کار دفتر مایه رو باصلاح شد مردان خانسکی و پهلوانان سر سفره - فدویان و دست پروردگان مجسمه خیانت - مخربین ملک و مات - دشمنان دین و دوات - منکرین اصاف و سروت - هنر در دانه‌های ایرانیان - اولیای نعمت این پیازگان یعنی جمعی از طایفه دراز نویسان و مستوفیای کار را بالمال منافی پشرفت و آمال خود دیده بنای احلال و افساد را گذارده تصور حکردند چندین بار خیر خواهان در صدد اصلاح کار و سبب تسلط و اختیار آن مبادی مایه برآمده آنان نیز نغمه ما سار و فتنه ها آغاز کرده تا بموشک دواندن و گره رقصاندا کار خویش از پیش برده قلم خیانت از دست نداده و تیشه پیداد از کف نهاده - پس این بار نیز اگر فدوی مکرو حیله بکار اندازند ممکن است اصول اصلاح و ناس و بمقاصد خویش نایل گردند ازینرو همرو عاص ر -

(بی مصاحبت مجلس آراستند)

(ناستند و خوردند و برخاستند)

پس از مشورت چنین صلاح دیدند که این ارمسلاک ابوهریره را اختیار و هر يك بتومی نقل اخبار کنند یکی جیره و مواجب را بالکلیه مقطوع و معدوم نماید دیگری ارباب وظائف را با هزاران لطائف هرجان آرد بعضی بتوسط کاغذ پاره و دیوار نشر اخبار دهند هر برخی مظلومیت هموم هموطنانرا در مجالس و محافل اظهار دارند

(از هر کناره تیر دعا مبرستمت)

(شاید گزآن میانه یکی کار گرشود)

حد خدا را که تیر آه مظلومان و تدابیر حکیمانه بودر جبهه انچه شیریوان اثر بخشیده تا کلون کیت خیانت بمقصد رسیده امید است که بسده ها نیز نرسد بی زیاده از یکصد سال اهل قلم را نیکو مجال برای نظم بر ایران و ایرانیان بدست آمد تا می سال پیش اندک خطر و نفویش برای خود تصور میکردند

پس از آنکه قافله سالار یثابیان مصدر کار شد اینان نیز برخر خود - وارگشته دست هرافقت بهم در داده عقد مصالحت با یکدیگر بسته کادبرا که بیکنفر محاسب خودی یا بیگنا انجام گشته فوجی از خائسان بر آذ کجاست. آمد اگرچه با هزار زبان شرح مفاسد اقدامات دراز نوسا را نتوان بیان نمود ولی برای آگاهی بشو سازه لوحان برخی از مفاسد وجود آنان و زخمهای کاری آن بیروانرا برجسد مقدس ایران عرضه میدار. تا معلوم شود این ناخلف پیران بر این طادر مهربان چه ظلمها کرده و چه رفتارهای بی باکانه نمود. بدیهو است بیکدوتن از بزرگان و بزرگ زادگان که با آنان شریک در شغل و کار و از کردار زشتشان قلب بیزارند از موضوع سخن خارجند و خود میدانند موضوع بحث نگارنده کیاند

ای خداوند یکتا - و ای آفریننده وانا - ای جزا دهنده نیکوکاران - وای انتقام کشنده ستم پیشه‌گان - تو شاهد مقال و گواه حالی که طریقی جز رضای تو نیویم و سخی جز تحصب وطن نگویم. و الا نه با سابقین سابق عداوتی - و نه از حاضرینم توقع نعمت است - نه از غایب بخشی گذشته گانم توفی نه از شخص صدر اعظم حالیهام جز اصلاح وطن انتظار نمی است - آنچه گویم فقط برای اثبات حق است که قدر ایسهد فرخنده معلوم گردد و از مخالفت خائسان در انظار هموم لباس دیگر نبوده نخصت خیانت اینان آنکه قسمت عمده از خراج مملکت را که در حکم بیت المال است با کمال بشرمی و بی باکی با هزاران حیله و نیرنگ از هر ملت بیچنگ آورده بودند و برادره قسمت کردند

امروز که دولت ابد آیت برای مخارج مسرفه و معموله اینان ناچاره استعانه از احباب و بیگانگان است هر یک از ایشان لا اقل از سه تا سی هزار تومان به اسامی مختلفه از قبیل مواجب - جیره - خانواری - انعام - تکلف - تخفیف - مستمری - خرج سفره - استصوابی - قیمت خلعت - علیق - و. و. و. دریافت میدارند که تمام آنرا در ازای اندک رشوق از رؤسای مائل و وزرای باذل سابق دریافت داشته یا خود عمل پیدا کرده برخود حلال پنداشته اند دوم - خیانت این سلسله جایه آنکه هر یک چند پاره

از املاك بزرگ دولت را بنام نیول و محل به لطایف
جیل منصرف گشت خود را مالك رقاب مطلق نموده
پس اندك اندك چون میدانرا خلی ورقیب را لابلای دیده
بهدا در طمع را بار و دست تملك به اصل املاك
دواز کرده نم نجسی دیگر (بازارن) این کهور داده
بلوک را باسم دهکده - بدبرا بنام مزرحه خریداری
کرده ملك طلق خود داستند

سیم - از خیانت دراز نویسان آنکه هر يك از طهان
وطن که با آمان رفیق بزم و مجلس انجمن بوده هر
گونه تمنا و خواست از آنان کرده بطایر مصلحت
خود حاجتش را بر آورده - مثلا اگر رفیق شفیق را
هوس خریداری یکی از قرای عظیمه دائره دولت در
سر بود و از مستوفی پس از تعارف حلال دوستانه
که معادل پاصد تومان یا بیشتر بود مینوشت (بلی این
محل یکی از مراتع قدیمه واقعه در قله جبل فلان است
که پیشتر از عاذاش دو سال برای دولت خرج دارد)
بموجب تصدیق که حاوی چند خط دراز و کوتاه است
فرمانی هم تمام کرده عمل انجام میشد

چهارم - ارحواص طایفه دراز نویسان اینک با وجود

موجب و مرسوم گزاف آشکارا و نهان از طرف
دولت ابدآیت مبلغ دیگر که موافق اغراض آنان
بوده بطور عموم از ارباب حقوق بعنوان رسوم دریافت
میداشتند حق امسال را هم سایر مصلحتی تومانی چهار
شاهی دریافت نموده گویا وقتی که شغل محاسبه
امومه پیرایه نداشت برای اینصکه مخارج بی چند از
محاسبین بر دولت تحصیل نشود اخذ این چهار شاهرا
کار کنان دولت بر آنان مباح فرمودند اینک انجمن
صداقت پیشه حق زحمت و خدمت از دولت ابد آیت
میستانند و حق احسان و نعمت از ارباب حقوق و رعیت
در حقیقت هم فاعلند و هم قابل آن چون جهات
متعدده است مخالفتی با آرای فلاسفه لازم نیاید
(یار ما آن دارد و این نیز هم)

پنجم - از کردار های زشت این گروه اینک هر يك
از ایشان حق مستوفی سازه و سنان برای نوشتن سالی
يك کتابچه که بکروز تا یک هفته پیش زحمت ندارد تی
چند از خود پندان دیگر و بی تحسبان از همه جا غیر
را باسم معاونین و سر رشته دار شريك در شغل و کار

(باقی دارد)

جغرافیای ایران

(از شماره ۲۰)

آنها که داخلی دجله میشوند عبارت از (زاب)
اعلا و (زاب) اسفل و (دیکه) و (بدرائی) و
(طیب) و (کرخا) است

(زاب) اعلا یا زاب الکبیر - این نهر از آبهای
بسیار است که از کوههای توابع غربی ایالت آذربایجان
نهران و از مواقع مختلفه حدود گذشته بیکدیگر ملحق
میشوند پس از آن در جنوب خرابهای غرود در موقع
(سن) بدجله میریزد

زاب اسفل و یا زاب الاصغر - این نهر از داخل
ایالت آذربایجان از کوههاییکه در سمت غربی (عسار
و بتلاق) واقع است نهران مدنی رو به شمال و شمال

مجله جغرافیه ۱۵ ذی الحجه (۱۳۲۲) - سال دوازدهم - ۲۰ فروری (۱۱۰۵) صفحه ۷

بطرف جنوب غربی جاری و در قصبه (جبله) طلاق (امام شرقی) را بعد از تشکیل بدجله ملحق میشود

نهر حکرخا - از چند نهر تشکیل می یابد یکی (قره سو) که از شمال شهر کرمانشاهان نبعان میناید و دیگر نهری که از دامنه کوه الوند بر میخیزد و دیگر نهر (غلامس) که از قصبه پستون میگذرد بیکدیگر ملحق رو بجنوب جریان و از سمت راست رود کرمان نیز بدو ملحق شده پس از آن نهر (کاشغان) را از دامنه سفید کوه نبعان و از خرم آباد میگذرد از طرف یسار بخود ملحق و رود جسیمی شده پس از آن در جنوب قلعه محکم (رضا) رودخانه (زال) به او اتصال یافته و دشت (سوس) را آبیاری و از جوار خرابه های سوس گذشته در رو بروی قلعه (هاشر) یکباره بسمت مغرب برگشته دریاچه (هورعظیم) را تشکیل پس از آن که از حدود ایران گذشت رو بجنوب غربی آورده با طلاق (سپهرخ) و یا (سامید) را پس از تشکیل از دو دهنه یکی از رو بروی (عزیر) که زیارت گاه یهوداست و دیگری در شمال قریه (مزین) حکه در ساحل شطالعرب است هم بدجله و هم بشطالعرب میریزد

نهر کارون - از دامنه کوههای بختیاری نبعان نخست بنام آب (کجا) قدری بسوی غرب جریان نموده و از طرف یسار رود (قوران) داخل او شده و بشهر شوشتر و اصل و از این شهر تا ملتقای آب (دیز) در عصر چهارم (شاپور) نهری بنام (آب فرخ) حفر نموده حکه (آده - جزیره) احدانی بین نهر و رود کارون بمیدان آمده که ملک قوه فوق العاده انبیه میباشد که اگر فی الجمله در اعمار او کوشش شود سالی کرورها از او دخل میتوان برداشت

و آب (دیز - یا دسول) حکه تابع دیگر رود کارونست نخست از دورود تشکیل میناید که یکی از شمال شهر بروجرد و دیگری از جنوب قصبه علی آباد نبعان و در جوار قصبه (کلك) بیکدیگر ملحق میشوند

(باقی دارد)

غربی جریان پس از آن بسمت جنوب برگشته داخل ایالت کردستان و با اردلان شده و قصبه سردشت را در طرف راست خود رها نموده و در قلمه که تابع خود را یعنی نهریکه از قصبه (سیک) میگذرد اخذ مینماید تا داخل خاک عراق عرب شده و از قصبه های (کویسحاق) و (آتون گبری) مرور و در شمال موقع موسوم به (قلعه الحیا) بدجله ملحق میشود نهر دیاله - از سه تابع بزرگ (شیروان) و (کاکان) و (ظالم) تشکیل مینماید حکه نهر شیروان از جوار قصبه [ماری قامش] نبعان و بعد از گذشتن از طرفین (منه) در جنوب قصبه [غارو] تابع شرق خود را که از اسد آباد می آید اخذ و رو بمغرب جریان و از حدود نگذشته در جنوب قصبه حجاج به تابع خود کاکان یکی میشود

و اما آب (کاکان) از دامنه طرف جنوبی کوه جبل چشمه نبعان و بسمت جنوب جریان قصبه حجاج را در طرفین بین ترک بعد از آن در جنوب غربی باب شیروان ملحق میشود این دو آب که در فوق مذکور شد پس از یکی شدن به اراضی عراق عرب داخل شده رود (ظالم) را که از جوار قصبه (زیان) نبعان و از غرب جنوبی شهر سلیمانیه میگذرد بخود ملحق و بطرف جنوب توجه و از شمال قصبه خانقین آب (زهاب) و (الوان) را بخود ملحق ساخته در جوار قصبه (قرزیات) آب وارین را که از داخل قصبه (کفری - یا سلاجبه) نام میگذرد اخذ و از طرف غربی قصبه های (هارونیه) و (شیروان) و بقریه گذشته و قصبه نهروان واصل و رانجا در موازی شهر مذکور قنال (نهروان) را بعد از افراز در جنوب شهر بندها و شمال (طاق کسری) و مزار (حضرت سلمان) بدجله ملحق میگرد

رود رانی - از داخل خاک ایران نبعان پس از گذشتن از حدود در خاک عراق عرب پنج تابع دیگر را که عبارت از رود (کالی شیخ) و (آب تلخ) و (تورساق) و (کودجو) و (جنکولا) باشد بخود ملحق و در شمال قصبه (منلی) شرقی داخل دجله میشود طیب - این نهر از کوههای داخل ایران نبعان در داخل خاک عراق عرب با دو آب دیگر یکی شده

قابل توجه غیرتمندان

(ار شماره ۲۰)

آفتاب لکن برنجی ده سال قبل از اسلامبول بجهت
 نمونه آورده و بقیمت زیاد خریده بودند یکی از حکام
 در کرمان فرمایش داد خیلی بهتر و اوزان تر ساخته
 اینک در نزدقلب امراء طهران دیده میشود - کدام
 چیز است که در ایران نمی سازند اهلی اصفهان در صنایع
 ید و بیضا دارند دلیل بالا را از آن نداریم که خیلی
 مسوجات و صنایع اصفهان نزد کاشان حراسان کرمان
 با این همه کارخانجات باز یارویا وغیره معرود و فایده
 میکنند - اینقدر تعصب و غیرت ملی در ما بست
 که بر فرض شوای از خارج بیارند صحت مطبوع
 طبایع باشد فوراً مثل او را بگوئیم بسازد و با نهایت
 میل خریداری نمائیم مقولهای چین را که بکشای خرید
 و صنایع ژاپون را که دوغاز قیحة دارد در بازار
 طهران بای تخت ایران ده برابر می خرید و تعقل نکردند
 که این قوطی از کاغذ در ژاپون ساخته شده و بکشای
 خرید دارد دو قران فروش طهران چرا در جبهه ها و
 سینی های کاغذی جهان شکل های قشای فریب خورده
 چه قدر پول خود را به بهای این منخرقات میدیم و
 میدهند آیا قاشها و قلمدن ساز های همدان و
 طهران و اصفهان نمیتوانند مثل آنها را بسازند خیال
 می کنند که این همان چین و ژاپون است که صد سال
 قبل بوده میباشد که نخوه ز ژاپون بطهران آوردن
 آسان تر است یا از نزد بسهرن - نگارنده ببلبل ایرارا
 در کلکت و بنارس دیدم یکی دو بیست روپیه هزار
 دستان که ببلبل شبخوان باشد و کنجشک فرنگستان
 را هم دیدم در خانه یکی از بزرگان دوات چهل تومان
 وارد کرده یا خریده بود - بار رشته کلام بکشف عیوب
 کشید باید راه چاره را نمود - راه چاره سابق عرس
 شده منحصر است به تشکیل مجلس که تمام نحاس محترم
 و بزرگان مملکت و وطن پرستان باشد بهیچوجه ملاحظه
 لباس و شکوه طاهری درین نباشد هر کس داناوینا و غیرت
 وطن پرستی دارد داخل شود بگویند و بشنوند و برخیزند
 و عمل کنند همت نمایند هر روز در ماده يك نخواهی
 گفتگو نمایند بعد تدبیرات لازمه برای ایجاد آن نمایند
 و بعد تدبیر در شیوع آن و کتبویق ارباب صنایع

نمایند که آن جلس روز بروز بهتر شود تا اینکه تاجر
 بجهت حرفه خود قیمت را کم نماید و صنایع هم روز
 بروز از مصالح کار بدزدند تا دو دفعه موقوف شود -
 نمد مالی در ایران حرفه بزرگی بود تمام اهل ایران از
 شاه و گدا محتاج به نمد بودند اهالی اروپا اول بتماشای
 نمد طاهای ایران و ریختن گلهای رنگا رنگ روی او
 میرفتند ندربجا کار بجای رسید که تاجر بی انصاف و
 خریدار بی شعور از قیمت گاست نمد مال از نمد وزید
 تا اینک که نمد را بوض کرک بسیار ممتاز بی مو باموی
 سرالسان و موی اسب و نمک و پشم و ینبه مالیده
 باین اکتفا نکرده جرک صابون و ربك نرم در جوف
 نمد ریخته مالیدند و بعد از یکسال ربك و خاک باعث
 خوردن گرم او شد لهذا این صنعت بزرگ ممتاز در
 ایران منسوخ گردید

الآن قاشهای قدیم ایران که دست کار استادان
 قدیم است اسباب تاشا و هیوت اطاقهای موزه
 فرنگستان است قیمت آنها زیاد شده و ابدا از قیمت
 سیصد سال قبل نگاشته است
 (باقی دارد)

مکتوب یکی از دانایان

(مؤیدالاسلاما - ابدم الله تعالی)

در مکتوب بمبنی شماره ۱۹ شرحی ز باب سکه
 دولت علیه ایران و ضرر و خساره تجار ایرانی بنظر
 رسید - فی الواقع تجار از قیمت قران خیلی متضرر
 شده که بفریاد آمده اند - ولی ضرا آنها جزئی است
 زیرا که میتوانند جبران آرا از معاملات به خارجه نمود
 لهذا بفریاد ساز اهل ملک برسد که چه قدر متضرر
 شده و میشوند
 بلکه اهل ملک هم تا یک درجه ضررشان محدود و
 کتر از دوات است - اما ضرر مات و اهالی آستکه حال
 یکتومانی را دو تومان باید بخرند و بهین سبب است
 که باوجود فراوانی نعمت و زیادی جنس غله هاره فریاد
 و فغان اهالی از گرانی با آسان بلند است و همه روزه
 اسباب اغتشاش ملک و صدمه و ضرر دولت در اطراف
 و جوانب مملکت فراهم چرا که رعیت بچاره می بیند
 نانی که بکس کم یک قران قیمت داشت بدو قران
 رسیده باوجود اینکه غله در کمال فراوانی است و

آفتابان ترسیده و همین گوشت و سایر چیزها و از قیمت قران خبر ندارد که قران سابق نیم قران حالیه است از آن جهت بفریاد آمده شورش میکند و همه بانبار دارها و صاحبان اجناس کرده هزارها کار مختلف شرع و دولت را مرتکب شده خلل در امنیت انداخته اسباب زحمت سلطنت میدوند - و چنین سبب دولت و ملت در داخله و خارجه بدنام و طایفه سرزنش خاص و عام و اخبارات اروپا که منتظر این گونه آشوبها هستند با حشو و زواید بسیار درج و باطراف و اکناف عالم منتشر ساخته باعث بی آبروی دولت و ملت در انظار میگردد و چون بغور ملاحظه شود نه رعیت بچاره قصبری دارد و نه دولت خداوند قادر قهار جبار سزای خائنین مرود را در کنارشان ندکه هر قدر توانستند اسباب تباهی ملک و ممالک را فراهم کردند بوسی که پس از سال های دراز مشکل است رفع شود - بالاتر از آن اینکه بسبب امور مرقومه و اسبابهای دیگر میان ملت و دولت تقار و ممانعت انداخته که بزرگترین اسباب اضمحلال است -

اما خساره و ضرر دولت از اعلی تا ادنی هزاران درجه پیش از ملت است مثلاً سرباز که تمام بکتومان یا پیش یا کم موجب میگردد اگر بنشان حشک هم قناعت کند کفایت ۱۵ روزشرا نه میکند بی ماه را باید ناچار بسفای و قصابی و پنبه دوزی و هزم شکنی و غیره تحصیل لقمه نانی کرده سد رمق نماید با این حالت کجا فرصت مشق و تعلیم قواعد نظامی دارد و چگونه با چنین سرباز میتوان در جلوه هایگان با استعداد استاد و جواب ترکی برتری داد - و هنگامی سرباز مأمورین دولت مثلاً فلان والی یا حاکم که دویس نوطان یا زیاد و کم موجب دارد و آن مواجب را در مقابل مخارج او معین کرده اند بدجهت که مواجب و مرسوم هر کس بقدر حاجت و کاری معین شده و از اول که بنام مرسوم و مستمری شد برای آن بود که دولت محتاج بمأمورین از هر قسم مثل وزیر و دیپو و مشیر و سردار و لشکر و عملیات که مورد بود چون اشخاصی را که برای خدمت انتخاب کرده بود و چون اشغال مأمورین در مکتب معاشی و تحصیل یا محتاج حاجز بودند و هرگاه با مکتب انتخاب

معاش میپرداختند در خدمات مرجوعه بایشان خلل واقع میشد - لذا برای هر کس بقدر احتیاج و اندازه خدمتش مرسوم مقرر کرده که سال بسال یا ماه بماه باو رسیده از فکر معاش آسوده گشته همت بانجام خدمت مرجوعه خود نگارد و آرزو چون از روی دانش و خردمندی بود تا کتون باقی است بر عکس و مخایف خدمت که امروزه محنت خواران داده میشود که هر وقت يك حکمی در آن میشود تا رفته رفته منسوخ گردد - الفرس و واجب فلان امیر یا وزیر که بالفرض هزار تومان بود و کفایت مخارج او را مینمود حال که قیمت آن بنصف رسیده و مخارج لازمه او را کافی نمیشد از چند شق خارج نیست یا باید دولت از خزانه کمی آنرا بپردازد مسلماً خزانه تحمل آن بار گران را ندارد یا مأمورین دست از مأموریت خود کشیده استعفا داده مشغول به کسب معاش گردند یا مخیالت را پیشه کرده رعیت و ملک فروش اقدام نموده بر بنووت ستار و ظلم و تعدی خانه رعیت را خراب کنند تا دخل و خرجشان با هم مطابق شود تمام ضرر آنها بدولت باید میگردد و حال تمام مأمورین را بدین گونه باید قیاس نمود -

ضرر بزرگ دیگر دوات که بالاتر ز همه ضررها میباشد است که چون دخل دولت از مالیات و کرب و بستخانه و سایر چیزهاست و از تمام بحساب قران میگردد حال که قیمت آن کم شده دوات که نمیتواند مخارج و مالیات را بیکباره دو برابر کند زیرا که رعیت تحمل آنرا ندارد از آنجهت دخل دولت هم نصف و خرج آن دو برابر شده و جهت خللی شدن خزینه و فرض دولت بیشتر از این جهت است اندکی ملاحظه شود که کلیات پیشگان بر ایمن چه بلاها بر سر دولت و ملت آورده که تا سالهای درازند اوک آن مشکل است مگر ندایر دانشمندان شاهزاده صدر اعظم که خدایش یار و معین و مددگار باشد بدین طرف هم توجه افکنند ضرابخانه و عمل مسکوکات را در تحت اداره آورده مدبر دانشمند دیانتدار با چند نفر اعضا معین فرموده لکن هیچ يك را بمخاطب امینی مخاطب سازند چه سوای يك وجود محترم مسکه خدایش در اعلی علیین جای دهد هر کس باین خطاب و لقب بوسوم شدی مضمون

(بر عکس نهند نام زنگی کافور) را تصدیق نمود
 خلاصه هرگاه اندک اندک همین قران مروجه بحالیه
 را دوات جمع کرده قال گذاشته بار جزئی مثلاً در يك
 مثقال دو نخود بار داده از نو یوزن معین سکه زده که
 ریخته و محوشده نباشد و با کمال اهتمام در وزن و بار
 و سکه و اندازه رانج و قیمت آنرا معین نمایند هر ده
 قران يك اشرفی و حکم حکم از دوات صادر سکه
 قران مسای مروجه حال را تا مدت معینی بیاورند
 و در عوض سکه جدید بگیرند و حق القنور سی
 نمایند که زاید بر اندازه ضرورت ملک سکه شود
 چه اگر زیاده بر حاجت سکه شود باز در هرصه قابل
 حال همین سکه حالیه را پیدا میکند -

مقرر کرده بر چاره نرسد هر چند ترقی و تنزیه انجام آید
 میزان مبادله سکه بسکه خارج در فرقی بیست و نه باشد
 مگر بسیار کم که عبارت از صفر و توات باشد و آنرا
 پایه محو ثروت نمیتوان قرار داد و نیز از قرار سکه
 جندی قبل در نامه مقدمه دیده شد در باب وارده
 سکردن ملتانیه قران ایران را به بندر عباس و سایر
 سرحدات و ممکن است در خارجه سکه کرده داخل مملکت
 نمایند - لذا حکم اکید بر سرحدات و کمراکات بلیز شود که
 کسی نتواند بعد از این اقدام باین گونه اعمال نماید - از
 سنه سنیه صدارت عظمی استقام میشود چه نظر
 توجه بجانب مسکوکات که آبرو و ناموس دولت است
 و سرمایه ثروت ملت است افکنده هم بر دولت و هم
 بر ملت منت گذارند - و از مفساد حدیث شریف
 (من سن سنة حسنة فله اجرها و اجر من عمل بها الی
 یوم القيمة) مستفید کردند و بدستهای طالبین و عاشقین
 را محو و مطموس فرموده نام نیک در ادوار روزگار
 بش از پیش بیادگار گذارند (اللهم و قه و ایاا للخیر
 و صرف عنا السؤ ببیک و آله الطاهرین صلواتک علیهم
 اجین (م ص ح)

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۲۰)

خدمات عسکری عبارت از اقسام از منة آتی است

عساکر دائمه که (گنجگی) مینامند - سه سال

عساکر دائمة احتیاطی که (ژوب) مینامند - چهار سال و چهار ماه

عساکر ردیف که (غوبی) میگویند - پنج سال

عساکر ردیف احتیاط سکه (غوغوبیهدی) میگویند - یا از هفده سالگی تا بیست سالگی و یا از سی و

سه سالگی تا چهل سالگی است

منطقه فرقة هفتم که حاوی آده (یرو) میباشد تا این نزدیکی ها هر چند بنظامات موضعه آنقدرها

تابع نبود و نهایت يك دسته عساکر محلیه غیر منتظمه داشت لکن الیوم نظامنامه اخذ عسکری کاملاً در

آده منبوره بموقع تطبیق و اجرا وضع شده است

(آده - جزیره) فورمن بفرقة دوازدهم که در بالا ذکرش بقت یافت مقداری عسکر داده ککی به

آن اردو میناید

(جزایر - آده های) مجتمعه (جوسیهی) تنها از برای یکسال خدمت عسکری در عهده فرموده اند مشروط

بر آنکه در همان آده ها مدت نظامیه خودرا اکل نمایند

شماره نفوس نجه دولت ژاپون مجموعاً بالغ بیست و شش میلیون و نیم است و مساحت ساحلیه آن با آده فورمن

چهارصد و پنجاه هزار کیلومتر مربع است حوالی از جوانان ژاپون چهار خسته و چهل هزار تن عمرشان بر سر حد

میباشد که قابل مشغول شدن بکارها و کسوک شده به زیر سلاح میگردند - یعنی داخل فرقه عسکری میشوند -

کتابخانه ملی ایران - وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - ۲۰ فروردین ۱۳۱۵ (۱۹۳۶) - ۱۸۹۷

۱۸۹۷) قانون عمومی ژاپون در جزایر شوه چهل و سه میلیون و هفتصد هزار میباشد و در آده فورمن دو میلیون و هفتصد هزار گاه قوس آده فورمن را داخل حساب بساویم قوس ژاپون در سال (۱۸۷۴) سی و سه میلیون و شصت هزار و در سال (۱۸۷۷) سی و هشت میلیون نیم و در سال (۱۸۹۷) چهل و دو میلیون و هفتصد هزار بحساب آمده که از روی احساب بطور حد وسط همه ساله پانصد هزار قوس ژاپون تزايد و بر قوس عمومی آن می افزاید

(۲) درجه تربیه و تحصیل جوانانیکه همه ساله در ژاپون بدرجه رشد رسیده و - الشان بحد داخل در قرعه و میعاد اخذ عسکر میرسد

- ۷۰۰۰ آنانیکه تحصیل علامه عالی و دیدانه هفتصد هزار -
- ۵۷۰۰۰ کسانیکه تحصیل مراتب وسطی را بطور کمال کرده - بجاه و هفت هزار -
- ۱۹۲۰۰۰ آنانکه تحصیل اجتهاد را - به انتها رسانده اند - صد و نود و دو هزار -
- ۹۵۰۰۰ کسانیکه تنها خواندن و نوشتن و حساب میدانند - نود و هشت هزار -
- ۸۶۰۰۰ امی و بی سواد - هشتصد و شش هزار -
- ۴۴۰۰۰۰

که جلتان چهار صد و چهل هزار باشد و صدی پست نفر آنان بی سوادست
(۳) منتش عمومی انجمن صحیه خبر میدهد که همه ساله در ژاپون مقدار معلولین تزايد مییابد اگر بحالت دوام نماید در آنی جبهه دولت ژاپون مایه اندیشه است

از چهار صد و چهل هزار که داخل سفین قرعه شده اند - نخست یکصد و نود هزار از آنان را بزر سلاح در می آورند
شصت هزار از آنان را جبهه عدم صالحیت عسکری ترک و رها میکنند و سی هزار را هم بجهت بیعتی صرف نظر مینمایند

یکصد و شصت هزار را هم يك سر بصنف نظام نقل میدهند
آنانکه از خطرات عسکری از معلولین مساعدت کسای میدانند که خانواده آنان بچین است و کاهنین و طلابی که تحصیل علم کهنات میکنند و معامین مکاتب دولی و عموم معلمین مکاتب ابتدائی و شاگردان برخی از مکاتب خصوصی و شاگردانیکه بدارالفنون مداومت اورد و مستخدمین انشاء بری و بحری از عمل و کار کنان در (کارخانه - فابریک) های عسکری و که بیکار طرف دولت جبهه تحصیل علوم و فنون به بلاد اجنبیه فرستاده میشوند و کسانیکه از جرائم متنوعه پیش آنگه در قانون عسکری مغفرت آن مجازست حبس و توفیق شده اند

از میان جوانان ژاپون از نمره کوچکتر اعتباراً بعد از روم اخذ و باقی را در جریک ترتیب ثانی ترک مینمایند قبل از عماره چین و ژاپون دولت از انسان سنوی جوانان تقریباً بالغ به پانصد هزار هر را جبهه تعلیم اخذ و در تحت سلاح در می آورد ولی از سال (۱۸۹۶) یعنی ز تطبیق نسیبیتات عسکریه اعتباراً در بجا بچهل و پنج هزار ابلاغ نموده و آنانیکه بخدمت نظامیه دعوت می شود عبارت از یکصد و چهل و پنج هزار نفر میباشد که در صنف نظامیه احتیاط نقل و قید میشوند (معاول) افرادی که به اینصنف نقل و قید میشود در اوقات مینه و ازمینه محدود جبهه تعلیم دعوت میشوند که عدالایب از استعمال سلاح و تربیه عسکری بی بهره نباشند

افرادی که در صنف دوم داخل میشوند بعد از يك سال و چهار ماه قید آنان نقل میشود به ودیف احتیاط که تا سال شان بچهل واصل شود در دفتر مقید و قطعاً دیگر تعایبات عسکری نمی بینند
اهالی ژاپون چون اکثر قصور القامه میباشد حد اسیری که در عسکری قبول شده است يك امکز و بجاه

شماره ۲۱۹ ۱۵ ذی الحجه (۱۳۲۷) سال اولادهم - ۷۰ فروری (۱۹۰۵) صفحه ۱۲۹

و يك ساتيم متر است - اما بمرور قامت اهالی ژاپون رو به بتدی گذارده احتیال دارد که در آن ای مقیاس تبدیل شود

این جدول که در ذیل نگارش یافته مدت خدمات مختلفه عسکریه را که مینماید

		۱۷	از سن
	عساکر ردیف احتیاط	۱۸	"
		۱۹	"
صنف دوم احتیاط قره		۲۰	"
	دو طلب یکساله	۲۱	"
	نظامیه	۲۲	"
صنف اول از احتیاط قره		۲۳	"
		۲۴	"
	احتیاط نظامیه	۲۵	"
		۲۶	"
		۲۷	"
		۲۸	"
		۲۹	"
	عساکر ردیف	۳۰	"
		۳۱	"
		۳۲	"
		۳۳	"
		۳۴	"
		۳۵	"
	احتیاط عساکر ردیف	۳۶	"
		۳۷	"
		۳۸	"
		۳۹	"

و جدول آنی قوه عسکریه ژاپون را که تربیه و تعلیم عسکره دیده اند ارائه مینماید

صنف - افراد نظامیه که تربیه و تعلیم عسکری دیده اند

داخل ملک عسکری نموده اند بقایا

(نظامیه)

مرباز (۶۰۰۰۰)	۱۸۰۰۰	مقدار ثابت که ضابطان بزرگ و کوچک و مستخدمین سایر نیز شامل است		
		۵۶۰۰۰	۵۶۰۰۰	۱۹۰۳
		۴۴۰۰۰	۴۵۰۰۰	۱۹۰۲
		۴۳۰۰۰	۴۵۰۰۰	۱۹۰۱

کتاب خوارج از کتب امیرالمؤمنین علی علیه السلام

۴۰۰ کتبت کتبه عن محمد
 حیدر کتبه کتبه یومها الی
 الفار و صلها من علی بن ابی
 ای نخوع حیدر حیدر علی بن
 حیدر امیر است انجا حیدر
 اسم است و کتبه امیر از
 دعای کل صبح اعلان است
 جمع علت ای اسم است
 مرین غیرو
 انصاری جمع حیدر علی بن
 الفضل معنی ابوال
 المظفر کثیر الاحوال
 الورد و تسویه

فقلکم بطیع فیکم الاعداء تقولون فیما لیسکم کتبت و کتبت فاذا جاء الضال فلیجئ حیدر ما غرت
 دعوه من دعاکم ولا استراخ قلب من فاسلکم اعالم یل یا ضال یل و سأل المؤمن القطوب دافع ذی الذین
 المظول لا یجمع الضیم الذلیل ولا یبدل الملی الا بالمجذ آی ذار یبند ذار کتبتون و مع آی امام بعده
 لنا یلون المخر ذوالله من عز زعموه و من غار یکه غار بالتمیم الا حبیب من ذی یکه فندری لوفی اضیل
 اصحت ذوالله لا اصدی فوالکم ولا اطلع فی نضیر کم ولا اوعدا المذوبکم ما بالکم ما ذوالکم ما طبعکم الغوم
 رجال امثالکم اقوال یغیر علم و عقلمه من غیر و ریح و طعمه فی غیر حقی میفرماید ای جماعتی که بدینمای شما فرستم
 و اندیشهای شما پرکنده گفتار شما در اظهار جلالت سنک صلب راست و پانچر میبارد و کردار شما بهنجام کار دشمنان شما
 طبع میافشد در مجالس امن و آسایش در جلالت جو انفرادی ابطال رجال با بر دینی شمارید و روزی که در روز خورشید شمس
 کینه و همی گویندی عرب دور شود و ایشه دور شود و کار شما را با خود مدد کار خواند و آسایش نیافت آنکس که رنج
 شما را بردار شما پاداش خوش است بحکم جهاد و دفع اعدای بعد از ای اطل خیال کار بسویت و ما طله کینه که صاحب دین با
 و انخواه کند و هر روز بوعدهای دروغ او ای دین را با زین کفکد بدین ضعف و ذلت که شما باید دفع ظلم از خویشتر تو امید کرد و
 حق خیر تمام جد و جهد تواند بود که ام سرای ابعدا ز سرای که دارا اسلام است خط و حار رخ امید بود و کلام امام بعد از آن
 شما هم جهاد خواهید کرد و سوکنه با خدای که فرقیه کی است که شما اورا بفرفیید و آنکس که با شما فیروزی خواهد چنان است که از هیچ
 اخب فیروزی جوید و آن سهیلی است که در قما هیچ بهره ندارد و کسیکه شمارا برقع دشمن بجار چنان است که با تیر کشی بیجا
 رزم زند سوکنه با خدای که سخن شمارا استوار دارم و طبع داری شما بندهم و دشمنان پیشروانی شما ایم ندیم بان هر چه است
 شمارا حیت و دای شما حیت علاج شما همانا ای جماعت که با شما طرق منازعت میسازند مردانی مانند شما باشند میگویند
 آنکه بادل کوهی امید و محنت میوزیدنی آنکه اندیشه درع و پارسانی دارد و طمع تقصیل و فرونی میبندید بنی توحیب حقی با ای احتیاتی
 واجب کند و همچنان در خضریم دم کوفه بقالت ضحاک بن یسیر فرماید یا اهل الکوفه اخرجوا الی العبد الضاحی عمرو
 بن عقیس و الی جوش لکه فذا صیب منهم طرفا اخرجوا فاعلوا اعداؤکم و امنوا اخرجکم ان کنتم فاعیلین
 فرمود ای مردم کوفه بیرون شوید و خون عمرو بن عیس را از ضحاک بن قیس بازجوید و بیکانه را از قرض حاکت خویش دفع دهید و مردم
 کوفه در پاسخ آنحضرت تمنی هشتمه و چون مردم هر ساک خنجر بهم میآوردند فقال و الله لو دینک ان لی یکل نمائیه
 فیکم رجلا مناهم و یحکموا اخرجوا معی ثم فتر و اعنی ما بدال لکم فوالله ما اکره لواءه و یعلی فی بی و یصیر فی و
 فی ذلک دفع الی عظیم و فرج من مناجانکم و مقاسا لکم فرمود سوکنه با خدای دست مبارک که شستن از شما و تقیم
 فرمان من چنان باشد که کتیر از مردم شام مرعوبه را و ای بر شما کتیر از آنجا بشید که با من بیرون شوید اگر بنده استوار نماند چه رسید
 شما را سوکنه با خدای که مرگ بر من مکره است چه فرج و روح من در مرگت نیرا که از دعوت شما آسوده میشوم چون این کلمات را فرمود
 از بفر فرود شد نگاه مجرب عدی لکندی را طلب فرمود و از بهر اولانی میست و چهار هزار کس مرد لشکری ملازم رکاب ساخت و بود
 بدفع ضحاک بن قیس نامور فرمود لاجرم مجرب عدی راه برگرفت بر زمین سما و جو زود او در ارضی کل القیس بن عدی بن اوس بن حاکم
 کعب بن قلم کلبنی را دید که در واد خویش را بمصارت حسین بن علی علیها السلام تسبی میگردید پس مجرب عدی را دلیل راه و نمودارید
 کشت و از دنبال ضحاک شتافتند و در نواحی مرعوبه رسیدند ناچار ضحاک روی بر تافت و جنگ در پیرت ساعتی قال او ند نوزده روز

استدعا کردند و این بنده از آن طرف سراسر شرف
مأمور بتحقیق ایجاد و جدت انگیز انهرم و خلایق شده
اینک اطلاعات خود را به جریده مقدمه قدیم نمود
(سیدالسلطنه)

مکتوب از کربلا عیلی

از اخبارات تازه آنکه دوشنبه ۱۰ ذیحجه درب
مسجد جنب بازار نازها سیدی کور و پیر موسوم
به سید حسن شیکر با پسرش به سلیمان حضور پیر مردی
رسیده پدر و پسر او را خوابانیده رو بقبله سرشرا گوش
تا گوش برینند - سید کور با پسرش گرفتار و غلامی در
حبس حکومت اند این سید یکی از شیوخ حلف بود
که سال گذشته در بغداد محبوس گردید مشیر باها
بملاحظه آنکه کورست و پیر بعد از گفتگوی زیاد او را
نجات داد باز این عمل شنیع از او سرزد
ترحم بر پلنگ نیز دندان ستمگاری بود برگوسفندان
عمل تذکره ایران کم کم منظم شده امید است از
توجه جناب ممنحن السلطنه که مجسمه سیاست و دانش
و هیکل صداقت و درستکاری است بهتر ازین در نسخه
قاعده و قانون آید

بشارتی بسیار بزرگ از خطرات ایشان بهما دم
سکه تا حال هیچ یک از الجیهای سابق در این خیال
نبودند - این راد مرد بزرگ زمین دیده اراده دارد
خرید نموده قولسلخانه بسیار عالی بسازد سکه بعد
ازین مأمورین ایرانی از این راه سوده باشند و از
دادن کرایه خانه و زحمت دولت آسوده شود امیدست
بزودی انجام پذیرد - کاربردان خانه دولتی در کربلا نیز
لازم میباشد امیدست آنها به اهتمام این راد مرد ملک
دوست دولت پرست انجام پذیرد -

اگر وزارت جلیله امور خارجه دوسه سال صرف
نظر از واردات تذکره عراق عرب نموده و قولسلخانهای
عراق عرب از پول تذکره در بغداد و کربلا ساخته شود
خلیله مایه عزت و شرف دولت و سرینندی ملت خواهد
بود خداوند این گونه مأمورین با سیاست را در ایران
زیاد فرمود که باعث سرافرازی دولت و ملت اند

مکتوب از بوشهر

امسال هوای زمستان بوشهر قیسی سرد شده
که اغلب شبها یخ میزنند - چنین سوظن را احدی از

بوشهرین با یونهارند روز پنجشنبه بیستم ذی قعدة از اول کیم
برف باریدن گرفت تا نزدیک شروب آفتاب بری حسابی
آمد و زمین ها سفید شد صدای خوشوقی از اغلب
اهالی بلند بود چه برف ندیده بودند و چنان هوا
سرد شد که بتواتر خبر رسیده که دو نفر همه کس در
همراهی بوشهر از سرما هلاک شدند

این اوقات جمع و طرح سه ساله مدرسه سعادت
مظفری بوشهر چپ شده بود جناب اعتلای الدوله کور
برهناز کل عربستان و عمره و شطالعرب بجهت رفتن
چاپسار به بوشهر آمده از طرف وکلاء مدرسه
رقعه با یک جلد دفتر حساب مدرسه بجهت ایشان
فرستاده شد مبلغ سی تومان و دو قران از حقیقه
قنوت خود شان برای امانه مدرسه فرستاده و معذرت
خواستند که چون در حرکت و سفر هضم معنورم
و وقت آمدن بمدرسه را ندارم از طرف وکلاء و هیئت
مجموعه مدرسه تشکرات قلبی خود را ظاهر ساختند
خداوند وجود این نوع اشخاص معارف شناس وطن
پرست را سلامت دارد

عراق عرب

چون دولت علیه عثمانی مصمم شده سکه عمل
جزیره العرب را یکسر کند و شیوخ نجد و تهامه کاملاً
در تحت تبعیت آر در نیه لشکر کشی بزرگی است
چنانچه جناب مشیر اردوی ششم عثمانی با هشت هزار
لشکر مأمور این امر خطیر شده و هفته یکفوج از
بغداد و دست جات بسیار از دیگر صفحات عراق در
نجد اشرف تشکیل اردوی نایند از قرار مسموع دبروز
اردو از نجد در بوشهرای بزرگ نجد آورده و از
قرار معلوم ازین و بعد این مملکت بزرگ از دست برد اجانب
محفوظ خواهد ماند برای اینکه دولت علیه عثمانی در این
باب از حصول مقصود خویش فرو نخواهد نشست

نشان علمی دارالفنون

از آراهیکه (مسیو یاسبک) جنرل قونسلر دولت
بهیه روس مقیم بوشهر در تشویق ارباب معارف و اشاعه
تعلیم میل مفراطی ظاهر داشته توسط جناب دریایی
امیر تومان حکمران حلیج فارس حسب الامر اعلیحضرت
شاهنشاهی نغان درجه اول دارالفنون بدیشان مرحمت
شده تلیقه آقای دریایی و سند نامه وزارت علوم و
فنا لغات خدمت نمودم که برای تشویق سلف مأمورین
الوجه در نامه مقدسه درج فرمایند

تعلیق جناب دریا یکی امیرتومان

(حکمران خلیج فارس ۴ ذیحده ۱۳۲۲)

خدمت جناب جلالت نصاب تقامت و مناعت انساب
معلم محترم مسیو یاسبک جنرال قونسول دولت بیته
روس در خلیج فارس دام اقباله

انشاءالله تعالی مزاج بهاج کثیرالابتهاج جناب جلالتآب
طالی مقرون بصحت و اعتدال است افسوس دارم که
در سال فرخنده قال که ایام جشن و سرور دولتی و
ملتی در نوروز سعادت فیروز دولت بیته روس است
دوستدار حضورنداره که خودم را شریک در این جشن
و سرور نیام با کمال احترام خاطر مهر ذخایر جنابعالی
را به تبریک خالصانه انجادی مسرورساخته ، تهنیت این
سال میمون را بوجود مبارک تبلیغ و تبریک میدارد
مغنی یاد بود و تشویق در انجادنشان طلای درجه
اول مدرسه دارالفنون را که یکی ازعلائم معارف برستی
است ازطرف دولت علیه ایران بتوسط جناب آقامیرزا
مهدیخان مستوفی دیوان هابون اعلی تقدیم خدمت داشت
انشاءالله برزب بیکر در این سال نو مبارک و میمون
خواهد بود در این موقع احترامات فائده خودراخدمت
جنابعالی بتبلیغ میدارد ایام عزت مستدام باد

سندنامه وزارت جلیله علوم و معارف

بتاریخ شهر جمادی الاولی مطابق سال فرخنده قال
لوی نیل خیریت دلیل (۱۳۲۲)

جون مراتب شایستگی و کفایت و کاردانی ولیاقت
جناب جلالت نصاب (مسیو یاسبک) جنرال قونسول
دولت بیته روس مقیم بوشهر معلوم گردید و همراهی
و کمک ایشان بمدرسه مبارکه سعادت بوشهر و انتظام آن
وسایر انتظامات بنادر تنظیف شهر و تشکیل قرآئینه در
خلیج فارس مشهود آمد لهذا حسب الامر بهاء کبندگان
اعلی حضرت قدر قدرت قویشوکت اقدس شاهنشاهی ارواح
الطالین فداء برطبق خواست جناب جلالتآب اجل امرالامراء
النظام میرزا احمدخان امیرتومان دریا یکی و حکمران کل
بنادر و جزایر دام اقباله بیک قطعه نشان طلای علمی درجه
اول از دیوان وزارت جلیله علوم و معارف مفتخر کرد
که در مواقع لازمه زیب بیکر اعتبار نموده و خدمات بدوات
علیهما موجب نتیجه بداند شهر جمادی سنه ۱۳۲۲
وزیر علوم دولت علیه ایران

مکتوب از مشهد مقدس

به لسان حکمت آموختن خطامت
جناب مؤیدالاسلام جامعیت روز نامه مقدس
جلالتین از توصیف بیرون است
آنجا حکه عیان است چه حاجت به بیان است
هر هفته که روزنامه مقدسه را مطالعه مینمایم
چشمها روشن و خاطرها گامین میشود
تنها نه من بسادگیت مبتلا شدم
بر هر که بتگری به همین درد مبتلاست
لاکن بعض از قراء روز نامه را دو ابراد است
من آنچه شرط بلاغ است بانو میکوم
توخوا از سخن بند گیر و خواه ملال
اول اینکه فلان شخص خوب یا بد گذشتنیا
گذشت ماضی حیف است که صفحات مبارکه روزنامه
مقدسه از این جور مطالب پر شود بواسطه اینکه
علاجی بچکن کر دم خون نیاید
سرسک از رخم پاک کردن چه حاصل
از آینده سخن بگویند که تکلیف چیست و چاره
چه چیز است اگر چه میدانم سوانح افعال گذشتگان
آینه عبرت آیندگان است

دویم اینکه مطالب را نامه مقدس طول میدهد مثلاً
فلان روزنامه که غدغن بود و حالا اذن دخول داده
شده حکه به ایران بیاید دو صفحه شرح نمیشواهد
زیاده جسارت نمودم لکن دوست عیب را میگوید
و دشمن پنهان میدارد
حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید
همه وقت مطالب را به عسارت خوش و شیرین
و بر معنا در روزنامه درج فرمائید معلوم است هیچ
وقت در روزنامه مقدسه دیده نشده کبیکه تعریف دارد
تکذیب به نماید یا کبیکه تکذیب دارد تعریف نماید
به پرورد درختی حکه بر آورد
بفکن درختی حنجه حوار آورد
دیگر اینکه مطالب حکه نافع بحال ملت است
مکرر باید درج شود مثل تدبیر لباس زنان ایرانی که
لباس مستور به پوشند درست است اگر انسان بکفنه
جوش بگویند کفایت است

شماره (۲۱) ۱۵ ذی‌الحجه (۱۳۲۲) - سال دوازدهم - ۲۰ فروری (۱۹۰۵) شماره ۶۱

لاکن بعضی حقاء هستند گوش سخن نبوش
و دیده اعتبار ندارند

از هزار نفر به ده نفر این مطلب بدوا اثر مینماید
در هر صورت تکرارش موثر از دیاد اثر است
مطلب زید در نظر داشتم ولی ناگفته به است

مرا در دیست اندر دل اگر گویم زبان سوزد
اگر بنهان کنم ترسم که مغز استخوان سوزد

بمقداد کویچه های مشهد را سنگ فرش نمودند
و در هر جبهه قدم یک فانوس دیوار کوب در کویچه گذاشتند

نسبت به سابق خوب شده لکن آرزوی دیدن آرزوی
را داریم که کویچه های شهرهای ایران وسعت پیدا نموده

مثل خارجه، قراموه، برقی و کالسه عبور و مرور نایم
دو مطلب را اهالی ایران خیلی مشتاق هستند اولاً

قانون مساوات دوم کشیدن راه آهن خداوند عالم عزیز
دارین دارد کسی را که بزودی اقدام نموده این دو

مطلب را بجزی دارد که حق بزرگی به کردن اهل
ایران خواهد گذارد

یقین بداید این قدر که به خواندن روزنامه مقدسه
اهالی شوق دارند ممکن نیست روزنامه دیگر باین

درجه حباب قلوب اهالی نماید زیاده عرضی ندارم سلامتی
وجود مبارک را از درگاه حضرت احدیت خواهم

مکتوب از بغداد

مؤید الاسلاما خدایت موفق دارین بدارد - مدتی
است از وظیفه شریفه نامه نگاری اداره قاعد ورزیده

در این هفته فرض دالست که بهریضه مصدع شود
پوشیده نیست که روزنامه های که در طام اشهار پیدا

کرده تاریخ اشهار شان در مواقع جنگ دول بوده
چنانچه اگر از مدیران حراید معروف عالم سؤال بشود که

تاریخ ترقی فوق العاده جریده ها از چه زمان است بعضی
خواهند گفت در جنگ فرانسه و آلمان و برخی خواهند

سرود در جنگ عثمانی و روس و بعضی خواهند بیان
کرد در مناقشه اسپانیا و امریکا یا در جنگ یونان و

عثمانی یا در جنگ ترسوال و انگلیس مسلم است که
طرف توجه عموم باخبارات در ایام جنگ است - لهذا

روزنامه های در آن ایام از حسن انتظام خود جلب قلوب
عموم را می توانست نمود و چون ملت ایران هنوز قدر

روزنامه و قائم روزنامه خواندن را چنانکه باید و

نباید ندانستند بر مدیران حراید فارسی است که نسبت
به مدیران حراید ملل متعمده پیش از پیش متحمل زحمت

شاقه بقوند تا آنکه بهمت مردانه و استقامت فاهری
و معنوی هم حراید خود را ترقی و هم ملت خویش

را تربیت کنند - ولی افسوس به سببی که بعد ذکر خواهد
شد روزنامه مقدسه در خطه عراق نتیجه که از جنگ

سال (۱۹۰۴) باید بگیرد نتوانست حاصل کرد لکن
رسیدن نامه مقدس است هفته به هفته - چنانچه در این

چند مدت ما بهمین درد گرفتاریم و با اداره مقدس
نوشته و حال هم در نوشتن مشغولیم ولی نتیجه بر

عکس ظهور مینماید - قرب دومه است هر دو هفته
یکبار بیدار این گرامی نامه نائل می شویم حال دره وقع

فتح بندر (آهر) چند هفته است که نامه گرامی
نرسیده است هم حقیر هم مشترکین نا امید و

افسوده شده ایم و حقیر از مشترکین محبوب و
ایشان از بخت خود ملول باری معنی الانتظار اشد

من مللوت را فهمیدیم بر آن مدیر محترم است که اصلاح
این امر را فوری فرمائید معلوم می شود برای اداره

عائقی پیش آمده بوستخانه در هیچ موقع روز نامه
و مکاتب را تعطیل نمیکنند دلیل بر این هفته قبل بسته

روزنامه مال کربلا در بوستخانه انگلیس رسید
و چون کربلا نوشته بود با ندانند تسلیم بوستخانه

ترکی شد و به عادت معهود نگاه داشتند فرستادند
از این معلوم میشود که هر چه بوستخانه داده

شود الا تعطیل، محفل مقصود میرسد از بوستخانه
بپرسیم چرا است کربلا آمد و بسته بغداد نیامد

جواب میدهد چون از اداره فرستاده اند نیامد
اری باید خیلی توجه فرمائید که روزنامه های بموقع

برسد و تاخیر نیوفند حقیر خود را از مشترکین عتی
بیدارم و حال آنکه چنین باید قبوضات را داده وجه

در یافت کنیم از این هر بیاضه مقدار پریشانی حقیر
با از رسیدن نامه گرامی باید بدانید بچه درجه

است مشترکین میگویند که روزنامه های در اداره
مقدس معطل می شود و اشتیاقات اجزای اداره

هم خیلی است چنانچه چندین بار نوشته شده که
روزنامه کربلا و نجف را باسم بغداد فرستید

که ما ازین جا با نگاری فرستیم برای اینکه در

پوششگاه عظام معلل میشود یعنی ضبط میشود -
 الشافیه اعضای اداره پیش از پیش بدین مراتب توجه
 خواهند فرمود

یکی از دانشمندان روسیه

برای توجه ما می نویسد

(به بین روز من راستی پیشه کن)

(تویز از چنین روزی اندیشه کن)

دولت روس از حیثیت قدرت و شوکت و
 همت و عظمت و امور کشور و لشکر و استعداد و
 وسعت مملکت بر تمام دول تفوق و برتری داشته و دارد
 چنانچه میانش هر طرف از صلح و جنگ شدی جمیع
 دول بآن سمت رجوع کردی و بدو کله نطق امپراطور
 ارکان سیاست دول سایر متضرع شدی دولتین فرانس
 و آلمان که قوی ترین دول اروپا بشمارند باتفاق و
 اتحاد روس بر خود میبایند و مینازیدند و به پشت
 گرمی او بسیاری از کارهای خود را که از انجامش
 عاجز بودند انجام دادند همین یک نکته در اقتدار و
 استعداد روس کافیست که یکسال تمام میگذرد در جائیکه
 هزاران فرسنگ از پای تخت او دوراست میدان جنگ
 آراسته و با دواقی که امروزه باتفاق جمیع سیاسيون
 مستعد و مقتدر ترین جمیع دول روی زمین است در
 خانه و همسایه و قریب بیای تخت وی با آنکه تمام اسباب
 حرب از برایش فراهم و آماده است میبخند

و حال آنکه ازین اطلاعی و عدم خبرت سرداران
 خود بر استعداد خصم که عوجه در اول جنگ واقف
 و مستعد نبود و بدان سبب شکستهای بی در پی و ضرر
 های حلی و مالی و اعتباری متواتر یافته و اقلاً دو بیست
 هزار لشکرش مقتول و محروح گشته و اغلب کشتیهای
 جنگیش بر باد رفته و قورخانه و اسلحه بی باقی تلف
 شده از درغایب استقلال مشغول جنگ و صلح طلبان
 را مانع از توسط و مباحثه مکرری است ، خم با بروی
 خود نیاورده هنوز هم عاقبت در میدان خود را فتح و
 مظفر میداند و ضررهای مالی و جانی که بدو رسیده
 و میرسد چون کف آن که از دریای بی یایی بردارند
 جلوه میدهند و الحاق هر دولت غیر از روس بود ناب آن
 همه صلح و مسامحت را می آورد قوت و استعداد
 هر از همین جنگ بر اهل جهان واضح تر شد - با این همه

قوت و استعداد چگونه از مشق رعیت بی سرو پای خود
 که عبارت از عملیات و حالان و مزدوران کارخانجات
 و شاگردان مدارس صنایع باشند عاجز و پریشان و
 حیران و سرگردان مانده که امپراطور مقتدر و فعال
 مایشاه و حاکم ما پرید با کثرت قشون حاضر رکاب گوش
 بر حکم و چشم بر فرمان پنهان و رو پوش شده عمل
 قیام و محل آرام خود را مخفی و مستور داشته کسی را
 نزد خود راه نمیدهد مگر از خواص و ارکثرت پریشانی
 رشته کار از دستش بیرون رفته (فاعتبروا یا اولی الابصار)

سبب این بلوا و شورش آنستکه سلطنت غیر مشروط
 را مشروط نمایند و اختیارات امپراطور را محدود
 سازند تا بمشورت ملت و هوس خود ساز صلح و
 جنگ نکوبد چنانچه سایر دول اروپا در مهمات ملکی
 مات را دخیل کرده بمشورت آنها رفتار میکنند دولت
 روس هم آنزویه را اختیار کند چون در ملک با
 قانون که حکمی مجال تخلف از آنرا ندارد این گونه
 شورش و آشوب پیش آید در ملکی که نه قانونست
 و نه زاگون و از علم و تمدن و سیاست اثری نه و
 استعداد لشکر و اسلحه و قورخانه و فوج بقاعده
 و امراء و عمال دولتخواه و خزینه آباد و رعیت
 آسوده حال ندارد و ملت از ظلم و بیاد و تعدی و
 اجحاف مأمورین و حکام و عمال از قدیم تنگ آمده شب
 و روز بفریاد و فغان و آه و ناله از دولت استبداد و
 خواهش قانون مساوات و زاگون مواساة میکنند و
 دولت اعتنا نکرده شکوش بفریاد و راری و ناله و
 بیقراری ایمان نمیدهد اگر خدای نخواسته انقلاب
 و شورش شود بجهت دفع و شکست طریق دفع و
 رفع آن شورش و مساوت میشود خاصه وقتیکه
 همسایگان حریص دندان طمع تیز کرده با اسباب
 کامل منتظر و مستعد و آماده اساده باشند که باید
 از یکطرف بلکه دو و سه طرف جواب آنان را داد
 و از طرف دیگر ملت را آرام کرد معلوم است چه
 قدر اشکالات پیش میآید

(علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد)

(وما علی الرسول الا البلاغ)

اللهم اجعل عواقب امورنا حیرا بجهاد محمد و له

الظاهرین صلواتک علیهم اجمعین

مکتوب یکی از فضیلهای جلیل

سر تمدن

(شماره ۴)

یا علای بزرگوار مشیران حضرت گردان اقتدار کردند. حدیث ذوشجوه شد و از اندازة غالب افهام برون گردید. و کلام مخالف رأی بعض از عوام اضل من الانعام افتاد. یا ازین جبهه که المرء عدو لما جبهه. یا از جبهه اینکه که جمعی از جاهلان بیایان که بحکم شارکهم فی الاموال والاولاد فرزندان شیطان و مخرب بنیان ملک و ملت بوده و هستند و گاهی اگوار و ادوار و زمان و روزگار از ایشان خالی نبود و نخواهد شد چنین گمان کرده و بیسان مینابند که علم و علای دینه خار گزار ملک و سد راه پیشرفت امور دولتند و تا ایشان بکلی مضمحل نشوند اتحاد قول حاصل نشود و تا اتفاق و اتحاد حاصل نیابد کار ملک و ملت بر نظام نشود البته غرض انجیامت این نیست که کار دولت و ملت رونق گیرد یا مفاسد و معائب قومی و جمعیق اصلاح پذیرد بلکه غرض رذل حبیبی ایشان این است که در هوا پرستی و شهوت رانیها قول مخالف و شخص متانی نداشته باشند و این سخن تازه نیست از زطنهای قدیم اراکین جور از نبارده و فراعنه که دشمنان صاحبان ادیان و اهالی ایمن بودهاند یا اینها همین قول در میان داشتند که (لو اتخمت الهمأ غیری لاجعلنک من اللججین) از اخبار و تواریخ و آیات و پندت از احوالات و کلمات ایشان با انبیاء و مرسلین چنین فهمیده میشود که اینها دعوت بدینی نمیکردند بلکه پیغمبران و تابعین آنها را دعوت بدین دیگر داشتن مینمودهاند و فعلا در مقام بیان این مطلب بنسبیم هرکس کتب تاریخیه ازمنه سابقه را که روزنامه مطبوعه الهیه است ملاحظه فرماید احتیاج بدلیل وینه و برهان نیست بلکه این طایفه همیشه سبب فتنه و فساد و برانداختن بنیاد عباد و بلاد بوده اند و فرقه بد فرقه و طایفه بد طایفه باقسام مختلفه هلاکت رسیدمانند (قطع دابر القوم الذین کفروا و قیل الحداده رب العالمین) این خود عتق و معین است که سرمایه تمام خرابیها در هر دو و کوری و در هر ملت و دولتی اتفاق و عدم اتفاق

بوده است و تمام ترقیات بواسطه اتفاق و ترک بقای فی الجمله که امکان تحقق داشته است حاصل شده است و جز با اتفاق امری نشده و نمیشود

(اذا شط امواج البحار تحقت)

(و مجتمع الاقداح سون عن الکسر)

و در این هم شکی نیست که اتفاق را هم سرمایه حاجت است و اعلی تحقیق گفته اند که این مایه اتحاد هر چه لطیف تر باشد و بلطفه غیبیه السانیت نزدیکتر باشد بروز اثرش در قوم درست تر و شدیدتر و فوایدش و نشایبش بیشتر و پاینده تر است یعنی اگر مایه اتفاق چیزی باشد که مرکز و محل علاقتهای عقل باشد و عقول و نفوس افراد قوم را متحد و منطبق نماید مثل ایمان بدینی و اعتقاد بجزئی از توحید و نبوت و ولایت و امثال ذلک حقیقت این اتحاد صحیح تر و فوایدش بیشتر و دوامش بسا باشد صکه با ابد همزمان شود و اگر ما به اتفاق چیزی است که موقع علاقتهای نفوس بشریه است مثل استیلا و استعلا و مزید جلالت و شوکت و حفظ قومیت پس این اتفاق مادون اول و فوایدش کمتر و تمیز تر است و ادون ازین دو ما به اتفاق است صکه راجع باجسام حیوتیه و مشارکات جنسیه است مثل همسر یگری و هم زبانی و هم لباسی و امثال ذلک و این هم گاهی شدنی است ولی بقایش ببقای یک شخص یا دو شخص است که مهبیح نفوس میشوند و بیشتر از سه نفر و زمان زندگانی ایشان نهد و نمیشود و گاهی ما به اتفاق گذران یومیه است و این ابدان ثابت و بقای نداشته و ندارد مثل بعضی کبانیهای ایرانی یا کیبیونهای دزدی و امثال ذلک که غرض اعضای کار و اجزاء شغل منفعت یومیه است که دخلی بانفعالات دولتی یا ملکی ندارد (باقی دارد)

رویداد سال اول انجمن مکتوری کلکته

(علی سید الاجال)

بتاریخ ۲۱ محرم الحرام سال (۱۳۲۱) حسب الدعوت جناب میرزا محمود خان منضم السلطان وزیر مقیم جنرال قونسل دول علیه اوراق مد مدقق اسفرت نمبر (۹) بموجب تهریک منظم حتراندرخیل تاسیس این انجمن مبارک را نمودند

به پردازند سپس آلت‌التیج انجمن و میز بلیارد و غیره خریداری شد ماهانه در يك صد و بیست روپیه همداری در کولونوله نمبر (۷۶) کرایه و ددین هرماه يك سال که انجمن قائم شده از مسامی جیه و نفوقات آقای وزیر مقیم و مسکوشش منصرم با آنکه سال اول بود با این مصارف هنگفت امور انجمن با حسن و جه گذشت - و فعلاً شاگردان مدرسه انجمن قریب بمجهل قر است و اعضای انجمن از پنجاه اضافه و انجمن در کمال شهرت و خوش نامی قائم و بایدار است ترقی این انجمن و خوشنامی آن را همین بس که نواب اشرف والا آقای سلطان محمد شاه که از او این رجال هند و عایه افتخار ایرانیان بل جمیع مسلمانان هند ستانند سرپرستی او را قبول فرموده و مستمرا سالانه هزار و بالسد روپیه بانجمن و ماهانه شصت روپیه برای يك معلم مدرسه ذمه گرفته‌اند - این راد مرد بزرگ علاوه بر اینکه از قبول سرپرستی این انجمن مایه افتخار مؤسین سایر اعضا و خوشنامی و ترقی انجمن شده‌اند روی هرماه سه ساله دو هزار و دو بیست و بیست روپیه انجمن را تأیید میفرمایند کلیه ترقیات این انجمن از اقدامات خیرخواهانه جناب منضم السلطان وزیر منضم است که جای دارد جمیع اعضای انجمن بوجود این فایده دولت علیه افتخارها کنند و مادام‌العمر منشر باشند انجمن مبارک که مظفری در سال روان شانزده مجلس عمومی و انتظامی منعقد نموده و کارروائی‌های انجمن همه از روی مشوره بوده است

منصرم بنابر خبر خواهی انجمن چند عمل را برخلاف قانون نمود از قبیل عضویت اعضا جدید و عدم اخراج اعضا که سه ماه گذشت و وجه ماهانه انجمن را ندادند و غیره و غیره ولی پس از بیان امر بابت اعضا همه نهاده

منصرم از معدودی اعضای انجمن بیشتر تشکر نمیتواند نمود که در غالب مجالس انجمن شمه شرکت کرده‌اند و از معاونین خود قدوری شکایت دارد چه بآن قسمی که باید و شاید در ترقیات انجمن او را همراهی نکردند

منصرم انجمن از (مستر استیفن) که از محترمین ارادته ایران است بواسطه همراهی‌هایی که خیل

جناب آقا شیخ محمود گیلانی شمس‌العلماء
 جناب آقا سید محمدعلی صاحب تاجر شوشتری
 جناب حاجی محمد کاظم صاحب تاجر اصفهانی
 جناب آقا سید هادی صاحب تاجر شوشتری
 جناب حاجی محمد آقا تاجر خوق
 جناب آقا میرزا علی محمد صاحب تاجر کاشانی
 جناب آقا سید جلال‌الدین - مؤالاسلام
 جناب آقا میرزا محمد صاحب تاجر اصفهانی
 جناب آقا محمد کاظم صاحب تاجر شیرازی
 جناب آقا سید صدرالدین صاحب تاجر شیرازی
 جناب حاجی علی آقا تاجر خوق
 جناب آقا میرزا خلیل صاحب تاجر شیرازی
 جناب آقا میرزا محمد حسن صاحب تاجر تبریزی
 جناب آقا سید محمد هادی تاجر کاظمین
 جناب آقا محمد جواد شیرازی منبجر جبل‌الکین
 در همان مجلس هر يك از حضار بمهده منتخب شده و تا اندازه نیز مصارف ابتدائی را ذمه گرفت ماهانه هم برای انجمن مقرر نمودند - وجهی که برای اساس انجمن بطریق عطیه مؤسین ذمه گرفتند کمتر از هفتصد روپیه و تخمیناً ماهانه که من حیث المجموع وعده نمودند شصت و چهار روپیه بود - از آن بعد قوانین انجمن مرتب و امضا شده بطبع رسید در همان مجلس تأسیس انجمن که هر يك از حضار بمهده منتخب شدند (سکرتری یعنی منصرم) هم منتخب گردید

منصرم ملاحظه نمود با این عده قلیل و دخل کم انجمنی که موافق شنوات ملی و مطابق خیل مؤسین باشد افتتاح نتواند شد لذا چندی صبر نموده از يك طرف جناب وزیر مقیم و از طرف دیگر منصرم انجمن اقدامات لازمه را نمودند چون از روی قانون و مطابق دخل انجمن امکان نبود مکانی قابل و شایسته و مصارف لازمه انجمن و مدرسه و قرائت خانه و میز بلیارد و ملازمین و معلمین و غیره که بالغ از سی صد و هشتاد الی چهار صد روپیه ماهانه است بشود منصرم عهده گرفت من و جناب وزیر مقیم متعهدیم که از مصارف سالانه انجمن که بالغ بر شصت هزار روپیه است آنچه کسر نماید

عضدالسلطان دامت شوکتہ در کمال امنیت و انتظام است این شاهنشاهزاده رعیت پرور از بدو ورود هم خود را مصروف با بادی مملکت و رفاه رعیت فرموده و در از دیاد معارف و اجرای قوانین و آسایش عامه همی بسیار بزرگ بخرج داده و به نیات مقدسه اعلیحضرت پدر تاجدار خودشان در ترقیه عامه رعایا و ترقی مملکت و بسط معارف و تأسیس مکاتب و ایجاد کارخانجات و تسطیح طرق و شوارع و دفع ظلم و انتشار معدلت و حفظ جان و مال رعیت ذره فروگذار فرموده و کلیه امور نافه را متدرجاً در موفت اجرا گذارده بزرگترین افتخار و نیصکوترین اعزازات خود را در حفظ حدود و حقوق عموم اهالی این مملکت از داخله و خارجه میداند و نیگو دانستند که مملکت گیلان در حقیقت اول چهار سوی عبور و مرور تجار و اعظم و سفراء و وزراء از اروپا بایران و از ایران بارویاست و نقطه ورود و خروج مالالتجاره اروپا و ایران این مرکز است و حفظ انتظامات این سرحد نسبت باغلب بلاد ایران اهمیتش بیش است

این شاهنشاهزاده معظم خودی حوزه ایالت گیلان را در تحت نظارت و اهتمام اشخاص و اجزاء کافی سپیر بپنرض خود قرار داده اند که عموم اهالی متشکر و تبعه دول متعابه در کمال امنیت مشغول تجارتند و حدود و حقوق همه باجیدی وافی و جهیدی کافی از هرجهت ملحوظ است خاصه تبعه دولت بیته روس که بواسطه قرب جوار با اهالی این مملکت بیشتر از سایرین طرف داد و ستد و اختلاط میباشند رعایای روس با کمال امنیت و آسایش مشغول تجارتند

چندی قبل قونسواگری روس تشکرات خود را از توجهات مخصوصه این شاهنشاهزاده معظم در حفظ حقوق تبعه دولت بیته روسیه که در حقیقت حاکی از مراتب اتحاد و یکجبهی دولتین بهترین است در پیشگاه اعلیحضرت امپراطوری راپورت داده بود - این ایام نظر بکمال یکجبهی و اتحاد اعلیحضرت امپراطور کل عمالک روسیه با اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی و اظهار مسرت خودشان از سیاست و کیاست این شاهنشاهزاده معظم بکقطعه لشان عظیم الفان عقاب سفید از درجه اول (الکساندر) بتوسط سفارت دولت

ذقیمت بوده و درین مدت بانجمن نموده کمال تشکرا دارد منصور انجمن برخلاف وظیفه خود چون ناظر تعایبات مدرسه استغنا داد و اعضای انتظامی که پنج نفر معین بودند حضور بهم نرسایدند انتظامات مدرسه را نیز نمود و رنه مدرسه که علت غائی انجمن است از میان میرفت از آقا محمد مهدی معلم اول مدرسه نیز منصور انجمن خوشنود است که وظائف خود را نیگو انجام داد منصور در سال روان انجمن را از ینده مصارف سبک دوش نمود - یکی مصارف قرائت خانه که اقلاً صد روپیه ماهانه است در این سال دیناری از انجمن درین مد صرف نشده و حال آنکه قرائت خانه انجمن در شمار بهترین قرائت خانه های بومی بود - دیگر ملازمین شخصی منصور هاره در کارهای انجمن حصه گرفته اند و رنه انجمن با این ملازمین موجوده بنوع شایسته انتظام نمی شد

منصور محض صرفه انجمن از جیب خود چهار صد روپیه خرج تعمیر گیاس کرد و نیز مکتب خانه خود را که بالغ بر هزار مجلد است محض پیشرفت مقاصد امانتاً بانجمن سپرد

منصور از غالب ملازمین خوشنود است که در خدمات انجمن کمال دقت را نموده و صرفه جویی کرده اند جنابجه در تعمیر میز بلیارد بهمین وضع موجوده کبابیه های انگلیسی سی صد روپیه میخواستند و یک و نیم ماه نیز باید میز بلیارد بند باشد ولی بکوشش ملازمین در پنجماه روپیه مرمت شد بدون اینکه میز بلیارد بند باشد

منصور خیلی شکایت دارد ازین که عهده داران محترم این انجمن چنان تصور کرده اند که هر عهده بانها داده شده فقط برای نم است و هیچ گونه وظیفه آنان را نمیشاهد لذا خواهش مند است که ازین و بعد هرکس هر عهده قبول میکند بوظائف خود بنز عمل نماید و باسم آنها قناعت فرماید مناسبه بیکویم که برنی از عهده داران برخلاف وظیفه خود - شرکت در مجالس انجمن نیز کم نموده اند (باقی دارد)

مکتوب از رشت

حوزه ایالت گیلان و طولش ارجس اقدامات و خلوص نیت کارگذاران شاهنشاهزاده اعظم والایار

خطابه ایست که حضرت مستطاب اشرف احمد
امجد ارفع والا شاهنشاهزاده عضدالسلطان حکمران
مملکت گیلان روسی فداء بقونسول گیلان حامل نشان
در ۶ شوال ۱۳۲۲ هجری در طالار حکومت
فرمودند

جناب قونسول

با کمال افتخار و شرف قلبی نشان عظیم الشان عقاب
سفید را که اعلیحضرت قدر قدرت صاحب اختیار
کل ممالک روسیه مرحمت نموده بمن اعطا مفرمایند
میپذیرم - و از شما خواهش دارم تشکر و امتنان قلبی
صرا بتوسط سفارت دولت بیته روس در طهران
باعلیحضرت امپراطور تقدیم دارید - از خود شما هم
که واسطه این امور موهبت عظمی نسبت بمن شدهاید
منون میباشم -

و در امورات راجعه بقونسولگری دولت روس
هملازمه مساعدت و همراهی کرده و هم خواهم کرد -
و امیدوارم حق المقدور نگذارم هرگز ضمنی و روابط
دوستی بین دولتین علیتین و اتحاد معنوی اعلیحضرت
اقدس شاهنشاهی پدر تاجدار بزرگوارم و اعلیحضرت
قویشوقت امپراطور کل ممالک روسیه پدید آید

مکتوب

راه کوجه اسنمان در تحت توحه و تصرف ایالت
جلبه است و خیلی منظم - ولی راه فرس در تحت
نظارت جناب مدیرالملک است - با رسال قرار اینگونه شد
نومان دو عباسی با ایالت فومن علاوه شود بجهت تعمیر
راه فومن و دیگر راه داری گرفته نشود و همه ملائکین
و تبعه قبول کردند - ولی پول گرفته میشود و دیناری
سرف راه نمیشود و غلبه جاجا خراب و صعب المرور است
در اواخر حکومت سردار معظم زیاده از دو هزار
تومان بری تعمیر بل حاجی متهدی طاهر گورابی از
مردم گرفته شد و ادا خرج شد - در عوض تریجی
به ده تومان خریده وی را دخانه نک داشته از طایرین
فهری بقران حق المرور هنوز هم میگیرند و غالب
اوقات ایجار و بیگار از عیاره و عید میگیرند و تعمیر راه
میبایند ایگاش حضرت اقدس والا راه فومن را نیز
در تحت توحه خود می آورند و منظم می کنند

بیته روس در طهران نزد قونسولگری فرستاده روز
سه شنبه یجم شهر شوال در حالتیکه لوازم پذیرائی و
احترامات فایده را حاضر کرده هموم اعلی نظام و غالب
رؤساء و وجوه اعیان و اطلم با لباس تام رسمی
حضور داشتند نشان والا ورود یافت قونسول دولت
بیته روس نطق مبنی بر اظهار رضامندی و مسرت
خاطر مبارک اعلیحضرت امپراطوری از شاهنشاهزاده
معظم و تکمیل مراتب اتحاد بین دولتین علیتین بفرانسه
انشاء کرده شاهنشاهزاده معظم نیز با اشکر تام ازین
موهبت ملوکانه نشان مقدس را پذیرفته در جواب نطق
قونسول مشارالیه خطابه فرما مبنی بر عرض تشکر از
اعطاء این نشان عظیم الشان و اهتمام خودشان در
ازدیاد روابط و الا دولتین علیتین و مودت مخصوصه
اعلیحضرت پدر تاجدارشان با اعلیحضرت امپراطور
یساری انشاء فرموده بفرانسه ترجمه شد - قونسول
مشارالیه از تقدمات شاهنشاهزاده معظم و آنکه او
واسطه اهداء این نشان بود اظهار تشکر کرده پس از
صرف شربت و شیرینی با کمال شرف بقونسولخانه باز
گشت نمود

سواد فرمان امپراطوری

در اعطای نشان عقاب سفید

و بلفظ زردان

مایکلای نانی پادشاه بالاستقلال تمام روسیه
پادشاه یولا که دلیس کنیاز فنیلاد
و غیره و غیره و غیره -

فرماضرمای گیلان شاهزاده عضدالسلطان

برای اظهار کردن مهربانی ما مرحمت کردیم در ۱۳
سپتامبر و سال ۱۹۰۴ مطابق حکمیکه بصاحب منصب
نشانهای بزرگ دولتی ما شده که نشان عقاب سفید را بدهند
در خصوص انجام دادن این فرمایش ما مقرر
فرمودیم که همین فرمانرا با مهر دولتی که مخصوص برای
این نشانها است مهور نموده با خود همان نشان عقاب
سفید تقدیم نمایند

داده شده در سن پترزبورغ ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۴
میلادی - رئیس کل نشانهای روسیه - برون فرید ربکی
رئیس اداره نشانها - زلیین -

امپراطوری برای نشان عقاب سفید

جلد سیم از کتاب وقیم ناسخ التوارخ ووقایع اقالم سبعم

۳۷۶ کیس از جانب امیر المومنین حکومت بیت داشت چون این خبر بشنید در پاسخ شش شرحی تم کرد که من پشت درومی اینکار را نیک نگنیم و چنان صواب شمردم که با پیش خیش نزدیک تو آمیم و با تو پیوسته شوم این مکتوب را بسوی تو فرستادم و خوشترین اثر نامه در برام پس نامه روان کرد و خود با چهار صد مرد جنگی بر پشت و عیان زنان بنصیب آید و با شش هجدهم ساخته جنگ عبدالرحمن شدند و باعث مجت تمام بر سر راه عبدالرحمن آمدند و از دو جانب لشکر بر پشت و جنگ پیوست گشت بسیار کس مطرح و قتل آثار کیس و شش جلد متواتر کردند و لشکر شام در بهم شکست و بگریخت کردند و از قاضی بزمیسیان فراوان تاختند و بی مرد و مرکب کجک انداختند عبدالرحمن که با کجا که سلامت بجستند بنا خود شرو جی طریق شام گرفت کیس بگریخت عبدالرحمن بعضی از محال جزیره را فخر بود تا قریباً تا مخن کرد و پیش از شش و حدت فرو نگذاشت اینوقت با مردم خود گفت که یسواب است که باز بلده بهیت شوم چه فتحی کرده ایم و دشمنان رفع داده ایم مباد از شام سپاهی با تبار دو کلاه بگریزند شود از آنجا بهیت مراجعت کرد و شش با بنصیب شد چون بخبر امیر المومنین علیه السلام آمد از کیس پسندیده نداشت که مرکز خالی کند و بیرون شود چو این شعر بر صنف کیس بود پس بنیکو **اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعْبُدُكَ** **تَصْنِيعُ الْمَرْءِ مَا وَدَّ وَ تَكَلَّفَهُ مَا كَفَى لَجْرًا خَاخِرًا وَ دَائِي مُتَبَرِّزًا وَ اِن تَعْلَمُ بِكَ الْفَارَةَ عَلَى اَهْلِ قَرْيَتِنَا وَ تَهْلِكُ** **مَسَائِلُكَ الَّتِي لَيْسَ لَهَا مَن يَجْتَمِعُهَا وَلَا يُوَدُّ الْجِنْسُ عَنْهَا الرَّأْيُ تَهْلِكُ فَمَقْدَرَةٌ حَيْرٌ لِمَن آوَدَ الْفَارَةَ مِنْ** **أَعْدَائِكَ عَلَى اُولِي اَتَايِكَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَهْتَبِ الْجَائِعُ لَسَاذِ نَعْرَةٍ وَلَا كَاثِرٌ لِيَذُو شَوْكَةٍ وَلَا مَعْنُ عَنِ اَهْلِ** **مِصْرَةٍ وَلَا عَجْرٌ عَنْ اَجْرِهِ خَلَاصَهُ عَنِ نَابِئِي خَمِينٍ مَيَّادٍ بِصِفَاءِ تَضْيِيعِ وَالِي مِرْوَالَيْتِ خُودِ رَاكَا هِي سَتَا مَرِّ رَاكِهٍ سَهْلَرٌ وَ جِي تَدَا رِكَ** **تَوَاكِرُ وَا رَضْفُ وِجُودِ فَسَادِ رَايِ خُوشِينِ اَبْصَحْبٌ رَاكِهِي كُنْهًا مَانَا مَرِنٌ نَاخِنٌ وَ رَزْمٌ سَاخِرٌ قَبَا اَبَلٌ قَرِيْبِيَا وَ خَالِي كَنُ شَمْنِ مَرِّ كِي** **كُدْرَتِحْ اَرْتِ حَمَايْتِ سَتِ نَيْسِ كِرَا زِ رَايِ آسَقْنَه وَ ضَمِيرٌ رَا كُنْهَ وِجَانَا تَوْ قَطْرَه شَدِي وَ جَسْرِي كَشِي تَابِي شَا بِنَه خُوفِ وَ خَشْيَتِ بَرُو** **عُبُورِ دِهْنَه وَ دِشْمَانِ تُو بَرُو سْتَانِ تَوْجِرَه شُودَ تُو خَوَانِ لَيْسَ ضَعِيفٌ شَا بِي كَنُ جِشْنِ شَمْنِ تَرَانِي سَكَّتِ وَ زَلْمَه مَمْلُكِ تَرَانِي سَتِ بِنَه** **اِمِيرِ خُوشِرِ اَزْ خُوشِينِ رَا ضِي تَوَانِي دَا شَتِ بِالْجَلْدِ اِيْنِ نَامِه بَكْمِيْنِ فَرَسْتَا دُو بِهْمِ بِدُنِي كُونِي كِرَا اِنَا كَيْسِ رَا دِ خُوشِرِ** **اِمِيرِ المومنين عليه السلام قرتي بکال بود مکیس بن زیاد بن سیل بن ہبشم بن سعد بن مالک بن الحارث بن جہان بن سعد بن مالک بن شحیح بن عمرو بن علی بن خالد بن مالک بن ادود و او از خواص شیعی علی و صاحب سر بود و حجاج بن یوسف ثقفی او را شنید ساخت چنانکه شاہام در جای خود شرح میرود اکنون با سر سخن میرویم دیگر با بسوی حارث توخی را بخواند و بہر اسوار از فرسان مہر بن فرمان او کرد و فرمود چند کہ در وقت باروی اوست در ارضی جزیره از قتل و فارت ست باز نگردد حارث او بر گرفت و بعد علی و شتاب ہمی رفت تا در و اوجی بن جامعی از قبتی نوبی نعلب را کہ در حضرت امیر المومنین است اطاعت و فرمان برداری داشتند و دیدار کرد و بر ایشان ترکانی از کندی و از احمال اشغال ایشان آنچه بدست کرد و مضبوط ساخت و بہشتن اسیر گرفت و طریق مراجعت را بتقریب و تجلیل میں داشت مردی از صنادر بہ اہل جزیرہ کہ او را عبث بن علی بنیامید ند کیفر کرد و حارث کہ بر میان بہت کرد و ہی زمر و مہنی قلوب را بر خود کرد و آورد و طریق قصر حج گزشت و آب فرا تر اجبرہ کرد و بسیار دید و قریہ از اعمال شام را بزیر پی در سپرد و غنیمت فراوان بہت کرد و بجانب جزیرہ آمد و بہت ازین شهر جزیرہ بنی**

اَلَا اَطْلُجُ مَعْوِيَةَ بِنَ صَخْنِيَرٍ يَا اَبِي فَذِ اَعْرُوفَ كَمَا نَفَسُ بَرُو

کتاب
علی علیه السلام
پسین
شخصی خیر...
فارت بن
حارث بن
جزیره

نسخ با تسع شم اسکن بہت
ویم بدقیم و اسب نہدین
الفرات شتر قراخ و الی
عشرہ ذراخ

مور از ان پس جماعتی با پوشیده بکہ فرستاد و ایشا از فرمود تا اندک اندک طوبس مردم کہ را از علی علیه السلام کرد و اشد و وی را بسا با مسو کیستند و کشتند ازند کہ علی علیه السلام عثمان را کشت و کرد و اورا دست باز داشت بکشتند و با چنین ستم کہ در حق خلیفہ مظلوم بود داشته و کشند کان عثمان را در جوار خوش طبعی اودہ خلاف و امامت مسلما نماز اسزاد نیست بکہ این شریف بہ بالای مویہ زیبا میاید کہ نوا

§ امیرالبحر ژاپون (نوگر) از (کور) حرکت کرده ولی معلوم نیست که بکجا رفته است
 § از مجلس وزیرای روسی وزیر مالیه را هدایت نموده است که نوشته آسایش عملجات را مرتب دارد و اوقات خدمت آنها را نسبت بسابق کم کند و علت حقیقی افتخاشات نامه را بیان کند و تدابیر علاج آن را برای آتیه ظاهر دارد و اختیار و اقتدار رؤسای آنها را محدود نماید - تمام این مسائل در نزد هیئت مخصوصی باید پیش شود و نیز مزدوران و رؤسای آنان بیانات خود را کاملاً اظهار دارند

§ افتخاشات (لازم) نسبت بسابق کمتر است بسیاری از عملجات بکارهای خود مشغول شده اند
 § کیسیون نجارتی آلمان که بریاست یکی از اعضای وزارت خارجه در ستمبر ماه بحضرت رفته بود در پای تخت بحضرت رسیده امیرحضرت (منلیک) اعضای کیسیون را بار حضور دادند کیسیون مزبور پست روز در آنجا توقف خواهد داشت

﴿ اخبارات متفرقه ﴾

§ در مجلس شورای حکومت (برما) قانون تازه برای بندر (رنگون) قبول و منظور شد
 § بواسطه سورت سرمائی که بین (قطع) و (نشکی) واقع شده در تعمیر راه آهن (نشکی) خیلی خلل وارد آورد ولی علی ای محوکان درین بهار راه تمام شده قابل عبور و مرور خواهد شد

§ برای تعمیرات بندر (ترست) رنگون حکومت ر ما (۸۹۰۰۰۰۰) روپیه منظور نمودند
 § مضمون است که (رژیان) سیزدهم مدراس و بنی در اردوی قشون (پنهان - سرحدیه) هند ملحق شود

§ مهاراجه بنارس یوم عظمی الصبح رونق افروز کلکته شده در (بلکچیاویلا) منزل نمودند

﴿ پادشاه سوئیدن ﴾

§ پادشاه (سوئیدن) که از سلطنت عزت گرفته یولیسف خود واگذار کرده است مریدیت معمر که هفتاد و نهش مراحل زندگانی را طی نموده در سال (۱۸۵۲) ارکه سلطنت را بوجود آورد مزین سلطنت

هیچ سیاسیون امیرحضرت موسوف را پادشاهی سیاست و گیاست میدانند خیلی خوش طبع و دوسلک ارباب سخنند آید چنانچه مجموعه نظم و نثر خود را طبع فرموده امروز زبان زد خاص و عام است - برخی را عقیده این است که پادشاه موسوف بواسطه تقاریر که بین (ناروی) و سوئیدن واقع شده از سلطنت عزت گریزند بیدنیست که بنیان سلطنت فرزند او چندی نیز هم قریب منزلت خود چه باشندگان شمالی اروپا از زبانیهای دولت سوئیدن نالانند

(حیدرآباد دکن)

§ نایبند سیاسی حکومت هند (سردیو بدبار) و الاحضرت نظام را در همایوت خود دعوت نمود مشارالیه در نطق خود بیان کرد که مدت پنجسال که من درین اطراف مأمور بودم خوشتر از ملازمت چهل ساله بر من گذشت و الاحضرت نظام فرمودند که علت خوشوقتی شما درین مأموریت این بود که شما و زوجة محترمة تان اهالی این بلد را نیکو شناخته مزاج همه را بدست آورده بودید

﴿ یادگار سرجان و ودیون ﴾

(حکومت متوفای بنگال)

§ در کلیسای (سنت پال) کلکته حکومت حلیه بنگال بتاریخ عظمی فرودی نطق بلینی داده شرح مفصلی از اوصاف حمیده و خصال پسندیده سرجان و ودیون حاکم متوفای بنگال که محبوب القلوب عام و خاص بود بیان نموده و بدست خود پرده از روی نقال ایشان برداشت و یادگاری از ایشان قائم نمود

﴿ مسقط ﴾

رپورت انتقالاتی که بابت سال (۱۹۰۴ - ۱۹۰۳) اشاعت یافته ظاهر میدارد که دولتین انگلیس و فرانس اختلافاتی که در سنوات مذکوره بین دولتین مشتمل علیها در باره مسقط واقع شده بود بین خود بدون حکمیت و تثنی تصفیه نموده اند - سبب آن اختلاف را می نویسند پسران صالح بن علی بودند صالح در (هارق) توقف داشت - و سرخیل بلوایی بود که در سال (۱۸۹۵) بلوای عظیم نموده در سال (۱۸۹۶) صالح رحلت نمود پس از انتقالش سه پسران او برقی مخالفت با امام مسقط بلند کرده طایفه صدمات گونه گونه سلطان شدند - اینک نیز دو پسران جوان صالح

سلوك آنرا دانه مغویانه دلوند و در میان قبائل آن نوسی ممتاز و مسموع الحکمه اند تطاول و ظلم و ظارت آنها باطراف و نوسی مسقط خلیل صدمه میرساند - پسر بزرگ او **سکه عیسی** نام دارد طابق النعل بالنعل بیرو حرکات پدر خود است و خیلی متین و پایه خیالش بلند است و بدین سبب از سایر برادران ممتاز و مضاطرات عظیم زیر سر دارد در (آگست ماه) گذشته امام مسقط برای تصفیه و رفع شورش در قبیله **سکه** در نواحی بندر (سور) است رفته فوراً خبر یافت که پسران صالح با جمع از جوانان شجاع دلیر عرب رخ بدانجانب آورده میخواهند آن قلاع را تحت حکومت خود آورند و اغتشاشی در ممالک متصرفی امام مسقط اندازند - مجدداً اشاعت یافته و مقرون بصحت است **سکه عیسی** خود میخواهد امام مسقط شود یا این مقام را بکس سپارد که تحت امر او باشد چون امام مسقط این خبر را شنید بدانجانب رهسپار شده و یک افسر و صد و پنجاه سرباز بدانجا فرستاده حکم داد که قلعه آن قصبه را به تصرف خود آرند تا راه بر عیسی و همراهانش بند شده نتوانند فرار نمایند

حبل المتین

بارها نوشته باز هم می نویسم سابق امید آن نبود حالا امیدواریم اثر کند امروز زمانه مقتضی آن نیست که در گوشه خزیده چشم از حقوق خود پوشیده منتظر آن باشیم که همسایگان باصاف خود با ما رفتار کرده حقوق ما را با واگذارند هر قدر ما گوشه گیریم همسایگان بیشتر دندان بمحقوق ما نیز خواهند **سکه** کرد صدای دوات فرانسه از غرب برخاست دعوی حقوق خود را بمسقط پیش میکنند و از پیش هم می برد ولی اسی از حقوق دیرینه ما برده نمی شود - ما چشم از حقوق حاکمیت خود هم اگر به پوشیم نصف بیشتر رعایای مسقط و برحمان از رعایای بلوچی ما هستند چرا از حقوق رعایای خود چشم به پوشیم امروز روزی است که دولت علیه دومسقط (رزیدنت - نماینده سیاسی) با دانش و سیاست مخصوص داشته باشد و اقلأ سالی سی چهل هزار تومان مانند تخم در بین اهراب به باشد ده سال نمیگذرد که هواداران ما در مسقط از حجاج

دول بیش و حقوقان مسلم تر از همه می شود باید فد جرگه شکاریان در آمد تا شکار نشد اقل فله این امر آن است **سکه** همسایگان دو مسقط و برحمان متوجه ما میشوند - نه در بوشهر و بندر عباس واقعه بحرین و ظلمی که در خاک و ملل موروثه ما برعایای ایران شده هنوز کهنه نشده است و روزانه شدید تر از آن ظلم بر رعایای ایران در مسقط و برحمان بر رعایای ایران وارد می شود چون میدانم این سخنان درین ایام طاقت بجائی میرسد تجدید عهد نمودیم ورنه **سکه** ازین مقولات سخن رانندیم هم ما از نوشتن خسته شدیم هم قراء محترم از خواندن

دزدی دلیرانه

بوم یکشنبه بازدم می و سه دسته نوت که هر دسته هزار رویه بود در بنگ بنگال مفقود شد طلك نوت بیان میکند که سی و سه دسته نوت را قبل از آنیکه برای پتیاله به بنگ صرافی (کرانسی آفیس) روانه دارم به قاپچی خود دادم در بنگ جمع نباید - قاپچی میگوید که من نوت ها را شمار نکردم - آنچه ظاهر می شود که نوت ز اندرون بنگ جانی که صندوق تقدینه است مفقود شده و تصور این نمی شود که مردمان بیروی دست رس بدین گونه دزدی داشته باشند البته این امر ممکن است که ملازمین بنگ با شخص خارجی مواضع نهاده این مبلغ هنگفت را بسرقة برده باشند چون این خبر شهرت یافت برای بدست آوردن دزد کوشش بلیغ نمودند ولی تا کنون بدست نیامده پلیس میگوید که طاقه از دزدان شهر در لباس عهد دوران در اطراف بنگ حاضر بوده اند بعضی از آنان را نیز گرفته است پلیس را عقیده این است که آنها در دزدی شریک با عملیات بنگ بوده اند نمره های نوت اعلان شده منظون است که بدین وسیله بدست آید

حریق

در (کلورت رود) رنگون تا سیزدهم فروری حریق بسیار سختی شد چون هوا خیلی بدعت میوزید معین احتراق گردیده چهارصد همارت خاکستر شد - طریمه چیان و پلیس برای اطفاء حریق خیلی سعی کردند ولی هیچ طاقه نه بخشید

«جبل اللین کلکتہ»

مدیر کل کالج استریت نمبر ۴

«کلیہ امور ادارہ با»

مدیر کل مزید الاسلام است

«منتظم ادارہ»

آقا محمد سجاد شیرازی است

«هر دو شنبه طبع»

و سه شنبه توزیع میشود

«بتاریخ دو شنبه»

۲۲ قی الحجه ۱۳۲۲

«مصادف با»

«از هر کس و هر جا بلا استثناء ابواب اخبار»

(مقدم گرفته میشود)

«روزنامه مقدس»

«قیمت اشتراك»

سالانه — شش ماهه

«هند — و برمه»

۱۲ روپه — ۷ روپه

«ایران — افغانستان»

۲۰ قران — ۲۵ قران

«عثمانی — و مصر»

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

«اروپا — و چین»

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

«روس — و ترکستان»

۱۰ منات — ۶ منات

جبل اللین

سنه ۱۳۱۱

«قبل از دریافت نمودن قبض ادارہ»

۲ فروردی میلادی ۱۹۰۵ (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

«دو این حریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملای بحث میشود»

«مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست»

فهرست مندرجات

- سیاسی • تلکرافات • تأسف • روانگی • تقریظ •
- مکتوب یکی از دانا یان • تربیه حیدریه • تاریخ حرب واپون •
- مرآت زشت و زیبا • چاره متین در ترویج دین •
- ترقی عوام مدنیت و رونق صلح و صفا • مکتوب یکی
- از فضایی جلیل • جغرافیای ایران • مکتوب •
- طالبش و دولاب • تلکراف شاهزاده سدارت عظمی •
- طاعون رنگون • افغانستان • مکتوب از روسیه •
- ایضاً • جبل اللین • بقیه تلکرافات •

سیاسی

بعد از قبضه واپون بر بندر (آرتھر) غالب سیاسیون را عقیده این بود که جنگ اقصای شرق خانه پذیرفت - یعنی برده بر داشته غالب و مغلوب و فاتح و مفتوح معلوم و معین گردید - چه دولت روس ده سال کامل استحکامات لازمه را مهیا - و تهیه و تدارک جنگ را کاملاً در این قلمه رزین و حسن حسین (که استحکامات طبیعی و مصنوعی سیواستبول و جبل طارق را بهیچ نمی شمرد) دیده - ملیارها صرف تعمیر و اسلحه و قورخانه و ذخیره سیورسات و غیره نموده بود - چون این بندر و آن همه جہازات جنگی از دست روسیان بر ایگان رفت و قوای بحری دولت مشارالیه در اقصای شرقی نابود شد مسلم گردید که روس را در شرقی الشرقی تب مضایقه با چنین خصی جسور

نیست - در صورتیکه دولت روس با آن موقع نیکو و آن استعداد کافی حفظ استقلال خود را در (بورت آرتر) نتوانست نمود نمیتوان قبول کرد که با آن همه بهادری و هوشیاری و استعداد خصم دوباره بتواند این بندر را از جنگالشان بیرون آورد - و این امر نیز از مسلمات اولیه بوده و هست که بندر (آرتھر) کلید منجوریا و منجوریا مفتاح فتوحات چین در کلیه عمالک فرزند آسمان است

یکی از سیاسیون میگوید بیرون کردن بندر (آرتھر) از جنگال واپون غذائی را ملذذ از مضم گذشته که بخواهند بصورت اولیه باز آرند

مالتر از همه جسارت ملت و اغتشاشات اندروی روس است که در متن واقع در چنین موقع کبر دولت را دوتا نمود - در حالتیکه خصم قوی بجه مانند شیر وایان از هر طرف روی آورده رجال دولت مشارالیه را مضبوط الحواس ساخته است - این اغتشاشات اندروی نیز پیش آمده که دولت از تهیه و تدارک مقابله خصم باز مانده نتواند ناردوی خود هیچگونه کمک رساند

در حالتیکه نگاهداری امنیت داخله دشوار و خوف جان بر رجال بزرگ دولت ساری و کاری باشد و از حیثات خویشتن ایمن نباشند چگونه توانند تدارک چنین جنگی را بطریق لایق دید - غالب سیاسیون را رأی این است که خواه بخوان برضا یا غیر رضا

بزرگ یا بزرگ دولت روسی هم قریب مجبور به صلح خواهد شد. هر قدر رجال حال اندیش دولت روس زودتر اعلیحضرت امپراطوری را صلح مائل کنند و در رفع مخاصمه اقدام نمایند شرایط صلح آسانتر و قصاصات دولت مشارالیه در خارجه و داخله کمتر خواهد بود - خساره که درین جنگ از ملت جاهل بدولت روس باید گردید از خسارات وارده خصم برتر و بالاتر است - آنچه محقق است بقسمی ماده فساد در داخله روس ریشه دوانیده و اهالی از ظلم و ستم حکام مستبد و قوانین مستبدانه دولت بستوه آمده اند که تا وقتی سلطنت را مشروطه یا جمهوری قرار ندهند از پای نخواهند نشست

یکی از رجال با بصیرت میگوید که ملت روسیه راست که اختلاف مذاقی را مرتفع داشته بیک صراط که سلطنت مشروطه باشد مستقیم شوند و اصول ملک و ملت و دولت را بر مسلک دولت انگلیس و وضع انگلستان قرار دهند چه ملت روسیه را هنوز قابلیت آن نیست که بطریق جمهور بتواند اصول ملک و ملت را مستحکم داشته اداره نمایند - ولی از عهده اصول سلطنت مشروطه نتواند برآمد - چه دولت و ملت ژاپون بر طالبان نموده که در سلطنت مشروطه لیاقت ملت چندان ضرورت نیست هرگاه ملت روسیه متفق شده سلطنت مشروطه قرار دهند دیری نگذرد که مجدداً دولت روس اقتدارات اولیه خود را با اساس کامل و اصول و شالوده صحیح حاضر شود ولی هرگاه جمهوری طلبان غلبه جویند چندی نخواهد گذشت که در جمیع روسیه مسلک و مشرب اهالی بجان ملوک طواغی رغبت نموده این جنبه جدید و قوت عظیمه را منقسم نموده متخلخل خواهند ساخت

هرگاه دولت روس از روی اقتضای وقت فوراً جنگ را ملتوی ساخته آماده صلح گردد و قشون مستعد میدان جنگ را در داخله مملکت به نگاهداری امنیت منتشر سازد باندک ترمیم قوانین و جزئی اجرای خواستهات باوایان رعایا را میتواند راضی کرده سلطنت را از اغتلاات عظیمه محفوظ دارد - و اگر در شرایط صلح سعی نموده با این همه اغتشاشات داخلی جنگ را بررار دارد هم در میدان جنگ و هم در داخله خود مبتلا بصدقات عظیم خواهد گردید - و بپید نیست که عاقبت منجر به تغییرات کلی در وضع سلطنت شود و با شرایط سخت تر از امروز صلح تن در دهد - شالوده اغتشاشات اندرونی روس از عدم رغبت ملت بدین جنگ است که در متن واقع رؤسای جنگی دولت مشارالیه علی الصنوم و امیر البحر (الکسندر)

اف) و جنرال (کروپاتکن) خاصاً ملاحظه فرمائید. محب تر آنکه در بین همین سردارانیکه مؤسسه جنگ بوده پایه اختلاف بدرجه قصاصات اغراض شخصی را بر منافع ملت و دولت ترجیح میدهند - اختلافات پنهان و مناقشات ظاهره امیر البحر (الکسندر) و سپهسالار اعظم و وزیر جنگ دولت روس جنرال (کروپاتکن) تا درجه تصدیق این مقال را تواند نمود - اختلاف و آسیدگی بین دو سپهسالار اول و دوم روس جنرال (کروپاتکن) و جنرال (کرین برگ) در جنگ (سندپیو) واقع شد و شکست عظیمی که باشکریان روس در این میدان رسید خود غرضی سرداران روسی را فریاد میزند اختلاف مذاقی و حب شهرت و نام آوری باندازه شبیه این دو نفر بزرگ را گرفته بود که عاقبت جنرال (کرین برگ) از عهده سپهسالاری بعد از شکست قاضی در میدان (سندپیو) استعفا داد و به پناه عیالات بجان (پتسبرگ) رهسپار گردید

یکی از رجال دانش در تحریکات خود سبب این همه خساره و شکستهای بی دری روس را از اغراض سرداران و با بیساریت دیگر از فساد اخلاقی و عدم غیرت و عصیت ملی در خیره آنان می نگارد ورنه خارج از تصور و عقل است چگونه سیزده ماه کامل میدان جنگ آراسته باشد و دولتی مانند دولت روس که مقتدرترین دولت روی زمین بشمار است دولت میدان کوچک و بزرگ را و بجز شاهد فتح را در آغوش نگیرد - لاریب هرگاه تا این درجه فساد اخلاقی و اغراض شخصی سرداران روسی را فرا نکرده بود تا این پایه دولت روس در اقصای شرق از دولتی که در عداد درجه دوم دول نیز محسوب نبود مخدول و منکوب نمی شد - این مراتب یکی از دوامر و انیکو میرساند یا اینکه هنوز روسیان معنی حب وطن و عصیت ملی و شرف قومی و تهذیب اخلاقی را فهمیده و بدین صفات که اول درجه تمدن است نرسیده و سابق بر این که عموم جنگها با اصول و حکمگری بود روسیان به بهادری و دلاوری بر بریت هاره فتح و فیروزی را جاز شده نام بردار گردیده اند - یا اغلب روسها با اقوامی جنگیده و نصرت یافته اند که درجه تهذیب اخلاقی و تربیت و تعلیمشان از آنان پست تر بوده - و با اینصورت بگوئیم ضرورت و نخوت فتوحات دیرینه و اقتدارات پارینه بک مرتبه اخلاقی ملت روسیه را تغییر و تبدیل داده و از نتایج اخلاقی ضمیمه خود این چنین روزی را دیده و می بینند -

چه قدر تباین ظاهر می شود بین مبعوضات بی باقه

مشار إليها از تکمیل استعداد و رساندن کمک میدان جنگ عاجز خواهد ماند. با خصم عالم قوی یغی و استعداد کامل و لشکر از جان گذشته غور نشسته قوتحات بی دری - قشون کم تربیت بزمرد مایوس مرعوب چگونه برآی تواند کرد - بعید نیست دولتین فرانس و آلمان از طرف روس و آمریکا و انگلیس از جانب ژاپون همین زودی مسئله صاج را موضوع بحث قرار داده با درمیان نهاده جنگ را خاتمه نمایند

چون دولت روس که متوسک دولت عثمانی بود در منتها درجه انقلاب و برپشان حالی است دول سائره از خوف آنکه مبدا عثمانی بر خویش پالیده باز بلند پروازی آغازند و تجدید عهد سالفه باید مسئله بلقان و اصلاحات مقدونیا را ارسر کرده برخی تجاوز از نازه از طرف دولت انگلیس نیز پیش شده است. آنچه از قرائن ظاهر می شود دول سائره سعی اند حکه مقدونیا را نیز مثل سائر صوبجات اروپا از قبضه دولت عثمانی خارج نمایند. تجاوزیکه دولتین آستریا و روس یک ونیم سال قبل با بابالی پیش نموده و سلطان قبولانیدند علناً این نکته را می نمود - تجاوز دولت انگلیس هم حکه نازه پیش شده همان مراتب را ظاهر میدارد - منشأ اصلی هانا محدود داشتن اختیارات سلطان در مقدونیاست چنانچه دولت مشارالیها را رای این است حکه انتظامات ملکی مقدونیا جزئی و کلی در اختیار کیسیونی حکه دول عظام منتخب نمایند باشد - ولی حکومتی که برای نام است از جانب دولت عثمانی مقرر و منتخب شود

چون بابالی بدین امرین در دهد - و چند بدین منوال بگذرد هیئت کیسیون که جمیع رشته امور ملک دستشان است کمره برای حکومت نیز تصادف عنوان (کرده) و مضمون (مصر) نازه خواهد شد گویا دول عظام هم عهد و هم قسم اند حکه ریشه اقتدار دولت عثمانی را از اروپا برکنند بدون آنکه توی گشاده و خون ریخته باشند هرگاه ملک دول فرنگ را از سی سال باین طرف با عثمانی ملاحظه نمایم آینده دولت مشارالیها را در اروپا حکم توانیم نمود - و چاره نیز برای این دردهای بی درمان یا کله گرگان به نظر می آید جز سوختن و ساختن و مانند مکس دست حسرت بسر طالبین یا مکر مثل ژاپون دستی از غیب در آید و متعاضین را بجای خود نشاند

تکرافات

(۵ نالجه - ۱۴ فروری)

۵ اعلی حضرت ادورد عظم پادشاه انگلستان امروز (پارلمان) را شخصاً افتتاح نموده و چنین تعلق فرمودند

و مشاهدات مرقوم - سابق بر این شنیده می شد که قشون روس بدرجه اطاعت پادشاه خود را واجب می شمارند که اگر مأمور شوند در راه دولت خود طویشن را به آب یا آتش می افکند - و امروز دیده می شود که قشون روس از رفتن میدان جنگ که فتح و شکستش موهوم است سرباز میزنند - بلکه سرداران و سپهسالاران و بزرگترین رجال روس به شرف ملی و اقتدارات دواق خویش را در راه افراض شخصی قربان می نمایند - معلوم است که امید فتح و نصرت برای هر دولت از چنین سرداران و سربازان قرین عقل و دستکاری نباید بود

بالجه - میتوان گفت که رجال پادشاه و سیاست روس از افراض شخصی و خود برستی سرداران میدان جنگ مانند جنرال (کروپاتکن) و (الکس اف) وغیره واقف نشده - بقیماً اگر اغتشاشات اندرونی روس را در معاملات داخله گرفتار نکرده بود تا امروز جنرال (کروپاتکن) را به سپهسالاری اقصای شرق باقی نگذارده بودند - و گمان نمی رود پس از عودت جنرال کروپاتکن به روسیه ملک و دولت روس این سردار جلیل القدر خود را به نظر عظم - و بزرگی بینند چه مقام پوشاندن خطاهای بیخه او را که مبنی بر افراض شخصی بوده است هیچ چیز نمیتوان پوشاند

اگر چه تا کنون مسئله صلح سمت و سمیت پیدا نکرده و رسماً دواین متخاصمین - ژال و جوابی نموده اند - ولی قرائن خارجه و دلایل چنه همه بر صلح دلالت دارد - اگر باز هم برخی از رجال غیر مال اندیش روس می نموده جنگ را برقرار دارند گویا در کام دولت خویش بدست خود زهر ریخته اند - چه اروپا بصیرت را مسلم گردیده حکه با این استعداد موجوده ژاپون بر او بحرا دولت روس تا وقتی قوای حریه خود را دو گونه نه باید روی فتح را نتواند دید - و با این همه موانع داخلی و خارجی تصور نمی توان نمود که دولت روس بتواند قوت و استعداد خویش را مضاعف نماید - و هرگاه مسئله صلح بزودی فیصله نشود ژاپون با قریب جنرال کروپاتکن را قسمی شکست داده که لاعلاج صلح شود و در منجوریا ابداً خود داری نتواند نمود - سورت سردی هوا شکست و موسم بهار در رسید تدارکات جنگی ژاپون تکمیل شده ولی برودت بیابان تقو لقی سیریا مانع از اقدامات روسیان در تویه تکمیل استعدادات جنگی بود - اینکه که موسم بهار دو رسیده بهار خون خواری در داخله روس جلوه گر گردیده - هرگاه رجال با سیاست روس در کمال حرمت زنج اختیارات داخلی را نهایتاً تا در برابر دولت

روابط دوستانه ما با دول خارجه مانند سابق برقرار است -

نازه جنگ در اقصای شرق خواموش نشده است و دولتها منتهای علیحدگی را داشته است - اغتشاشات بلقان باعث پریشانی حواس دول عظام شده - برخی از مجوزه اصلاحات بجا گردیده است مگر تا حال ضرورت اصلاح در عمل مالمه او باقی است - ما با کمال اطمینان خاطر بیان می‌نمایم که دولتین روس و (آستریا) هموزات خود را درین خصوص به ناهالی پیش نموده‌اند

§ معاهدات دوستانه دولتین برطانیه و فرانس را استحکامات افزوده و مراسم اتحادیکه تا کنون بین دولتین بود زیاد شده است و همه روزه زیاد می‌شود اعیل حضرت در باب کیسیون ثالثی که در (پاریس) تشکیل یافته در طایفه حادّه بحر شال اشاره نموده که دولتین روس و انگلیس ذمه دار تصفیه امر بودند - در ضمن تقریر اشاره فرمودند عهدنامه که در (لاسه) شده روابط و تعلقات (تبت) و هندوستان را زیاد خواهد نمود - مشکلایکه در راه کیسیون پیش آمده بود از سلوک افسران کشوری و لشکری ما تا نهایت عزت و احترام رفع شد - دولت چین از جانب خود باینده به کلکته فرستاده که عهدنامه (لاسه) را امضا نماید

امیر افغانستان فرزند خود را برای ملاقات نایب السلطنه هند فرستاد - حکومت هند هم کیسیون به کابل روانه نمود تا آن مسائلی را زیر بحث آورده فیصله نماید که موجب خطر تعلقات دیرینه جابین تصور میشد

بودجه مصارف با فایده کفایت شعاری مرتب و در فهرست تقسیم مقامات و قانون معاوضه همایجات و تعیین یک نفر وزیر تجارت نیز منظور شده است و این امر را لازم دیده‌اند که برای یکاران انتظام کارهای شایسته بشود

تأسف

شب جمعه ۲۲ شوال جناب عمده الاعیان حاجی سید ابوالقاسم برادر کهنتر مرحوم حاجی سید احمد تاجر بزودی که هر دو از معارف تجار یزد و در غالب بلاد ایران و بمبئی اداره تجارتی دارند بر حجت یزدی پیوست رحمت الله علیه رحمته واسعه

رحلت آن مرحوم از واقعات شگفت است عصر ۲۲ شوال جناب مستطاب آقای صدرالعلماء در منزل آن مرحوم رونق افروز و تا نیم ساعت از شب گذشته تشریف داشتند - پس از رفتن ایشان وضو گرفته بمسجد رفته پس از فراغ در منزل جناب حاجی سید محمد صاحب بزودی برونه آمده سه و نیم ساعت از شب گذشته مجلس ختم گرفته از آنجا بخیاة خود

رفته ادعیه کبیل و غیره را قرائت مکرر کرده شام میل نموده در بستر خواب رفتند - هفت ساعت از شب گذشته بی‌الجه حرکتی نموده هرچه آواز دادند جوابی نیافتند فوراً حافظه‌الصحه و دانشکتر انگلیسی طلب شده هر قدر معالجه شد سودمند نیوفتاد بدین وضع روح پرفتوحش بها خمار جنان پرواز کرد - علی‌الصباح جنازه آن مرحوم را با کمال احترام در حالتیکه تمام تجار و اعیان و آقایان شریک بودند از خاک برداشته در قبه منوره (شاهزاده فضل) امانت گذارند و بتاریخ ۲۷ در نهایت احترام با تخت روان روانه مشهد مقدس نمودند - مجالس فایده با کمال شکوه منعقد و اطعام فقرا و مساکین نیز شد آقا محمد مهدی (جلالی) که از ادبای بنام است قطعه در تاریخ رحلت و تسلیت باز ماندگان آن مرحوم انشای نموده تاریخ وقایع را چنین ایراد کرده است (بتاریخش (جلالی) نکته گو گردید و گفت آنکه (شده جنت مکان آقای حاجی سید ابوالقاسم) حاجی سید ابوالقاسم شصت مراحل زندگانی را طی نموده و سه فرزند لایق قابل با استعداد از خود بیادگار گذارد آقا میرزا سید محمد - آقا میرزا سید کاظم - آقا میرزا سید حسین - الحقی خلیل با سعادت و عزت زندگانی نمود

این خبر وحشت آرجون به بمبئی رسید سه مجلس ختم بسیار با شکوه منعقد و جناب آقا میرزا محمد امین‌التجار مجلس ختم را برچیدند شب آخر ختم در حسنیة امین‌التجار شام مفصلی نیز دادند

روایتی

جناب مفتاح‌السلطان وزیر متبیم هفته اول فروری از کلکته حرکت نموده بجناب بمبئی رهسپار گردیدند حرکت ایشان قبل از وقت بواسطه مشاغل مهمه بود که در بمبئی و کراچی پیش آمده بعید نیست که برای انجام برخی امور لازمه در اواخر این ماه یا اوائل مارچ طایم کراچی بشوند - امور قونسنگری کلکته در نهایت انتظام و موثر تشکر طامه است

تقریظ

چهره دوم سهل آموز فارسی اثر خامه جناب آقا محمد کاظم فیلسوف معلم زبان فارسی در (پورد آف اسکولز) از حلیه طبع در آمده الحقی اسی دارد با مسمی مؤلف موصوف ساها دیر تالی حبل‌المتین بوده بد طولانی در اصول تعلیم و وضع تدریس دارد - مطالب عمده مفیده جدید را که دانش نو آموزان را افزایش دهد با عبارت و بیانی شریف به عاومه در آورده - رساله باین وضع که مطالب آن مفیده و قرین فهم اطفال باشد و عقول مبتدیان را سبیل زند مانند

آن کتر از نظر گشت - ترتیب نظر و نظم این رساله قابل تعریف است - از مطالعه آن چنین ظاهر می شود که مؤلف در جمع مطالب و ترتیب دروس کمال سعی را نموده مسکه خوانندگان را رغبتی بر اندازه حاصل آید و بجای نام بخوانند اعضای انتظامیه مدرسه مظفری هم دو بهره سهل آموز را برای درس اطفال انتخاب نمودند هرگاه سایر مدارس هند نیز بجهت شاگردان فارسی خوان این رساله را انتخاب نمایند اطفال بهره نیکو تر خواهند بود - قیمت این بهر پنج آنه است هر کس طالب باشد در نمره ۲۳ لور جیت پور رود کلکتا بمؤلف عزیز رجوع نماید

مکتوب یکی از دانایان

مؤیدالاسلام و افتخار رزمی سیاسی ایران را پوشیده نیست که خیال همسایگان در حق خاک پاک وطن عزیز ما چیست

بدی است میخواهند که از در دوسق در آمده ظاهر به بهانه ساختن راه آهن و در باطن و ظاهر راه شوم و باره امتیازات خانه برانداز در مملکت ما آنوقتارهاییکه در سائر ممالک همسایگان نموده با ما نیز بنمایند چه خوب فرموده شاهزاده فرطفرطی معتمدالدوله (امتیاز جاروب کشی خانه را به بیگانه دادن بایه خانه خویش را بآب رسانیدن است)

(هرگز از شاخ بید بر نخوری)

بمقتضای ولته از بمن توجه شاهزاده آزاده عین الدوله صدر اعظم ایرانی را سعادت ابدی رخ نموده باید شکر این نعمت عظمی را بنمایند که راه توسن خامه خیر خواهان دولت و ملت را سابقین مسدود و میدان را مفیلان زار کرده بودند این وجود مقدس هم را پاک و خارهای ترقی وطن را بالکلیه معدوم فرموده این زطن زطن آزادی افکار و قلم است

امروز میدان وسیعی برای تکاپوی ارباب قلم مهیاست بلید فرس همت و حجت را بجولان آورده دل پژمرده ملت را بآب حیات غیرت زنده نمایند غفلت تا کی - خودبستگی تا چه قدر (بمن چه) (و نمیشود) پس است این سخنان میثوم را از میان باید برداشت

ایکه بجهاد رفته در خوابی

مگر این غیروزه اندیشی

ما راست که ساده لوحی و خود غرضی را ترک کرده فریب همسایگان را نخوریم و گریبان خود را بدست این گندم نایان جو فروش ندیم اولیاء دولت اهدامت ماواست که با ذره بین عقل دقت نموده و از راه دور اندیشی تفکر فرموده و با میزان کباست حرکات رقیبا را بمنجند و مانند [مارکوزایتو] علمیهایکه اروپائیان در سیصد سال بدست آورده بودند خویش بختانه در سالی چند چنگ آریم جهان کنون بازار ترقی علوم و فنون است ما راست که از ملت غیور وطن پرست ژاپون سر معق گیریم که بی و دو سال قبل آنها چه بودند و امروز خود را بکجا رسانیده که منبوط جمیع ملل و دولت اروپا گردیده اند (الفضل مشهدت به الاعداء)

روزنامهجات روسیه مینویسند که دولت ژاپون از حیثیت رطاما دو ثات از ما قلیل و در خاک بجهاد مرتبه کتر هستند - ولی در علم همه جبهه دولت و ملت ژاپون از ما پیشتراند توفیق و تفوق آنها در قنون حرب از سایه علمی است که آنها دارند و ما نداریم - ای هموطنان گرامی درست دقت نماید که ژاپونیان آسیائی اند و ما نیز آسیائی هستیم با ما هم جنس و هم کمال و هم افق هستیم ولی آنچه آنها دارند امروز ما نداریم یعنی علم علم علم

امضای

تربت حیدریه

جرائد روسیه مینویسند که از طرف دولت ایران تعیین شده که خط تلگراف ایران در مقاطعیکه تلگراف نیست خصوصاً در میان مشهد مقدس و سیستان روسها انشاء نمایند و شش نفر صاحب منصب و دو نفر (تخنیک - تلگراف - ساز) تعیین بودند که در مقامات زمینه انشاء تلگراف نموده باشند این صاحب منصبان و مأمورین قبل از رفتن بمحل مأموریت خود بواسطه برور ناخوشی ویا در ایران توقف نمودند

و این مأمورین و تحکرافچیان در مشهد مقدس وارد شده میخواهند که حرکت نموده بمحل مأموریت خود رفته خدمات بمحوله خویش را انجام دهند هنوز بمحل مأموریت نرفته

گذشت، از صاحب منصبان جدید که قریباً تلگرافی که سابقاً از طرف دولت روسیه به تلگرافخانه های مهران و حوالی آن مأمور شده و یکی از ایستگاه های خدمت شاه قبله و دو نفر از مسلمانهای اقطاع شازده سال قبل در تلگرافخانه های ایران خدمت بدولت روس میکردند و این سه نفر رسماً از طرف دولت روس شناخته می شدند حسب الامر (خیرالدوله) از خدمت محوله محروم شدند تمامی این اشخاص با کمال یأس نیست منتظرند - افواه است که تلگرافی های روس عودت خواهند نمود و میگویند که عنقریب سفیر روس [شیبیر] بطهران آمده در آنحال این سؤال و جواب پیش خواهد شد

تذریس تلگرافخانه های معین مقدس (خیرالدوله) امری شد که مأمورین مزبور را هیچگونه اختیار نیست که بخدمت مرجوعه دولت متبوعه خود اقدام نمایند - گویا حکمی فرستاده که از خراسان تا سیستان صاحب منصبان تلگرافی روس را بهیچ قسطنطین تلگرافی راه دهند

این حادثه را تلگرافاً بجزرال قونسول روس در خراسان و نمایندگان دولت مشارالیه در طهران و به رئیس تلگرافخانه های قلیس و قفقاز اخبار دادند بگناه و نیم است از این قریه میگذرد هنوز جوابی از طرف دولت روسیه داده نشده و صاحب منصبان مزبوره از رسیدن جوابی زیاد مأیوس شده اند

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۲۱)

صنف احتیاط عساکر نظامیه

سال	عساکر	سرماه
۱۹۰۰	۴۰۰۰۰	۳۶۰۰۰
۱۸۹۹	۳۵۰۰۰	۳۱۰۰۰
۱۸۹۸	۳۲۰۰۰	۲۷۰۰۰
۱۸۹۷	۳۰۰۰۰	۲۵۰۰۰
(عساکر دریایی)		
سال	عساکر	سرماه
۱۸۹۶	۲۵۰۰۰	۲۱۰۰۰
۱۸۹۵	۲۵۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۸۹۴	۲۵۰۰۰	۲۰۰۰۰
۱۸۹۳	۲۵۰۰۰	۱۹۵۰۰
۱۸۹۲	۲۵۰۰۰	۱۷۰۰۰
(صنف احتیاط دریایی)		
سال	عساکر	سرماه
۱۸۹۱	۳۱۰۰۰	۱۹۰۰۰
۱۸۹۰	۲۰۰۰۰	۱۵۰۰۰
۱۸۸۹	۲۰۰۰۰	۱۱۵۰۰
۱۸۸۸	۲۰۰۰۰	۱۴۲۰۰
۱۸۸۷	۲۰۰۰۰	۱۴۰۰۰
۱۸۸۶	۲۰۰۰۰	۱۳۷۰۰
۱۸۸۵	۲۰۰۰۰	۱۳۴۰۰
۱۸۸۴	۲۰۰۰۰	۱۳۳۰۰

مقاله علمی و پژوهشی: ادوات و تجهیزات - ۲۷ فروردین (۱۳۸۵) - شماره ۱

این مسکری که در جدول ذرا، عموماً تنها نظم و تربیت یا تعداد و نیزه لازمته برای افراد آنان بطور آنگاه بدینند و از جمله مساکری میباشد که تا آخرین مرحله نظم مسکری را دیده و در شمار عساکر معینند بلامنظرت اقتصاد عالیه افراد بسیار که جبهه مسکری شایسته اند بحکس. بصنف احتیاط نقل می شوند که نظم و تربیت آنان بالنسبه بفرقه اول تا يك درجه دون میباشد

ظاهر و هوید است که دولت ژاپون با این اصول و قوانینکه وضع نموده مبنی بر تنوعی که دارد مقدار مساکری که حلب و جمع میباشد دو نخستین درجه کلی است

(تشکیلات صنوب مختلفه عساکر)

(صنف پیاده)

(تشکیلات پیاده بر وجه آتی است)

پیاده (۵۲) آلی و هر آلی سه (طابور - فوج) و هر طابور چهار بلوک درین حالت من حیث المجموع ۱۵۶ فوج میشود باین مقدار که در ذیل نگاشته آمد نمرة ۱ - ۲ - ۳ - ۴ آلی های محافظ علاوه شده زیرا غیر از محافظ عبارت از ۴۸ آلی است بلوک پیاده که هنگام حضر عبارتست از ۵ ضابط بزرگ و ۱۲ ضابط کوچک ۱۸ اصناف مسکری ۱۲۱ سرباز و یا ۵ ضابط و ۱۵۱ نفر سرباز.

تشکیلات حضره يك طابور عبارتست از ۲۲ ضابط و (۶۰۴) سرباز
تشکیلات يك آلی هنگام حضر عبارتست از ۶۸ ضابط و ۱۸۵۲ سرباز و ۱۴ اسب نواقص تشکیلات سابقه در وقت سفر از نظامیه احتیاط اکمال میشود

افراد جدیده او در حال سفر بری بوجه آتی است

سرباز	ضابط	
۲۲۱	۰	يك بلوك
۹۰۰	۲۲	يك طابور - فوج
۲۷۰۰	۶۸	يك آلی

(علاوه بر این هنگام صلح بر وجه آتی تزیید عساکر میتود)

بهر آلی يك فوج ذخیره (آلی محافظ ازین مستثناست) و يك فوج احتیاط علاوه شده و هم يك آلی ردیف حکه از دو فوج متشکل است بر او افزوده میشود که افراد جدیده این فوج عن افراد فرقه تشکیلات عساکر دائمه است خلاصه مقدار تشکیلات بر وجه آتی است

(فوج - طابور)

۱۵۶	عساکر دائمه
۵۲	عساکر ذخیره
۵۲	عساکر احتیاط
۱۰۴	عساکر ردیف

شماره (۲۲) ۲۷ فی الحجه (۱۳۲۷) مندرجہ فیہ ہولڈنگس - ۲۷ فروری (۱۹۰۵) مندرجہ فیہ

در سال ۱۹۰۰ يك مفرزه مركب از سي نفر سوار (ده لوسيد) تشكيل و تجربه اش مباشرت ولي چون پشت لراضی واپون بست و بلند و كوه و جبهه ملى و حرکت اينگونه وسائط غير مساعد است موقوف نمودند ولي در خصوص امري برى تجربه ها نموده نهايت بايقاي مثبت چند سوار (ده لوسيد) در محبت هر ميت ارگان حرب جبهه مخبره قرار داده شد

دولوسيدهاى واپون را در ۱۹۰۰ (پارس كالبن) از حكومت بلجیقا ميايه نموده است

(اسلحه واپون)

عساکر بياده واپون بافتنگ (سي ام مه جى) مسلح اند مقصد از (سي ام مه جى) سال سي ام جلوس امپراطور است و كتابه از آنصكه در سال ۱۸۹۵ پذيرفته شده است اين فتنگ را (جنرال آريزاكا) ترتيب و اختراع نموده وضع او بر وجه ذيل است

چاپ	۶۱-۵	میلتر
سرعت ابتدایه	۷۵۲	میتره
وقت باسر نیزه	۴-۱۰۰	کیلوگرام
حد استيعابى پاك فتنگ	۵	عدد
و زن كلوله	۱۰-۳	عزام
تقسيمت آخرى نشانگه	۳۰۰۰	متره

نہا عساکر دائمه يا اين فتنگ مسلح اند عساکر ديگر با فتنگ (موراطا) که قبل از قبول اين فتنگ در دستشان موجود بود مسلح می باشند

فتنگ موراطا عبارت از دو چاپ مختلفه یکی ۸ میلتره و دیگری ۱۱ میلتره است تعريف فتنگ ۸

میلتره موراطا	۸	میلتره
قطر لوله فتنگ	۲۲	میلتره
طول فتنگ بدون سر نیزه	۴-۸۲	کیلوگرام
و زن فتنگ	۸	عدد
حد استيعابى خزينه	۵۴۴	متره
سرعت ابتدایه	۱-۵۵	متره
بلندی فتنگ باسر نیزه		

ماشين اين فتنگ مشابه فتنگ ماوزر آلمانى است و خزينه که در او فتنگ ها را محفوظ ميفارند که از آنجا داده بحدودى خود بخزينه لوله فتنگ داخل ميشود مانند لوله ساخته شده و در زير لوله فتنگ درميان قنناق نصب شده و باروت که درين فتنگ است اتصال ميشود بی دود است (موراطا) نام فتنگ قدیم واپونيان هم در ترتيبات مانند فتنگ فوق است تنها فرق اينست قطر دهن لوله (حكايلر) ۱۱ میلتر و باروتش باروت سياه دود دار قدیمی است اين فتنگ مشابه فتنگ (فرما) مال يونان و فرانسه و ماوزر قدیم آلمانى است

(جبهه خانه)

همراه بياده واپون مخصوص فتنگی که در دست دارند همیشه صد ويست فتنگ موجود است که هفتاد فتنگ در دو (پلاصفه) يعنى فتنگ دان که در طرف راست و چپ در کر آويخته دارند و چهل دانه را در کيبه مخصوص و يا فتنگ دان علاقه همراه بر ميفارند در کر (بالى داود)